



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوري اسلام افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

ویژگی های رسول الله (ص) در قرآن کریم

رساله ماستری

محصل: معاذ الله "عاکف"

استاد راهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب "بلخی" حفظه الله

سال: ۱۴۰۰ هـ ش. ۱۴۴۲ هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلام افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

ویژگی های رسول الله (ص) در قرآن کریم

رساله ماستری

محصل: معاذ الله "عاکف"

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیب "بلخی" حفظه الله

سال: ۱۴۰۰ هـ ش. ۱۴۴۲ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعيات وقانون

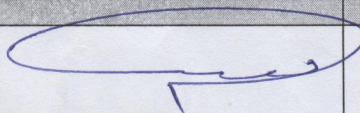
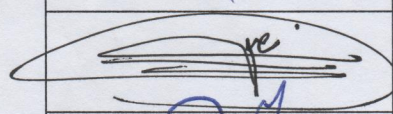
ديپارتمنت تفسير وحديث

بورډ ماستري

تصديق نامه

محترم معاذ الله ولد عبد الشکور ID نمبر Sh-mst-97-389 (از دور چهارم تفسير وحديث) از پايان نامه
ماستري خویش زیر عنوان: ویرگی های رسول الله صلی الله علیه وسلم در قرآن کریم
به روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۲/۷ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر
هیأت ژوری مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نود نمره (نمره به حروف) گردید، موفقیت
شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور فصیح الله عبد الباقي	عضو هیأت	
۲	دکتور نصر من الله مجاهد	عضو هیأت	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... آمر بورډ ماستري

اهداء

به درگاه رب العالمین، به امید پذیرفته شدن و امتنان از نعمت های بی کران که برایم در زندگی بخشیده است

به رسول الله ﷺ و اصحاب گرامی شان که این رساله که به تبعیت از محبت او نوشته شده است اهدا می نمایم

به والدین عزیزم که سبب این موفقیت گردیدند و از مهر و عطوفت پدری و مادری گذشتند در سنینی نه چندان شهاد دوری فرزند خویش بودند. به برادرانم و بالخصوص نجیب الله "مرادی" که عمری را در سفر سپری نمود تا به اینجای کار برسم.

به همسرم، دعوتگری صبور و مهربان، همسفر که جز به ارتقای من به هیچ چیز دیگری نمی اندیشد.

به همه داعیان و دعوتگران دینی و صابران در راه دعوت الی الله اهدا می نمایم.

با احترام معاذ الله " عاکف "

سپاسگزاری

در این مرحله از پایان نامه حمد، ثنای، بی پایان الله متعال را بیان می نمایم ذات که توفیق را رفیقم گردانید تا این پایان نامه " کارشناسی ارشد " را بنویسم، ذات که دشواری ها و سختی ها را برایم آسان گردانید و صبر استقامت نصیب بنده حقیر نمود تا همه سختی ها دشواری ها و مشکلات را نادیده بگیرم و محبت به تعلیم را از همه پیش، و بیش بدانم، اگر توفیق او نمی بود اگر یاری مدد او نمی بود من نیز مثل هزاران مرد وزن دهکده که از نور علم محروم اند محروم بودم خدایا ترا سپاس و این همه از آن تست.

درود سلام برمنجی عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی ﷺ آن بهترین، آن سید و سرودار عالم و بشریت برآل و اصحاب شان درود سلام باد. در قدم نخست از دولت جمهوری اسلامی افغانستان سپاس، امتنان می نمایم بعد از این همه جنگ، مهاجرت، فقر بد بختی زمینه تحصیل را فراهم نمودند حتی در سطح ماستری/ کارشناسی ارشد و مافوق آن، جای بسا خوشحالی است در کشور ما زمینه های تحصیل فراهم شده است و همچنین بر خود لازم می دانم، از استاد عزیز، مربی خوبم، ناصح بزرگ، عالم و دانشمند معتدل از سرمایه ها و غنیمت کشور پوهاند صاحب د محمد اسماعیل " لیبب " بلخی حفظه الله اظهار امتنان و سپاس قدر دانی همراه با دعای خالصانه خویش نمایم. او که با همه مصروفیت های خویش مسئولیت رهنمای نگارش تیزس بنده را گرفتند در نحوه نوشتاری، تکمیل مواد لازم بنده را رهنمای و دستگیری نمودند تا پایان نامه من آماده شود، به اهداف نیلی بعدی برسم، از الله متعال می خواهم که اجر جمیل نصیب استاد گران مهر نماید و برای شان حفظ سلامتی در دنیا آخرت استدعا دارم. و همچنان از همه دست اندر کاران دانشگاه سلام که در واقع مکان نشر مفاهیم اسلامی و ارزش های والای اسلام با خط اعتدال می باشد سپاس امتنان می نمایم، کانون بی نظیر علمی پوهنتون را یقینا که اساتید مجرب و کار کشته آن رونق داده است الله متعال این کانون علمی را در امن امان داشته باشد و شر حاسدین را برای خودشان برگرداند. از همه دوستان، که رهنما، و مشوق بنده بودند اظهار امتنان و سپاس!

بارالها! این کار خالصانه را در راه خودت قبول بفرما، آنچه از توان بندگان عاجز چون من می شد همین و یا کمتر ازین است. بارالها بپذیر، بارالها! اینرا وسیله دوام محبت خودت و رسالت قرار بده بارالها! مرا سربازی از سربازان کتابت قرار ده! بارالها! مرا سربازی از سربازان سنت پیامبرت قرار ده! بارالها! زبانی که از تو روایت می کند عذاب نده! بارالها! چشمی را که برای هدایت مردم به آیه های تو می نگرد، و پایی را که در خدمت تو ره می پیماید، عذاب نده! آمین.

خلاصه بحث

خلاصه پایان نامه مذکور که تحت عنوان ویژگی های رسول الله ﷺ در قرآن کریم نگاشته شده است قرار ذیل می باشد.

در ابتدا ویژگی ها در لغت و اصطلاح بحث شده که ویژگی در لغت بمعنی (خصوصیت) داشتن یک برجستگی و یا شاخصه منحصر بفرد و برگزیده شدن و یا انتخاب گردیدن است و در اصطلاح: (فضایل و اموری است که تنها رسول الله ﷺ دارا می باشند و متمایز از سایر انبیا و یا از سایر بشری باشند. از کسانی که در باب ویژگی ها کتاب نوشتند و مفسرین که در تفسیر آیات ارشادات در موضوع ویژگی ها داشتند بحث شده است. همچنان در قسمت شخص رسول الله ﷺ مقداری معلومات ارایه گردیده تا خواننده پیش از اینکه در باب ویژگی ها برود در قسمت رسول الله ﷺ بداند. بعد ویژگی های رسول الله ﷺ را تقسیم نموده ام که در دو بخش ویژگی های که در او انبیا شریک نیستند و ویژگی های که در او امت رسول الله ﷺ شریک نمی باشند ولی انبیاء در بعضی آنها مشارکت دارند، بحث صورت گرفته است و هیچ مورد که در صفت های رسول الله همخوان باشد آورده نشده است. ویژگی ها موارد تمایزی که جنبه نفسی در محبوبیت رسول الله ﷺ دارد برای اینکه محبت پیامبر وجوبی می باشد همانند اطاعت شان لذا شناخت محبوب و حد آن محبت الزامی تر می باشد برای همین روی این موضوع به روشنای قرآن کریم در این رساله بحث صورت گرفته است. چنین شناخت از ویژگی های رسول الله ﷺ زمینه چگونه محبت ورزیدن، و اینکه باید برای چنین پیامبری محبت ورزید و راه روش اش را تعقیب نمود مهیا می سازد و از افراط و تفریط در زمینه محبت پیامبر ما را نجات می دهد. مسئله ویژگی های رسول الله ﷺ چیزی ثبوتی است آنچه در قرآن و سنت وجود دارد و ثابت است ربط داده می شود نه اینکه هرچه دل ما خواست نسبت دهیم از گذشته علما روی این موضوع توجه داشته اند. کتاب های ضخیم از خویش میراث گذاشته اند به نسل های بعدی که میراث ارزش بهای است

در قسمت اخیر رساله از فضایل و کرامات رسول الله ﷺ یاد آوری شده است موردی که به رسول الله ﷺ مباح، موارد که غیر جایز و موارد که حرام می باشد ذکر رفته است خلاصه بحث ما در دو گزینه تمام می شود ویژگی های منحصر بفرد رسول الله ﷺ در دنیا و ویژگی های رسول الله ﷺ در آخرت و ویژگی های که در قبال امت شان یاد آوری شده در اصل ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد اگر رسول الله ﷺ نمی بود امت نیز فاقد این ویژگی ها بود این بود خلاصه رساله ها .

اهداء.....	أ.....
سپاسگزاری.....	ب.....
خلاصه بحث.....	ت.....
مقدمه.....	1.....
اسباب اختیار موضوع.....	4.....
اهمیت موضوع.....	4.....
پیشینه تحقیق.....	5.....
روش تحقیق.....	7.....
خطه بحث.....	8.....
مبحث اول: مطالب مقدماتی.....	10.....
مطلب اول: مفهوم ویژگی.....	10.....
موضوع اول: مفهوم لغوی ویژگی.....	10.....
موضوع دوم: مفهوم اصطلاحی ویژگی.....	11.....
مطلب دوم معرفی مختصر سیره ذاتی پیامبر ﷺ.....	12.....
مطلب سوم فواید شناخت ویژگی های رسول الله ﷺ.....	17.....
مبحث دوم: اقسام ویژگی های پیامبر ﷺ.....	20.....
مطلب اول: ویژگی های که تنها مربوط به پیامبر ﷺ می باشد در دنیا.....	23.....
1- عهد و میثاق.....	24.....
2- رسالت عمومی.....	27.....
3- خاتم پیامبران.....	35.....
4- رحمت و رهنمای بشریت.....	39.....
5- مامن اصحاب (وجود پیامبر ﷺ) باعث دوری عذاب عام.....	46.....
6 - قسم به حیات پیامبر ﷺ.....	51.....
7- صدا به وصف، رسالت و نبوت.....	53.....
8- نهی از صدا به اسم.....	60.....
9_ اعلان مغفرت " از گناهان گذشته آینده " در دنیا.....	64.....
10_ محفوظ بودن از مردم.....	67.....
11: کسی را برایش طلب غفران نماید، الله متعال او را می بخشد.....	70.....

- 12_ رسول الله ﷺ دعای ابراهیم علیه السلام 71
- 13: تشویق جنگ با کسی که به اخراج پیامبر ﷺ اقدام می کند 73
- 14_ حرام بودن نجوی در نزد مبارک پیامبر ﷺ 75
- 15_ تعهد الله متعال در حفظ کتاب که به رسول الله ﷺ نازل شده 78
- 16_ رسول الله ﷺ از مومنین نسبت بخود شان قریب تراست 80
- 17_ جواب اتهامات وارده مشرکین را الله متعال داده 82
- 18- ذکر مقدم رسول الله ﷺ از سایر برادران اش (انبیا) یاد در قرآن کریم 85
- 19_ نبی امی (خوانده، نوشته) نمی تواند 86
- 20_ دانستن اهل کتاب از رسالت رسول الله ﷺ 87
- مطلب دوم: خصائص، و ویژگی های مخصوص پیامبر ﷺ در آخرت 90
- الف: مقام محمود 90
- ب: کوثر 93
- مطلب سوم: آنچه از ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ برای امت شان در دنیا 96
- الف: خیر الامم 97
- ب: حلال گردیدن غنیمت به امت محمد ﷺ 99
- ج: برداشتن حرج از زندگی 100
- مطلب چهارم: ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ در آخرت به امت شان 104
- شهادت بر امت های سابق 104
- مبحث سوم: ویژگی های لازمه رسالت مخصوص پیامبر ﷺ 109
- مطلب اول: موارد که نباید پیامبر ﷺ آنها را انجام دهد 109
- الف: تعلم و کتابت 110
- ب: آموختن شعر 111
- مطلب دوم: موارد که بر پیامبر ﷺ مباح است نه بر غیر 113
- اضافه از چهار زن 113
- مطلب سوم: ویژگی های که خاص به رسول الله ﷺ می باشد و امت در او مشارکتی ندارد 114
- الف: معصوم بودن در اقوال و افعال 114
- ب: کوچک شمردن پیامبر ﷺ و اهانت او کفر 115
- خانم های رسول الله ﷺ مادران مومنان 118
- مطلب چهارم: ویژگی های که به رسول الله ﷺ لازم و برای غیر (امت) لازم نمی باشد 119

120.....	نتیجه گیری
122.....	پیشنهادهات
123.....	فهرست آیات قرآنکریم
127.....	فهرست احادیث نبوی ﷺ
128.....	فهرست اعلام
129.....	فهرست مصادر ومنابع

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام علي سيد الانبيا والمرسلين وخير خلقه محمد ﷺ وآله وصحبه وسلم.

اما بعد: روی ویژگی های پیامبری بحث می گردد، که الله متعال او را خاتم انبیا مرسلین فرستاده است، زندگی او را در تمام ابعاد الگو قرار داده و خط مشی او را یگانه خط مشی صحیح دانسته است با فرستادن او قانون گذاری های گذشته را محو نمود، رسالت او را کامل ترین، و شامل ترین رسالت ها برای نیازمندی ها مردم در همه عصر ها گردانید طور که الله متعال در قرآن کریم مهربانی می نماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾¹ ترجمه: خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به سويشان گسيل داشته است، تا آیات خدا را براي ايشان بخواند، و آنان را پاك بگرداند، او بدیشان کتاب (قرآن) و شریعت (یزدان) را می آموزد آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاری بودند.

حیات رسول الله ﷺ بهترین حیات و سیرت اش موثق ترین سیرت است. فضایل اش غیر قابل شمارش می باشد، فضیلت انبیاء یکی از دیگری، امر ثابت می باشد الله متعال می فرماید: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾² ترجمه: این پیغمبران (که نام برخی از آنان گذشت) بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خداوند با برخی از آنان سخن گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد، و به عیسی پسر مریم معجزاتی دادیم و او را با روح القدس (یعنی جبرئیل) تقویت و تأیید نمودیم. اگر خداوند می خواست کسانی که بعد از این پیغمبران می آمدند، به دنبال نشانه های روشنی که به (دست) آنان می رسید (و هدایت راستین و دین حقی را که دریافت می نمودند به مقتضای چنین هدایت و دینی، همه ایشان ایمان می آوردند و اختلافی نمی ورزیدند و) با یکدیگر نمی جنگیدند. ولیکن (بنا به خواست خدا) اختلاف ورزیدند و بعضی ایمان آوردند و برخی کافر شدند. و اگر خدا می خواست با هم نمی جنگیدند و به ستیز نمی خاستند، ولی خداوند آنچه را می خواهد (از روی حکمتی که خود می داند) انجام می دهد.

1 سوره جمعه آیه 2

2 سوره بقره آیه 253

جایگاه و ویژگی های رسول الله ﷺ برای هیچ احدی پوشیده نیست، عنوان پیش روی ما عنوانی است در رابطه به ویژگی های رسول الله ﷺ در قرآن کریم، ویژگی های رسول الله ﷺ که از مباحث و سایل شناخت بیشتر رسول الله ﷺ می باشد و مفاد محبت بیشتر را در پی دارد و محبت رسول الله، مقترن با محبت الله متعال است و یکی از لوازمات ضروری ایمان می باشد که رسالت سید العالمین را الله متعال بر بند گان خویش منت نمودند الله متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ 1 ترجمه: یقیناً خداوند بر مؤمنان (صدر اسلام) منت نهاد و تفضل کرد بدان گاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت (پیغمبری که) بر آنان آیات (کتاب خواندن قرآن و کتاب دیدنی جهان) او را می خواند، و ایشان را (از عقائد نادرست و اخلاق زشت) پاکیزه می داشت و بدیشان کتاب (قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن) و فرزاندگی (یعنی اسرار سنت و احکام شریعت) می آموخت، و آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری (غوطه ور) بودند

در مورد ویژگی های پیامبری صحبت می نمایم که الله متعال در مورد اش می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ 2 ترجمه: سرمشق والگویی زیبایی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است. برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند:) امید به خدا داشته، و جویای قیامت باشند، و خدای را بسیار یاد کنند.

در مورد ویژگی های رسول الله ﷺ مورد مذاقه است که در این موضوع مقداری غفلت شده است، گاهی اگر فرد وارد موضوع شده اکثراً توسل به موارد غیر ثابت و یا به ویژگی های تشریعی رسول الله ﷺ پرداخته است و یا عده هم آنچه را رسول الله ﷺ از ویژگی های شاخص واضح که دارا می باشند. حتی عادی گرفتند در حال که محبت رسول الله واجب می باشد لازم بیاد آوری می باشد هر شخص مسلمان که دانای اش به سیره، فضایل، ویژگی ها، و مواصفات رسول الله ﷺ بیشتر است محبت اش و متابعت پیروی اش به پامبر و دین او بیشتر می باشد.

فضایل، مواصفات و ویژگی های رسول الله ﷺ زیاد اند که غیر قابل شمارش، اما وصف همه آن صفت های خوب، دشمنان رسول الله ﷺ را واداشت تا ایندم درد بزرگی خویش را پنهان ننمایند هر روز دست به کاری بزنند که قلوب پیروان رسول الله ﷺ را خدشه بسازند، در آخرین مورد کار آن معلم ملعون فرانسوی بود که کار کاتور ساخت و باخشم مسلمانان آنجا رو برو شد و خودنیز از بین رفت، ما گذشته را که دشمنان با رسول الله ﷺ انجام دادند فراموش نمی کنیم قرآن برای ما یاد آوری می نماید: ﴿

1 سوره آل عمران آیه 164

2 سوره احزاب آیه 21

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» 1

ترجمه: (ای پیغمبر به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران درباره تو نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند یا بکشند و یا این که (از شهرمگه) بیرون کنند. آنان چاره می اندیشیدند و نقشه می کشیدند (که چگونه به تو شر و بلا برسانند) و خدا (هم برای نجات تو از شر و بلاي ایشان) تدبیر و چاره سازی می کرد ، و خداوند بهترین چاره ساز است.

بر هر مسلمان لازم می باشد دفاع از رسول الله ﷺ و بیان فضایل، ویژگی های رسول الله ﷺ که مبتنی بر بینه و دلیل باشد. برای همین لازم دیده شد در قسمت ویژگی های رسول الله ﷺ گامی گذاشته باشم، گرچند در این راستا کتاب های زیادی نوشته شده است که هر کدام به منهج خاصی مورد علاقه زمانی خود که نیاز دیده شده می باشد. بنده برای اینکه کاری متفاوت تر انجام گرفته باشد (ویژگی های رسول الله در قرآن کریم را گرد آوری) نموده روی آن مذاقه صورت گرفته است.

این رساله را به سه مبحث وهریکی دارای سه و چهار مطلب می باشد ترتیب بندی نموده، در مبحث اولی در مورد مباحث کلی بحث صورت گرفته است اینکه ویژگی ها یک امری ثابت می باشد ودر مباحث بعدی روی ویژگی های رسول الله ﷺ در دنیا وروی ویژگی های رسول الله ﷺ در آخرت ویژگی های که بغیر از امت شان دارا می باشند ولی بعضا انبیاء دیگری هم او ویژگی را می داشته باشند (عصمت اقوال، افعال....) بشکل انفرادی بحث صورت گرفته است.

از الله متعال مسئلت دارم در جمله نیکی هایم بپذیرد و برای فاعل وخواننده اش نفع دهد، الله متعال می فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا*إِثْمُونُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» 2 ترجمه: ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده فرستاده ایم (ما محمد را به سوي شما مردمان فرستاده ایم) تا به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید و خدا را (با یاری دادن دینش) یاری کنید ، و او را بزرگ دارید ، و سحرگاهان و شامگاهان به تسبیح و تقدیسش پردازید

1 سوره انفال آیه 30

2 سوره فتح آیه 8 و 9

اسباب اختیار موضوع

- 1- جمع آوری ویژگی های صحیح رسول الله ﷺ در قرآن کریم که ایمان مومن، محبت، تعظیم از برای رسول الله ﷺ را زیاد می نماید.
- 2- شناخت بهتر از جایگاه رسول الله ﷺ در پرتوی ویژگی ها
- 3- شناخت ویژگی های صحیح رسول الله ﷺ از غیر صحیح، که باعث حرمت گذاری می شود، از غلو و جفا نجات می دهد.
- 4- شناسای ویژگی های رسول الله ﷺ در پرتوی قرآن کریم.
- 5- تفکیک ویژگی های رسول الله ﷺ از صفات شان.
- 6- عقیده درست و صحیح نسبت به رسول الله ﷺ در باره ویژگی هایش.
- 7 - چیدن دروغ های که به رسول الله نسبت داده شده و رسول الله ﷺ نیاز به آنها ندارند

اهمیت موضوع

اهمیت هر موضوعی بر میگردد به عنوان موضوع مورد بحث و مذاقه است در این رساله نیز ما در مورد رسول الله سید العالمین والمرسلین گزینش عنوانی (ویژگی های رسول الله ﷺ در قرآن کریم) مورد بحث ماست اهمیت اش خیلی ها مهم می باشد ما در مورد شخصی می نویسم که جهان در ورای عظمت و بزرگی شخصیت او اعتراف دارد.

- 1- آشنای با ویژگی های رسول الله ﷺ در پرتوی قرآن کریم امر بس مهم است.
- 2- جایگاه رسول الله ﷺ در بین انبیا خالی از اهمیت نیست.
- 3- ویژگی های رسول الله ﷺ وسیله بهتری برای شناخت، حب بیشتر نسبت به رسول الله ﷺ است و دعوت سایر مسلمانان به شناخت این ویژگی ها بی تر دید از اهمیت خالی نیست
- 4- عقیده مناسب و صحیح در راستای رسول الله ﷺ و ویژگی ایشان که نباید در آن مورد افراط و تفریط صورت گیرد تا آنچه حق شرعی شان است به ایشان داده شود.

پیشینه تحقیق

دانشمندان زیادی بعد از قرن اول در نیمه قرن دوم هجری در راستای ویژگی های رسول الله ﷺ کتابهای نوشتند، در زمینه تلاش های زیادی را نموده اند، قابل قدر می باشد که بعنوان منبع اولی و اصل می توان نام برد، آنچه در متون گذشته تحریر گردیده در زبان عربی می باشد و تاحال حتی ترجمه ای بعنوان موضوع در زبان های ملی کشور بخصوص زبان فارسی در این مورد چیزی نگاشته نشده است. بنده خواستم درین راستا گامی گذاشته باشم، بدین لحاظ عنوان ویژگی های رسول الله ﷺ به رشته تحریر در آوردم و مصدر خوبی برای خوانندگان گردیده باشد و در پایان به برخی آثاری اشاره می کنم که بزبان های عربی نوشته شده است

1- الشمائل المحمدیه محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن ضحاک ترمذی، ملقب به ابو عیسی متوفی 279 هـ این کتاب از اولین کتاب های است که در این باب نوشته شده است و کسانی دیگری هم درمنابعت از امام ترمذی چنین ابتکارات را داشته اند در این کتاب اکثرا به اوصاف رسول الله ﷺ از منبع دوم تشریع اسلامی استفاده شده است و کتاب خوبی در راستای آشنای با رسول الله ﷺ می باشد.

2- الأنوار فی شمائل النبی المختار ابو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوی متوفی (516) کتاب مذکور بیشتر اوصاف رسول الله ﷺ را تشریح و توضیح داده است

3- الشفاء بتعريف حقوق المصطفى از عالم، فاضل، عیاض بن موسی بن عیاض عمرو یحصبی سبئی متوفی (544) عالم مغرب پیشوا در علم حدیث در زمانه خویش بود. کتاب مذکور که از نام اش پیداست به حقوق رسول الله ﷺ نوشته اما در خیلی موارد ویژگی های رسول الله ﷺ را به طور دیگری که جایگاه او ﷺ در نزد پروردگار چه؟ چگونه می باشد؟ نوشته است که کتاب مهم به محبین پیامبر می باشد.

4- بداية السؤل فی تفضیل الرسول ﷺ از شیخ عزالدین بن عبدالعزيز بن عبدالسلام بن ابی القاسم دمشقی ملقب به سلطان العلماء متوفی (660) هـ یکی از بهترین کتابهای می باشد که در زمینه نوشته شده است. کتاب وجیز و در ذکر هر ویژگی رسول الله ﷺ اشاره به آیات و احادیث مستنبطه از آن آیات داشته است کتاب ارزشمدار در ویژگی های رسول الله ﷺ است

5 - زادالمعاد فی هدی خیر العباد محمد ابن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیه متوفی (751) کتاب مذکور از بهترین کتابها در باب ویژگی های رسول الله ﷺ و اوصاف آن سردار عالمیان می باشد. ابن قیم رحمه الله در ابتدای کتاب از جایگاه رسول الله ﷺ شروع نموده بعد به فضایل و سایر موارد که در زندگی پیامبر رخ داده و بذکر آن پرداخته است.

6- خصائص سید العالمین وما له من المناقب العجائب علی جمیع الانبیاء علیهم السلام

یوسف بن محمد بن مسعود بن محمد العبادی ابو المظفر جمال الدین السمری متوفی (776) کتاب مذکور نیز یکی از کتب است که روی ویژگی های رسول الله ﷺ بحث نموده و مقایسه در فضایل با انبیا گذشته و رسول الله دارد.

7- غایة السؤل فی خصائص الرسول ﷺ سراج الدین أبو حفص عمر بن علی بن أحمد شافعی ، مصري مشهور به ابن الملتن (متوفی) 804 هـ) کتاب مزبور را در بخش از ویژگی های رسول الله ﷺ نوشته است آنچه از تمایزات رسول الله ﷺ در باب فقه و احکام از سایرین می باشد (ازدواج بیش از چهار زن) و محرمات متعلق به نکاح در قسمت اخیر کتاب به فضایل و کرامات رسول الله ﷺ اختصاص داده است کتاب مهم و مفید در باب خویش می باشد.

8- الخصائص الکبری: عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی ت (849) متوفی (911) هـ سیوطی از علمای سر شناس و مشهور امت در قرن نهم هجری می باشد تالیفات زیادی دارد و یکی از تالیفات اش در زمینه ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد باوصف جاگاهی علمی آن بزرگ وار در این کتاب به احادیث ضعیف نیز در جاه های استناد شده که از تصور بعید است در جلد اول کتاب در آغاز اش زیر یک عنوان به دو ویژگی رسول الله ﷺ می پردازد و در ادامه به اوصاف رسول الله ﷺ و معجزات شان می پردازد در جلد دوم نیز بعد از ذکر قسمت از معجزات رسول الله در قسمت های آخری به ذکر ویژگی های رسول الله ﷺ می پردازد در عموم، کتاب، نفیس و منبع خوبی است

9- خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفاء صادق بن محمد بن ابراهیم رساله ماستری است که در سال (1415) هـ ق در دانشگاه اسلامی مدینه منوره مناقشه شده است که بعد از ذکر ویژگی های رسول الله ﷺ به ذکر موارد غلو و جفا صورت گرفته می پردازد رساله خوبی است

10- خصائص الرسول ﷺ علی بن نایف الشحود از علمای معاصر که کتاب مذکور بحث موضوعی می باشد در لابلای قرآن و سنت بحث نموده می باشد کتاب نامبرده نیز رساله ماستری در 1430 در مدینه منوره دفاع شده است

کتاب ها و رساله های نامبرده که در مورد ویژگی های رسول الله ﷺ که به دست رس بنده قرار گرفته است می توان از آنها استفاده کرد و منابع خوبی می باشند ولی آنچه متمایز می باشد از کار بنده دو گزینه است اول هیچ یکی از کتب گذشته به زبان فارسی نبوده و مصدری در فارسی در این باب نداریم و دوم هیچ یکی از آنها بحث موضوعی نکرده است یعنی هریکی را که مراجعه نمایی می بینی که بحث های مختلف را نموده اند و در تعدادی از آنها موارد مختلف را شما می توانید پیدا کنید

بناء خواستم عنوان پایان نامه خویش را زیر عنوان: ویژگی های رسول الله ﷺ اختصاص دهم در این باب رساله جامع که در باب تفسیر موضوعی اولی می باشد و همچنان در باب ویژگی های رسول الله ﷺ نیز اولین است در جامعه اکادمیک ما، امید وارم رساله هذا مفید قرار گیرد از الله متعال مسئلت می نمایم در ترازوی حسنات من بیفزاید و مورد قبول درگاه رب العالمین قرار گرفته مورد قبول همه قرار گیرد.

روش تحقیق

- 1- در این رساله، مشخصا در مورد ویژگی های رسول الله ﷺ که در قرآن کریم ثابت می باشد بحث صورت گرفته است. بحث وصفی و استقرای در ورای تفسیر موضوعی می باشد. واما گفته نمیتوانم تمام ویژگی های رسول الله ﷺ را گرد آوری کرده باشم که در قرآن کریم می باشد مثل که عده از علمای سلف موارد های را از ویژگی های رسول الله ﷺ قلم داد نموده اند که بنده از ذکر همه خود داری نموده ام. و بحث عنوانی ما طور که از نام آن پیداست تفسیر موضوعی می باشد.
- 2- آیات قرآن کریم در این پایان نامه گرد آوری شده است ذکر سوره و مشخص کردن آیه بکار رفته است در ضمن رسم الخط آیه ها از تفسیر نور، همراه با ترجمه گرفته شده است
- 3- در این رساله به احادیث رسول الله ﷺ نیز استناد نموده ام که حد اعظمی تلاش من همراه بوده به منابع موثق حدیثی و منبع مورد اعتماد با ارجاع ذکر کتاب، باب و صفحه آن، حد ممکن را بخرچ دادم تا به احادیث ضعیف استناد ننمایم
- 4- وظیفه خویش دانسته ام در مورد که از سایر کتب استناد شده است به ذکر منبع و جلد صفحه آن بپردازم و یا موارد که ترجمه نموده چون رساله بنده به فارسی تقدیم می گردد موجز و عامیانه است به ترجمه مقدار استناد شده بپردازم بس!
- 5- شرح حال علمای بزرگ، استوانه های علمی و قدوه های که نمونه های بارزی از شخصیت های بزرگ بشری می باشند را پرداخته ام که در الگو گیری تاثیر بسزای دارد در این شرح حال بیشتر به کتاب اعلام زرکلی مراجعه نموده از آنجا بشکل اختصار گرفته ام!
- 6- بعضی از واژه های که نیاز شرح بیشتری داشته اند در مورد پرداخته و حد ممکن برای وضاحت آن کاری انجام داده ام تا برای خواننده فهم آن سهل و آسان شده باشد
- 7- در آخر پا یان نامه را با فهرست های چهار گانه به پایان رسانیده ام
فهرست آیات قرآن کریم

فهرست احادیث نبوی ﷺ

فهرست اعلام

فهرست منابع ومصادر

افزون بر آنچه گفته شد در نوشتن پایان نامه هذا با وصف مصروفیت های روز مره، مسئولیت های وظیفوی، امورات یومیه، هیچ نوع سهلنگاری وتنبلی از جانب بنده صورت نپذیرفته، تمام داشته های بشری خویش را در راه بهتر شدن پایان نامه بخرچ داده ام، اگر کاستی در رساله هذا دیده می شود واقعیت امر این است که انسان موجود ضعیف ودارای خطاها می باشد کامل نیست لذا اگر موارد خطا واشتباهی به نظر می آید در رساله دیدید با کمال بزرگی وبزرگواری خویش معذرت حقیر را پذیرا شوید، ذات کامل تنها رب العالمین می باشد. هر صوابی وصحیحی که در پایان نامه رو برو شدید از آن رب العالمین وبا هدایت ومدد او می باشد وهر خطا، اشتباهی که در آن رو برو می شوید ومی بینید، آن از من واز طرف شیطان می باشد الله ورسول اش از آن مبرا ودور می باشند وهستند وکمال بزرگی، عزت، جلال تنها از آن الله متعال می باشد وبس. ومن الله التوفیق.

خطه بحث

خدمت همه خوانندگان وشایقین عزیز گرامی برسانم: که خطه بحث رساله زیر عنوان ویژگی های رسول الله ﷺ در چهار مبحث ترتیب گردیده که قرار ذیل می باشد. در مبحث اول کلیات وعمومیات موضوع بحث شده است دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: مفهوم ویژگی، ویژگی در لغت ودر اصطلاح بحث شده است وچه بودن ویژگی هارا برای ما واضح می سازد.

مطلب دوم معرفی مختصر سیره ذاتی پیامبر ﷺ می باشد که تلاش صورت گرفته زوایای زندگی رسول الله ﷺ زیر کاوش قرار گرفته، معرفی شود.

مطلب سوم فواید شناخت ویژگی های رسول الله ﷺ را زیر مذاقه قرار گرفته است

مبحث دوم: تحت عنوان اقسام ویژگی های پیامبر ﷺ ویژگی های رسول الله ﷺ را تحت تقسیم قرار داده شده تا بهتر تبیین شود که دارای چهار مطلب می باشد

مطلب اول: ویژگی های که تنها مربوط به پیامبر ﷺ می باشد در دنیا که خود دارای موضوعات

زیادبحث می باشد (عهد، رسالت عامه.....) بیست ویژگی زیر همین مطلب بحث شده است

مطلب دوم: در خصایص، و ویژگی های مخصوص پیامبر ﷺ در آخرت بحث شده است

مطلب سوم: زیر عنوان آنچه از ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ برای امت شان در دنیا بحث صورت پذیرفته است

مطلب چهارم: ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ در آخرت به امت شان بحث شده است
مبحث سوم: ویژگی های لازمه رسالت مخصوص پیامبر ﷺ که دارای چهار مطلب می باشد
مطلب اول: زیر عنوان موارد که نباید پیامبر ﷺ (حرام) آنها را انجام دهد بحث گردیده است
مطلب دوم: موارد که بر پیامبر ﷺ مباح است نه بر غیر ایشان بحث صورت پذیرفته است
مطلب سوم: تحت عنوان ویژگی های که خاص برای رسول الله ﷺ می باشد و امت در او مشارکتی ندارد (فضایل و کرامت) بحث گردیده است

مطلب چهارم: ویژگی های که بر رسول الله ﷺ لازم و برای غیر (امت) لازم نمی باشد و بعدا نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات و فهرست احادیث و فهرست اعلام و منابع و مآخذ ترتیب گردیده است

مبحث اول: مطالب مقدماتی

مطلب اول: مفهوم ویژگی

موضوع اول: مفهوم لغوی ویژگی

قلم به دست گرفتن و نوشتن در هر موضوعی و پیرامون هر شخصیتی آسان و روان است؛ اما نوشتن پیرامون، سرور دو عالم ﷺ کاری بس دشوار و وظیفه ای سنگین است. چون در این وادی، قلم نمی تواند وظیفه اش را درست انجام دهد و مدح آن محبوب کائنات را کماحقه بیان دارد. در تاریخ بشر، شخصیت های متنوع درخشیده اند. قهرمانانی بزرگ، شاعرانی معروف، حاکمان و دعوتگران، مصلحان و پیامبران، هر کدام از آنان در دایره کاری خویش توانسته است تحوّل به وجود آورد و جامعه را متأثر کند. ولی چنان تحوّل که منجی عالم بشریت رسول الله ﷺ در جهان به وجود آورد و بشریت را به گونه ای دگرگون ساخت که آثار این دگرگونی تا قیامت باقی است، شخصیتی دیگر اینچنین نبوده و نخواهد بود. ما در مورد ویژگی های آن شخص بزرگ، وارد گفتگو می شویم گرچند سخت است در باره او ﷺ قلم زد؛ و هر لحظه احساس می شود حق آن پیامبر بزرگ را ادا نمی توان کرد. آیات و احادیث زیادی در رابطه به منزلت و جایگاه پیامبر ﷺ وارد شده که بیانگرست هیچ یکی از افراد بشر، این مخلوق مکرم و این خلیفه الله متعال در روی زمین، با چنین ویژگی های آراسته نیست و یارای چنین ویژگی های را ندارد. هم از انبیاء علیهم السلام و هم عام بشر قرآن کریم مصداق بارز این مدعا می باشد، در قرآن کریم جاه های متعددی بشکل صریح و غیر صریح در این رابطه یاد دهانی شده است.

ویژگی: کلمه فارسی می باشد، که در زبان عربی از کلمه: خص والخاصه معادل می باشد علمای لغت کلمه: الخاصه را (آنچه ویژه کسی باشد) و خص را بمعنی متمایز کردن، و برگزیدن (کسی را التفات نمودن) احترام ویژه گذاشتن (به کسی) بخشیدن و اعطا کردن¹ است داشتن یک برجستگی و یا شاخصه منحصر بفرد، اما در اینجا هدف و مقصد بمعنی (خصوصیت) مورد اول است که در زبان عربی از باب خص یخص خصا و خصوصیه بمعنی انتخاب کردن و یا برگزیدن آمده و معنی شده است مرجع قبلی و مراجع بعدی صحه گذار است. چنانچه مولف لسان العرب می نویسد: خصّه بالشيء او اختص فلان بالامري، ای یعنی او را برای چیزی و کاری برگزید و خصوصیه به فتح ابلغ تراست² مولف لسان العرب ویژگی را بمعنی برگزیدن، و انتخاب کردن معنی نموده است. یعنی ویژگی به

1- فرهنگ الابدی عربی ص 166 چاپ دوم سال 1381 تهران نشر نی یک جلدی مترجم استاد رضا مهیار

2- لسان العرب ج 7 ص 24 فصل الخاء المعجمه، چاپ اول، 15 جز نشر دار صدر بیروت - محمد ابن مکرم بن منظور، افریقی، انصاری، مصری در مصر تولد یافته، در طرابلس مسلک قضا را متصرف شده در دارالانشای مصر بعد از عودت طرابلس خدمت نمود و در مصر در سال 711 هـ وفات نمود یدی طولای در لغت عربی داشت، و اکثر متون لغت را اختصار نموده است گرفته شده از مقدمه کتاب

موارد اطلاق می شود که دیگران فاقد آن موارد اند و مشارکتی در آن ندارند. بطور مثال انبیای زیادی مبعوث شدند ولی هیچ کدام آنها خاتم نبوت نبودند و یا رسالت شان عامه نبوده است نقطه دوم که نیاز است اینجا اشاره نمایم ویژگی و یا خصوصیت، ضد عام می باشد. لذا نقطه اول (انتخاب کردن) را بیشتر ثابت، واضح می سازد. کلمه خاصه در قرآن کریم بکار رفته و مردم را از عذاب شگون بختی در حذر می دارد که نزدیک است آن عذاب دامن همه را فرا گیرد. چنانچه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾¹ ترجمه: خویشان را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی گردد که ستم می کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آنان می سوزد) یعنی همه تانرا دامنگیر می شود. خصوصیت ضد عام است مثل این قول: (وقد خَصَّهُ) بكذا به چنین کاری برگزیده شد. و یا همانند فرموده الله متعال: ﴿يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾² ترجمه "هر کس را که بخواهد به رحمت خود مخصوص می گرداند خداوند دارای فضل عظیم و لطف عمیم است"

موضوع دوم: مفهوم اصطلاحی ویژگی

تعریف لغوی هر کلمه عام می باشد، تنها واژه تعریف می شود بس، در تعریف اصطلاحی است که موضوع مقداری مشخص می شود، در مفهوم اصطلاحی دو تعریف داریم یکی مفهوم مطلق ویژگی ها و دوم پیوند آن با ویژگی های رسول الله ﷺ مفهوم اصطلاحی ویژگی "وَالْخَصِيصَةُ الصِّفَةُ الَّتِي تَمِيزُ الشَّيْءَ وَتَحَدِّدُهُ، وَالْجَمْعُ خَصَائِصُ" 3 ویژگی "خصوصیت" چنان صفتی است که تمیز می نماید شی را و یا جدا می نماید و محدود (مشخص) می سازد آن شی را و جمع خصیصه خصایص می باشد. این تعریف اکثر علمای که در موضوع قلم زدند در آن توافق دارند. ویژگی صفتی است که دیگران و یا همه در او مشارکتی ندارند. امام راغب اصفهانی در مورد ویژگی ها یا طور که گفته شد "خصائص" چنین می نگارد "التَّخْصِيسُ وَالِاخْتِصَاصُ وَالْخُصُوصِيَّةُ: تَقَرُّدُ بَعْضِ الشَّيْءِ بِمَا لَا يَشَارِكُهُ فِيهِ الْجُمْلَةُ" 4 ویژگی مقدار از موارد که در او دیگران مشارکت ندارند. آنچه از مفهوم: لغوی و اصطلاحی ویژگی برمی آید، این است ویژگی به سه مفهوم بکار برده شده است اول: انتخاب کردن دوم: فضل و کرم سوم: تمیز، و ما و در ماحول همان سه مفهوم می بحث می نماییم. در کل در رساله، روی سه

1 - سوره انفال آیه 25

2 - سوره آل عمران آیه 74

3 - المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية بالقاهرة ج 1 ص 238 باب الخاء طبع اول دو جلد، نشر دارالدعوه

4 - المفردات فی غریب القرآن ج 1 ص 284 باب: خصم، دارالقلم بیروت طبع اول 1412 هـ ق ابو القاسم الحسین بن محمد مشهور به راغب اصفهانی عالم حکیم و ادیب که دارای مولفات زیاد می باشد از جمله مفردات، الادب، الاعتقاد، مکارم الشریعه، الاخلاق، جامع التفسیر متشابهات القرآن - الاعلام زرکلی ج 2 ص 225 چاپ پانزدهم 2002 م

موضوع فوق برمی خوریم که رسول الله ﷺ از بین بشر برای چنان ویژگی های انتخاب شدن و یا فضیلت یافته اند و یا هم از بین انبیاء در جایگاهی اند که دیگران آن مقام و شان را ندارند . ویژگی های رسول الله علیه الصلوة والسلام در اصطلاح عبارت است "هي الفضائل والأمر التي انفرد بها النبي ﷺ وامتاز بها إما عن إخوانه الأنبياء وإما عن سائر البشر" 1 ترجمه: ویژگی ها عبارت اند از فضایل و اموری است که تنها رسول الله ﷺ به آن امتیاز یافته است و به سبب آن فضایل از برادران خود از انبیا و یا سایر بشر متمایز می شود. بعبارت دیگر: فضایل و امور که در آنها رسول الله ﷺ از انبیا و غیر انبیا متمایز شدند.

طور که در مفهوم لغوی و اصطلاحی ویژگی بیان شد. در لابلای این رساله به بحث های رو برو می شویم که مفهوم واقعی آن تعریف را در ذهن تداعی می کند که ویژگی یعنی چه؟ بلی ویژگی مواردی که رسول الله ﷺ متصف بوده ولی کسی دیگری آنها را ندارد. لازم بیاد آوری است که وقت ویژگی میگویم، فوراً در ذهن ما تداعی گردد که هدف از آن صفات باشد، خیر بین صفات و ویژگی ها تفاوت وجود دارد. اینکه صفت را هرکسی می تواند داشته باشد برعکس ویژگی ها، و بشکل ساده فرق دیگر اش صفت عام می باشد و ویژگی خاص. ویژگی ها و شناخت آن ضروری می باشد، برای هر فرد مسلمان لازم است که ویژگی ها را آنطور که هست باید بداند و دانستن چنان موارد یقین، ایمان و محبوبیت را زیاد می نماید و رابطه های درونی را بیشتر از پیش نزدیک می سازد. ماکه در عصر اطلاعات و معلومات زندگی می کنیم متأسفانه مسلمانان آنچه که لازم است بدانند نمی دانند، عصر که بیشتر و اکثراً جست، اکت گفتمان و عرضه معلومات دارد ولی طیف بزرگ از هم کیشان ما در خط بی معلوماتی بسر می برند. لذا دانستن این موارد از جمله ضروریات و مهمات است که باید هر فرد از افراد امت این برجستگی را بخاطر کثرت ازدیاد ایمان خود و برای محبت واقعی بداند و برای دیگران برساند

مطلب دوم معرفی مختصر سیره ذاتی پیامبر ﷺ

در این موضوع نگاهی کوتاهی است، در قسمت سیره ذاتی پیامبر ﷺ قلم توان اداکردن حق موضوع را ندارد هر لحظه احساس می کنم در رابطه آن سید سردار از کجا شروع و چه نوشته شود و از کدام واژه ها استفاده نمود؟! واقعا انسان کم می آورد. جادارد سری به اشعار اقبال زده شعری از او را عمری در محبت پیامبر سپری نموده و سروده است آورده شود.

3- خصایص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا، صادق محمد بن ابراهیم رساله ماستری در سال 1415 در دانشگاه مدینه منوره مناقشه گردیده ص 11

من چه گویم از تولایش که چیست

خشک چوبی در فراق او گریست

هستی مسلم تجلی گاه او

طور ها بالذ زگرد راه او 1

گرچند درسیره آنحضرت ﷺ خیلی ها قلم زده شده است، سینه ها موارد زندگی رسول الله ﷺ را حفظ دارد، و زبان ها در نقل آن همیشه مسئولیت داری می نماید، حافظه ها در تکاپوی زندگی محبوب اند، عالمان در منابر ومساجد همیشه یاد دهانی دارند. برای اینکه یاد دهانی شود، نیاز بحث و هم قبل ازین که درمورد ویژگی های پیامبر قلم زده شود درمورد شخص پیامبر باید معلوماتی حاصل گردد تا جای گاه سیدالعالمین روشن شود: ابعاد زندگی، نسب، معرفتی در باب صفات خلقی، خلقی، بعثت شان که همه ثابت برای ما رسیده وما میتوانیم ازسیره پیامبر در زندگی شخصی خویش تمام بخش های آنرا بگیریم و عملی نمایم سیره که ازجمله صحیح ترین سیره در ذکر ابعاد زندگی نامه های افراد شهیر بشریت است تحریف ومواصفات الوهیت غیر بشری برایش بافته نشده لذا لازم سطوری را راقم زد.

نسب رسول الله ﷺ: محمد ﷺ فرزند عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن كلاب بن مرّة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن نضر بن کنانة بن خزيمه بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان می باشد2 ابن قیم رحمه الله می فرماید: "رسول الله ﷺ بهترین اهل زمین از روی نسب می باشد بر اطلاق، از برای نسب شان بزرگی است دشمنان رسول الله ﷺ بر این بزرگی شهادت دادند ابو سفیان ابن حرب قبل از اسلام خویش در نزد پادشاه روم چنین شهادت می دهد: با شرف ترین قوم، قوم او می باشد، با عزت ترین قبیله، قبیله اوست" با ذکر نسب رسول الله ﷺ تا عدنان می فرماید: تا اینجا "عدنان" صحت اش معلوم ومتفق علیه می باشد در بین نسب دانان؛ مافوق (عدنان) مختلف فیه می باشد. در این هم اختلافی نیست عدنان از اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام می باشد3 تا این قسمت از نسب پیامبر ﷺ اتفاقی می باشد بین سیره نویسان ونسب دانان که در نسب شناسی قلم زده اند اتفاق نظر دارند. در این قسمت که مادر رسول الله ﷺ آمنه

1 کلیات علامه اقبال لاهوری، ص 21 در بیان که خودی از عشق ومحبت استحکام می پذیرد، نشر پیمان- تهران، سال چاپ 1382- محمد اقبال لاهوری، شاعر فیلسوف سیاست مدار ومتفکر مسلمان پاکستانی که به زبان های فارسی وارد شعر می سرود در سال 1877 م در سالکوت پاکستان تولد یافت در سال 1938 م در لاهور از دنیا در گذشت گرفته شده - مقدمه کلیات

2- بخاری: 3 ص 1398 باب مبعث النبی ﷺ نشر دار ابن کثیر بیروت، طبع سوم (1407) محمد ابن اسماعیل ابن ابراهیم بن المغیره الجعفی حبر الاسلام، حافظ احادیث رسول الله در سال 194 در بخاری در خانواده علم چشم بدنیا گشود سفر های طولانی در عراق،خراسان، حجاز نمود دوباره به بخاری برگشت ومورد تعصب زیاد واقع شد لازما در قریه خرتن از قریه های سمرقند مسکن گزید در همانجا در سال 256 وفات نمود ازو کتاب های زیادی باقی مانده از جمله کتاب، تاریخ کبیر، الضعفاء، خلق افعال عباد صحیح البخاری اسم مکمل اش:

الجامع الصحیح المختصر من امور رسول الله ﷺ وسننه وایامه - الاعلام زرکلی ج 6 ص 34

3- زاد المعاد: ج 1 ص 70 فصل فی تسبب ﷺ نشر موسسه رساله بیروت طبع 1415 ه ق محمد ابن ابو بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزی یکی از علمای مشهور ودارای تالیفات گسترده می باشد در سال 751 وفات نمود - الاعلام ج 8 ص 236

دختر وهب از بنی زهره و نسب مادر پیامبر ﷺ با نسب پدر شان در کلاب بن مره یکجا می شود¹

امام احمد در مسند اش حدیث را روایت می نمایند که ذکر سلسله نسب پیامبر را بیان می دارد: رسول الله ﷺ فرمودند: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ كِنَانَةً مِنْ بَنِي إِسْمَاعِيلَ، وَاصْطَفَىٰ مِنْ بَنِي كِنَانَةَ قُرَيْشًا، وَاصْطَفَىٰ مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ، وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ) 2 ترجمه: از واثله روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: الله متعال برگزید کنانه را از بنی اسماعیل و از کنانه قریش را و از قریش بنی هاشم، و مرا از بنی هاشم برگزید. در روایت مذکور بشکل اجمال رسول الله ﷺ به ذکر نسب خویش که نهایت اش به اسماعیل می رسد یاد دهانی می نماید و سلسله بنی هاشم که تا کجا ها می رسد، روایت مذکور در ثابت بودن سلسله نسب که نسب دانان ذکر می نمایند کمک خوبی می نمایند. هم چنین پیامبر گرامی در حدیث دیگری که از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده می فرمایند: (قَالَ بُعِثْتُ مِنْ خَيْرِ قُرُونِ بَنِي آدَمَ قَرْنَا فَقَرْنَا حَتَّى كُنْتُ مِنَ الْقُرْنِ الَّذِي كُنْتُ فِيهِ) 3 ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «من در بهترین قرون بشریت، مبعوث شدم. قرنی پس از قرنی دیگر گذشت تا اینکه من در قرنی که زندگی می کنم، مبعوث شدم.

صفات پیامبر ﷺ: برای خیلی ها پوشیده مانده است ما همیشه از موارد خاص ویا یک بعد پیامبر شنیدیم، ازین خاطر چه بهتر صفات آن اختر تابناک هدایت را هم مروری نمایم؛ پیامبر ﷺ انسان دا رای قد متوسط، نه لاغر و نه هم فربه، دا رای سینه فراخ، دست و قدم های ضخیم کف های دست شان نرم و هموار، در بلندای شان چپ خویش دارای مهر نبوت بودند و بهترین مرد از حیث صورت، پیشانی کشاده، آبرو های بسته، دارای رنگ سفید دارای موهای سیاه و زیاد چهره نیک بدن سالم و مزین به زیبای وپاکی بود⁴ این بود بخشی از صفات رسول الله ﷺ که عرض شد. در قسمت صفات خُلُقِ پیامبر ﷺ الله متعال در قرآن کریم به بهترین شکل اش بیان داشته که می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ 5 ترجمه: تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی، آنچه از قرآن کریم خواندیم بالاترین ستایش و توصیف از جانب الله متعال برای رسول الله ﷺ می باشد که از

1 - نضره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکرم، ج 1 ص 193 باب نسبه ﷺ ناشر دارالوسيله چاپ چهارم 1425 ه ق مجمع از متخصصین با اشراف شیخ صالح بن عبد الله خطیب حرم شریف که بشکل موسعه جمع آوری گردیده است

2 - مسند احمد ج 28 ص 193 حدیث واثله شعیب الارنؤوط حکم به صحت می نموده بغیر از قسمت (اصطفی من ولد ابراهیم اسماعیل) در روایت که مابعد حدیث مذکور آمده می باشد نشر موسسه رساله بیروت 1421 ه ق - امام احمد ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل بن اسد الشیبانی در بغداد در سال 164 تولد یافت طفل بود که پدر اش از دنیا رخت بست، سرپرستی و تربیت احمد را مادر بدوش گرفت او را در مدرسه فرستاد در سن 15 سالگی حافظ قرآن کریم شد به تمام علوم مروج و وقت مهارت گرفت، او محدث، فقیه، عالم به لغت بود حافظه قوی داشت امام سنت گردید در مسئله خلق قرآن به زمان مامون عباسی به زندان رفت شلاق خورد اما به باطل همدست نشد نهایتا در 241 در گذشت کتاب مسند بجایگاه علمی او پسند می باشد- الاعلام- ج 1 ص 203

3 صحیح البخاری ج 4 ص 189 حدیث نمبر (3557) به روایت بخاری باب صفة النبی ﷺ

4 نضره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکرم ج 1 ص 193 الاخلاق ودراسة السیره

5 سوره قلم آیه 4

پیامبر ﷺ شده است و کسی دیگری ثابت نمی نماید از پیامبری در کتب سماوی چنین توصیفی و تعریفی نموده باشد. این توصیف و مدح بی جان نیست الله متعال آنکه خالق همه است از حال همه آگاه، می داند رسول الله سزاوار و زبینه چنین توصیف های است. ام المومنین عایشه رضی الله عنها در سوال صحابی می فرماید: آمدم نزد عایشه رضی الله عنها و گفتم ای مادر مومنان از اخلاق رسول الله ﷺ مرا خبر بده و عایشه رضی الله عنها گفت: کان خلقه القرآن أما تقرأ القرآن قول الله عز و جل ﴿وإنك لعلي خلق عظیم﴾ 1 اخلاق شان قرآن بود آیا نخوانده قول الله متعال "تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی"

دشمنان امروز از رسول الله ﷺ چهره خشن ترسیم می کنند به رسانه های زهرآگین خوراکی برای چند روزی می دهند، تا دست به یاره گوی بزنند اما برعکس برعکس توقع شان توجه مردم به پیامبر و دین اسلام بیشتر می شود و بیشتر ایمان می آورند و مسلمان می شوند و تمام واقعیت ها بشکل طبیعی و بشکل خوب اش نمایان می شود. در واقع پیامبر به اخلاق قرآن اخلاق می ورزید یعنی او خود قرآن متحرکی بود و به آداب اش ادب می ورزید. پیامبر برای غرایز نفسانی و شخصی خویش قطعاً با کسی و یا فردی مخاصمه ننموده است، زمانیکه شعایر دین الله متعال مورد هجوم قرار گرفته است برای دفاع و زدودن سد های آهنین که سد راه دعوت بود به مبارزه برخاسته است برای غرایز شخصی خویش هیچ گاهی با کسی دشمنی ننموده وقت نوشتن این سطور عرق می نمایم عالمان که خویش تن را رهرو و جانشینان آن سرور و سردار عالمیان می دانند اما فتوای های تکفیر جانب متخاصم خویش را که مسلمان نیز هست غرض آلود می دهند! اما بیاییم از الگوی خویش: بخوانیم او هیچ گاه برای خویش انتقام جوی نکرده است. این انس رضی الله عنه می باشد خادم رسول الله ﷺ ده سال در کنار پیامبر خدمت او را نموده، چنین بیان می دارد: (خدمت النبي ﷺ عشر سنين فما قال لي أف ولا لم صنعت ولا ألا صنعت) 2 ده سال تمام خدمت رسول الله ﷺ را نمودم برای من کلمه اف را در زندگی ده ساله استفاده ننموده اند و نه همچنان فرمایش که چرا این عمل را انجام دادی و یا ندادی را نیز نگفته اند. هریکی از ما زندگی خویش را در معرض و ترازو نمودن قرار دهیم روز مره چقدر در برابر نزدیک ترین افراد در زندگی غضب می شویم، پرخاش می کنیم ، این تنها پیامبر است که در زندگی اجتماعی چنین موفق اند دارای چنین صفاتی اند که الله متعال هم می ستایند. صحابی پیامبر ﷺ چنین شهادت می دهد: (عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: لم يكن النبي ﷺ فاحشاً ولا متفحشاً

1 مسند احمد ج 41 ص 148 مسندالصدیقه رضی الله عنها شعيب الرنؤوط حكم به صحت نموده می فرماید: حدیث صحیح
2 صحیح البخاری ج 8 ص 14 باب حسن الخلق والسخا..

وكان يقول (إن من خياركم أحسنكم أخلاقاً) 1 ترجمه: عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما می گوید: نبي اکرم ﷺ نه اخلاق ناسزاگویی داشت و نه ناسزا می گفت. و می فرمود: «بهترین شما کسانی هستند که از اخلاق بهتری برخوردار باشند. این والاترین شهادت، از همراهان پیامبر ﷺ در قسمت او در حیات او و درج در کارنامه پیامبر ﷺ می باشد. اگر مروری داشته باشیم این واقعیت ها و هزاران او منعکس کرده شده اند، تواضع پیامبر، همراه با بخشش، حیای همراه با شجاعت، خوب دیدن دور از دورنگی، تظاهر، را ست گفتن در قول و عمل، استاد شدن سر وفا بر عهد، مشهور بودن در امانت داری در بین مردم تقوی پرهیز کاری در دنیا در هنگام پیش آمد دنیا 2 خلاصه اینکه پیامبر مرد استثنای در بین بشر؛ و اما بشر و انسان است او دارای اسم های می باشد از جمله، محمد، احمد ... چنانچه در حدیث می آید: امام بخاری در باب اسمای پیامبر روایت می نماید جبرابن مطعم از پدرشان: قال رسول ﷺ (لي خمسة أسماء أنا محمد وأحمد وأنا الماحي الذي يمحو الله بي الكفر وأنا الحاشر الذي يحشر الناس على قدمي وأنا العاقب) 3 ترجمه: جبر بن مطعم رضي الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «من پنج نام دارم: محمد، احمد، ماحي: کسی که خداوند بوسیله او کفر را از بین می برد» حاشر و عاقب (خاتم پیامبران)

اسم های رسول الله ﷺ در قرآن کریم نیز ذکر شده است جایی احمد و درجایی محمد، در موقع روی آن بحث می شود. او در سال 571 میلادی در میان طائفه بنی هاشم در شهر مکه صبح روز دوشنبه نهم ماه ربیع الاول متولد شد 4 آغاز تولد اش تغییرات را در زمین بوجود آورد از جمله: چهارده کنگره از ایوان مذائن فرو ریخت؛ آتشکده فارس، پرستشگاه مجوس، خاموش شد؛ آب دریاچه ساوه فرو کشید؛ و کنشت های اطراف آن دریاچه همه ویران گردید. 5 تاریخ مذکور (تاریخ تولد) آنحضرت را دانشمند ریاضی دان مصری علامه محمود پاشا فلکی، رساله مستقلى نوشته است که در آن با دلایل ریاضی ثابت کرده که آن حضرت ﷺ در روز دوشنبه 9 ربیع الاول (عام الفیل) مطابق با 20 / آوریل یا اپریل سال 571 میلادی متولد شده است 6 او یتیم بدنیا آمد، پدرش عبد الله زمانی که او

1 سنن الترمذی ج 4 ص 349 امام ترمذی حکم به صحت حدیث نموده می فرماید: هذا حدیث حسن صحیح

2 نضرة النعيم في اخلاق الرسول الكريم ج 1 ص 193 باب صفة صلى الله عليه وسلم

3 صحيح البخاری ج 3 ص 1299 باب ماجاء فی اسماء رسول الله ﷺ

4 خور شید نبوت ترجمه: (الرحیق المختوم) ص 102 فصل ششم ولادت، کودکی و جوانی پیامبر

5 الرحیق المختوم ص 75 ولادت پیامبر ﷺ - از تولد تا بعثت صفی الرحمن بن عبدالله بن محمد اکبر بن محمد علی بن عبدالمؤمن بن فقیر الله مبارکپوری اعظمی از دود مان خانواده انصاری در هند در ششم ژوین 1943 در مبارک پور تولد یافته از علمای طراز معاصر می باشد- مقدمه کتاب

6 فروغ جاویدان ص 186 تاریخ ولادت پیامبر.. علامه شبلی نعمانی و علامه سید سلیمان ندوی از علمای قرن 19 و سید ندوی از شاگردان شبلی رحمه الله از علمای هند می باشند که آثار تالیفات گرانهای دارند از جمله (فروغ) سیره النبی که ترجمه شده است

تقریباً جنینی دوماهه در بطن مادرش بود وفات یافت، شش ساله شد مادر نیز از دنیا رخت بست، محمد ﷺ هنوز کودکی بیش نبود تلخی نبود پدر و مادر راجشید بعد از آن پدرکلانش عبد المطلب سرپرستی وی را بعهده گرفت او نیز در سن هشت سالگی پیامبر در گذشت 1 الله متعال قسمت زندگی رسول الله را در سوره ضحی به تصویر کشیده بالخصوص، در قسمت یتیمی رسول الله می فرماید: ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ 2 ترجمه: آیا خدا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟ از همان آوان کودکی سیمای نجابت شرافت در وجود پیامبر ﷺ مشهود بود، چهار سال اول عمر خود را به قبیله بنی سعد گذراند. زبان فصیح، اسب دوانی و بزرگی در او رو نما بود او در جوانی گوسفندان اهالی مکه را می چرانید در سن بیست و پنج سالگی در برابر اجرت معین به خدیجه دختر خویلد کار و بار تجارت مینمود 3 او هیچ گاهی همسان جوانان هم سن سال اش دست بکار های بیهوده نزد در دوران جوانی در اختلاف سختی بین اهالی مکه بحیث حکم قرار گرفت و سنگ حجر الاسود را بنا نهاد، در جوانی بنام صادق و امین معروف بود. همین موضوع بود که خدیجه را تحت تاثیر برد در بیست پنج سالگی با خدیجه رضی الله عنها از دواج نمود، در سنینی نزدیک به چهل سالگی عزلت نشینی را در سال یک ماه را اختیار نمود و سر انجام در ماه مبارک رمضان در غار حرا درست در سن چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد. اولین کسی که به او ایمان آورد خدیجه خانم پیامبر ﷺ بود. بعد از بیست و سه سال دعوه و مبارزه سرانجام از دنیا رخت سفر بست.

مطلب سوم فواید شناخت ویژگی های رسول الله ﷺ

برای هر مطلبی که خوانده و یا نوشته می شود هدف و یا ثمره آن متصور باشد که فایده چیست؟ طرح سوال اینگونه اگر صورت گیرد؛ فایده در پی شناخت و یا فهم ویژگی های رسول الله ﷺ چه است؟ جواب سوال واضح است که موضوع رساله از موضوعات مهم، حیاتی می باشد ویژگی ها رسول الله ﷺ دارای فوایدی بی شماری است در سطور آینده شماره وار ذکر می شود.

الله متعال به پیامبر خویش ویژگی ها و عطایای بزرگی داده است که هیچ یکی را یارای به آن ویژگی نیست و هیچ بنده از بندگان الله به او نمی رسد. زمانکه ویژگی های نبوی و فضایل محمدی ﷺ از

1 زندگی نامه پیامبر ﷺ ص 28 فصل اول زندگی پیامبر ﷺ قبل از بعثت، مولف: مصطفی سباعی، مترجم: مسعوده جامی چاپ دوم، سال 1393 ه ناشر: شاهراه معرفت - د مصطفی سباعی مفکر اسلامی و سیاست مدار سوریه ای در سال 1915 در شهر حمص سوریه متولد شد در جوانی راهی از هر شریف گردید از آنجا فارغ التحصیل شد و جماعت اخوان را در سوریه تاسیس نمود و ظایف و مسئولیت های زیادی را متصدی شد در سال 1964 وفات نمود و کتاب های نوشته از جمله زندگی نامه پیامبر که یکی از بهترین کتاب ها در سیره پیامبر است

2 سوره والضحی آیه 6

3 زندگی نامه پیامبر ﷺ ص 28 و 29

موضوعات محبت بسوی نفس است از جهت تعلق (نسبت شان) به رسول الله ﷺ برای همین امر شیطان اقوام زیادی را منحرف ساخته از حد وسط بیرون نموده است و از آنچه قرآن و سنت در مورد ویژگی های رسول الله آمده بیرون رفته اند 1 افراط در وصف و خصوصیت رسول الله ﷺ صورت گرفته و جریان دارد و یا مردم در امر افراط و تفریط در مسابقه اند و در جامعه به وفرت زیاد است. و بعض اقوام و یا مسلمانان بجایگاهی رسیده اند مواردی را به رسول الله بعنوان ویژگی نسبت می دهند که آن خصیصه از جنس ربوبیت و اولو هیت می باشد. مواردی که رسول الله سید العالمین از او بری می باشد و اقوامی هم هستند، جایگاهی معمولی العیاذ بالله به او قائلند علمای خویش را از رسول الله ﷺ بیشتر و بیشتر نمودند. از برای شیوخ و اکابر خویش ویژگی ها و خصوصیت های ما فوق ویژگی ها و خصوصیت های رسول الله ﷺ ساختند 2 لذا ا فایده ثمره، شناخت ویژگی ها قرار ذیل است.

1- از افراط و تفریط مارا بدور می دارد و یک شناخت اعتدالی مطابق به قرآن و سنت نصیب می گرداند.

2- شناخت شعوری، همراه با متابعت از رسول الله ﷺ برای فرد پیدا می شود که در چنین فهم سعادت خوشبختی است.

3- سبب از دیاد ایمان و محبت فرد مسلمان است وقتی که بداند رسالت عامه از ویژگی های پیامبر است که نصیب کسی دیگری نشده است. یقینا که ایمان اوزیاد برای نشر پیام رسالت کمر می بندد

4 - دانستن، جایگاه و بزرگی پیامبر نزد الله متعال، شوق اشتیاق بیشتر به پیامبر، تصدیق و یقین زیاد به رسالت پیامبر و آماده هر نوع فداکاری، قربانی برای دین پیامبر ﷺ از فواید دیگری ویژگی هاست. برای ماست که در نشر ویژگی و فضایل رسول الله ﷺ کوتاهی ننمایم، نشر این دعوت جاویدان برای ما مسئولیت می باشد. در ضمن همین موضوع به موضوع دیگری هم اشاره نمایم که خصایص رسول الله ﷺ مسئله: ثبوتی و نصی است مثل قول الله متعال در قرآن کریم که می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» 3 ترجمه: سرمشق و الگویی زیبایی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است. برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند) امید به خدا داشته، و جویای قیامت باشند، و خدای را بسیار یاد کنند.

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: " هَذِهِ الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ أَصْلُ كَبِيرٌ فِي النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي أَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ وَأَحْوَالِهِ، وَلِهَذَا أُمِرَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى النَّاسُ بِالنَّاسِ بِالنَّبِيِّ ﷺ يَوْمَ الْأَحْزَابِ فِي صَبْرِهِ وَمُصَابَرَتِهِ وَمُرَاطَبَتِهِ وَمُجَاهَدَتِهِ وَانْتِظَارِهِ الْفَرَجَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ دَائِمًا إِلَى

1 خصایص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 5

2 خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 5

3 سورة احزاب آیه 21

يَوْمَ الدِّينِ "1 ترجمه: این آیه کریمه اصل بزرگی است در پیروی از رسول الله ﷺ در اقوال، افعال و احوال شان از همین جهت (به متابعت از رسول الله ﷺ) الله متعال امر نمود مسلمانان را به پیروی از ﷺ در غزوه احزاب در صبر شکیبایی، رابطه، تلاش، و انتظار گشایش از وضعیت از جانب الله متعال درود رحمت الله متعال بر او باد برای همیشه تا روز جزا.

رسول الله ﷺ اصحاب بزرگوار خویش را از صوم وصال "روزه"، بدون افطار درین "نهی می نماید اصحاب می فرمایند شما وصال می نماید: از عایشه رضی الله عنها روایت شده می فرماید: (نهی رسول الله ﷺ عَنِ الْوَصَالِ؛ رَحْمَةً لَهُمْ، فَقَالُوا: إِنَّكَ تُوَصِّلُ، قَالَ: "إِنِّي لَسْتُ كَهَيْئَتِكُمْ، إِنِّي يُطْعَمُنِي رَبِّي وَيَسْقِينِ) 2 ترجمه: به خاطر شفقت و مهربانی بیش از حد نسبت به صحابه، آنها را از روزه گرفتن پی در پی دو روز یا بیشتر، نهی فرمودند، اصحاب گفتند: شما خود چنان می کنید! فرمودند: «من بر حال شما نیستم، من بر حالت روزه می مانم و خدای من، به من غذا و نوشیدنی می دهد. در روایت های دیگری کلمه سئل نیز بکار رفته است مثل روایت ابوهریره رضی الله عنه که در کتب حدیثی در هریکی آمده در صحیح البخاری بعد از روایت عایشه رضی الله عنها ذکر رفته است. امام ابن حجر عسقلانی می فرماید گرچند ظاهر روایت مخالف فعل رسول الله ﷺ می باشد اما راجح این است که این (وصال صوم) از ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد 3 برای ما می رساند که ویژگی های رسول الله ﷺ از موارد ثابتی ونصی می باشد. بحث در همین جا خاتمه می یابد امید که طولانی نشده باشد

1- تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 6 ص 350 نشر دار طیبیه - بیروت 1420 هـ ق طبع دوم عدد اجزا 8
اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضو بن درع القرشی بصری عمادالدین، حافظ فقیه مورخ در سال 701 در یکی از قریه های شام متولد و در سال 774 وفات نمود از او آثار بس گران بهای بجامانده است از جمله البدایه والنهایه، شرح صحیح البخاری، طبقات فقهای شافعی تفسیر القرآن الکریم از کتب گرانبهای آن عالم فقیه امت می باشد. الاعلام، زرکلی ج ص 320
2 مَخْتَصَرُ صَحِيحِ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ ج 1 ص 574 نشر مکتبه المعارف - ریاض طبع اول 1422 هـ ق 4 جز
أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ)
3 فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی ج 4 ص 203 باب الوصال نشر دارالمعرفه بیروت 1379 عدد اجزا 13
احمد بن علی بن محمد ابن حجر ابوالفضل العسقلانی شافعی از پیشگامان علم و تاریخ در سال 773 در عسقلان فلسطین امروزی چشم بجهان گشود و 852 در قاهره وفات نمود دارای تصانیف زیاد در همه ابعاد از جمله: الدرر الكامنه فی اعیان المنه الثامنه، لسان المیزان، الاحکام لبیان ما فی القرآن، الکافی وفتح الباری شرح صحیح البخاری را می توان نام برد او در شعر علاقه داشت و در حدیث روی آورد و چندین بار مسند قضا را در مصر سکان دار شد واستعفا داد الاعلام زرکلی ج 1 ص 178

مبحث دوم: اقسام ویژگی های پیامبر ﷺ

الله متعال پیامبر خود را ویژگی های زیادی اعطا نموده است ویژگی های زیادی را بخاطر اکرام و تشریف و از جهت جایگاه بزرگی که پیامبر ﷺ در نزد پروردگار خود دارند، در دنیا خداوند تبارک تعالی برای پیامبر ﷺ بخشیده است، مثل: کتاب جاویدان، نصرت برعب در برابر دشمنان، قرار دادن تمام کره خاکی مسجد و محل ادای نماز برای امت محمد ﷺ پیامبر خاتم و فرستادن پیامبر به عامه و کافه بشر موارد دیگر که ان شاء الله عنقریب روی آن به تفصیل صحبت می شود و در آخرت نیز ویژگی های زیادی برای پیامبر ﷺ داده شده که برای احدی دیگری داده نشده از جمله: شفاعت عظمی، شفاعت کبری برای آغاز حساب و کتاب، حوض کوثر، لوا در روز باز پسین همچنان امت محمد ﷺ نیز در دنیا و آخرت بخاطر امت او ﷺ ویژگی های نصیب شان شده مثل: حلال قراردادن غناییم، خیرالامم در آخرت، شاهد از برای سایر انبیاء و اولین کسانی که وارد جنت می شوند از جمله موارد است که روی آن صحبت به تفصیل و بعضا بطور اجمال می شود.

لازم به ذکر است در این رساله فقط روی موضوعات صحبت خواهد شد در قرآن کریم ثابت باشد چون بحث طور که از نام آن پیداست: تفسیر "موضوعی" می باشد از ذکر ویژگی های که در احادیث و روایات ثابت می باشد در بحث هیچ عنوانی از آنها گرفته نشده است و به احادیث، آثار و اقوال علما بعد از ذکر آیات قرآن کریم استناد گردیده است.

علمای امت در ادوار تاریخ گذشته، خود گذری نمودند، در این باب کتابهای بجا گذاشتند کتاب های عریض در این موضوع نگاشتند، هر یکی ارزشی بس بزرگی را دارد. هر یکی بشکل خاص خود مطالبی را جمع آوری نموده است. علمای که در این موضوع کتاب نوشتند ویژگی های پیامبر ﷺ را در چند بخش تقسیم نموده اند تقسیم های در کتاب های شان وجود دارد، بنده نیز به تاسی از طریقه شان تقسیم بندی را در نظر گرفته ام چون از لابلای تقسیم بندی بهتر می شود موضوع را درک نمود و تقسیم در تفهیم مسئله نقش خوبی را ایفا می نماید، لذا تقسیم بندی در رساله هذا زیر یک عنوان گنجانیده شده تا در تفهیم مسئله نقش خوبی داشته باشد.

لازم بذکر است عده از علما از منظر فقهی تقسیم بندی نموده اند مثل: ابن ملقن رحمه الله در کتاب خویش "غایه السؤل فی خصائص الرسول" نموده است وعده دیگری تقسیم بندی نسبتا فقهی و فضیلتی: موارد خاص به ویژگی های مستنبط از قرآن کریم و حدیثی پرداخته اند. طور که مبرهن است در رساله هذا نیز آنچه از ویژگی های پیامبر ﷺ در قرآن کریم ثابت است بحث می گردد آنچه موضوع می طلبد از نگاه تخصصی (تفسیر موضوعی) نگاه کلی در قسمت ویژگی های ثابت پیامبر

ﷺ در قرآن کریم، پرداخته، دنبال می شود ویژگی های رسول الله ﷺ در قدم نخست از حیث اصل به دو قسم کلی تقسیم می شود

اول: ویژگی های تشریعی: که عبارت می باشد از آنچه که پیامبر صلی الله علیه وسلم مختص گردیده است از شریعت الهی که این نیز به دو قسم می باشد.

قسم اول: موارد تشریعی که به پیامبر ﷺ مختص گردیده است و غیر از انبیای دیگر که گذشته اند. نمونه آن: قرار گرفتن همه روی زمین به مسجد و محل برای ادای نماز و پاک بودن آن، حلال گردیدن غنایم برای پیامبر 1 در حدیثی از پیامبر ﷺ روایت شده از جابر بن عبدالله رضی الله عنه نبی کریم ﷺ فرمودند: (أُعْطِيَتْ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ وَأَحِلَّتْ لِي الْمَعَانِمُ وَلَمْ تَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَأُعْطِيَتْ الشَّفَاعَةُ وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً) 2 ترجمه: پنج چیز به من عطا شده است قبل از من، به هیچ پیامبری داده نشده است: 1- از مسافت يك ماه، دشمنانم دچار ترس و وحشت میشوند. 2- زمین برای من مسجد و پاک قرار داده شده است. بنابر این، هر کجا وقت نماز فرارسید، امتیانم می توانند همانجا (اگر آب نبود، تیمم نمایند) و نماز بخوانند. 3- مال غنیمت برای من حلال گردانده شده است در حالی که قبل از من، برای هیچ پیامبری، حلال نبوده است. 4- حق شفاعت به من عنایت شده است. 5- هر پیامبری فقط برای قوم خودش فرستاده شده است در حالی که من برای تمام مردم دنیا مبعوث شده ام. از همین قبیل مواردی ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث تا یازده موارد از احادیث را که پیامبر ﷺ نسبت به سایر انبیای دیگر ویژگی های مختص ازین قبیل را دارند ذکر نموده است.

قسم دوم: ویژگی های که پیامبر ﷺ مختص گردیده اند نه امت شان مثل ازدواج پیامبر ﷺ با بیشتر از چهار زن، مسئله ازدواج بیشتر با چهار زن از موارد مشهور بین امت است نیاز به قیل و قال ندارد. از قتاده رضی الله عنه که انس ابن مالک برای شان حدیث بیان می نموده (أن النبي ﷺ كان يطوف على نسائه في الليلة الواحدة وله يومئذ تسع نساء) 3 در يك شب با همه خانم هایش نزدیکی می کرد، و این در حالی بود که نه خانم داشت.

عقد نکاح: با پیامبر ﷺ بلفظ هبه و بخشش صحیح بود که برای غیر رسول الله درست نیست، عدم نیاز به شاهد هنگام نکاح، و لفظ ایجاب قبول در بین باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنْ وَهَبْتَ

1 خصائص المصطفى ﷺ بين الغلو والجفا ص 11

2 صحيح البخاری ج 1 ص 128 کتاب التیمم

3 صحيح البخاری ج 1 ص 109 باب الجنب یخرج ویمشی فی السوق وغیره

نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ¹ اینگونه ویژگی در باب فقه محل بحث است و کتابهای هم نوشته شده است. مثل: غایه السؤل فی خصایص الرسول ابن ملقن رحمه الله

قسم دوم از نوع کلی ویژگی ها: ویژگی های فضیلتی: عبارت می باشد از فضایل، تشریفات، واکرام های که پروردگار مهربانی نموده است به پیامبر ﷺ نه برای دیگران و این نیز دو قسم اند.

نوع اول: آنچه به پیامبر ﷺ مختص گردیده اند نه سایر انبیای دیگر که این نیز به دو قسم است

اول: آنچه از ویژگی های که مختص پیامبر ﷺ گردیده است نه سایر انبیاء علیهم السلام در دنیا

دوم: آنچه از ویژگی های که مختص پیامبر ﷺ گردیده است نه سایر انبیاء علیهم السلام در حیات آخرت.

قسم دوم: آنچه از ویژگی های که مختص پیامبر ﷺ گردیده است نه امت شان ولی انبیاء علیهم السلام در بعض از ویژگی ها مشارکت دارند و یا ویژگی های است که انبیای دیگری نیز دارا می باشند

همین نوع: ویژگی های تفضیلی نه موارد که بحث های حکمی و فقهی دارد مورد مناقشه ماست

و موضوع که ان شاء الله در سطور آینده روی آن مذاقه می شود، موضوع روی (ویژگی های تفضیلی) است برای خواننده محترم واضح باشد. چون نوع دیگر اش فقهی و بیرون از موضوع است در قسمت تقسیم بندی ویژگی های فضیلتی که عده از علما از جمله امام سیوطی رحمه الله بنحوی دیگری تقسیم بندی نموده اند. از ابو سعید نیشاپوری روایت می نماید ویژگی های رسول الله شصت و ویژگی می باشد می فرماید من چنین شمارش را ننمودم و آگاه نیستم ولی از تتبع احادیث آثار یافتم اندازه ذکر شده و سه مثال را یافتم که چهار قسم تقسیم می شود.

اول: قسم ویژگی های که تنها به رسول الله علیه الصلوات والتسلیم نسبت داده شده و مختص گردیده در دنیا و دیگر هیچ یکی از انبیاء و مرسلین علیهم السلام را چنین ویژگی نیست و قسم دیگری؛ آنچه از ویژگی های که در آخرت بشخص رسول الله ﷺ قرار می گیرد، و قسم دیگری؛ از ویژگی های که به رسول الله ﷺ در امت شان، در دنیا قرار می گیرد، و قسم چهارم از ویژگی های که به رسول الله ﷺ برای امت شان، در آخرت قرار می گیرد² خلاصه آنچه گفته شد ویژگی ها بدو قسم: "تشریعی و فضیلتی" هریکی نیز به دو قسم است. اقسام تشریعی مانند: اقامه نماز در همه روی زمین، مال غنیمت و فضیلتی نیز بدو قسم است قسم که مختص رسول الله در دنیا و آخرت و هریکی در ماتحت

1 سوره احزاب آیه 50

2 خصائص الکبری ج 2 ص 314 ذکر موازات الانبیا، نشر دارالکتب العلمیه بیروت عدد اجزا 2

عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین. السیوطی نسبة بسوی أسیوط شهری در صعيد مصر او در سال (849 متولد شد و در سال- 911 هـ، وفات نمود سیوطی عالم موسوعی می باشد در تمام ابعاد از او کتاب بجا مانده است منقول است 600 اثر از او باقی است از کتاب های گران سنگ او - الجامع الکبیر - الجامع الصغیر فی احادیث النذیر البشیر - الإیتقان فی علوم القرآن - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور - تنویر الحوالک فی شرح موطأ الإمام مالک - الخصائص والمعجزات النبویه؛ طبقات الحفاظ- طبقات المفسرین... می توان نام برد. مقدمه کتاب

خویش اقسامی دیگری نیز می داشته باشند روی کرد اصلی این رساله را تشکیل می دهد و در بعضی موارد امت شان نیز مشارکت دارد.

دوم: ویژگی ها و احکام که رسول الله ﷺ دارند امت شان چنان ویژگی را ندارند در بعضی موارد انبیای هم مشارکت دارند¹ در سطور آینده بعضی از موارد و مطالب می آیند از ظاهر محتوای مطلب فهمیده می شود که در کدام جاه های انبیای دیگر هم آن مقدار از ویژگی ها را دارند. لذا آنچه گفته شد علمای امت ویژگی های پیامبر ﷺ را اینگونه تقسیم کرده اند 2 شاید سوالی رخ دهد، ویژگی های که مربوط به امت محمد ﷺ در دنیا آخرت است چه ربط به پیامبر ﷺ دارد؟ باید واضح ساخت که آنچه امت از برتری و فضیلت دارد نسبت به گذشتگان، از شرف بزرگی، فضل، برتری که بر خور دار می باشد از برکت، رسول الله می باشد و از شرف پیامبر است تمام این تقدیر ها، واکرام ها بخشش هایکه برای امت رسول الله ﷺ شده آن به سبب بزرگی پیامبر در نزد پروردگار بوده است و چون امت پیامبر ﷺ منسوب به پیامبر ﷺ جوانب ایجاب و سلب منسوبیت ، و مسئله نسبت حسن و قبح، خوبی درستی منسوب به منسوب الیه راجع می گردد. لذا بنده و سایر کسانی در این باب قلم زده اند این ویژگی ها را به نسبت پیامبر ﷺ نگاشته اند

مطلب اول: ویژگی های که تنها مربوط به پیامبر ﷺ می باشد در دنیا

الله متعال ویژگی های زیادی را در دنیا برای پیامبر ﷺ داده است و این ویژگی ها دلالت، برجا یگاه پیامبر، می نماید. چنانچه در صفحات قبلی اشاره شد در جمع آوری ویژگی های پیامبر ﷺ تنها به موارد که منشأ ثبوتی در قرآن داشته است ذکر می گردد از موارد که در قرآن کریم ثبوت ندارند گفته شده از ویژگی های رسول الله می باشد ولی در روایات ثابت است به آن ویژگی استناد نمی شود. به موارد از ویژگی های اکتفا می شود که در قرآن کریم باشد. موارد موضوعی مثل این خبر (بأنه أول النبیین و تقدم نبوته فکان نبیا و آدم منجدل فی طینته) 3 پیامبر اول مخلوق و یا پیامبری پیامبر از زمان که آدم در بین گل و خاک بود آغاز شده بود. و یا ویژگی تمام مخلوقات را الله متعال بخاطر رسول الله آفریده باشد از این موارد و ذکر روایات این چنینی خود داری شده است موارد ثبوتی نیز زیاد اند در قرآن کریم، اگر مقداری تتبع نماییم کتاب ضخیم با حجم کلانی برمی آید. تلاش در این رساله به قصر

2 خصایص رسول الله ﷺ ص 8 اقسام خصائص
2 الخصائص الکبری ج 2 ص 314 ذکر موازات الانبیا
3 الخصائص الکبری ج 2 ص 314 ذکر موازات الانبیا

و خلاصه نویسی شده است. در این رساله به موارد که صریح است اکتفا گردیده و روی موارد از ویژگی های ضمنی رسول الله ﷺ در قرآن کریم بحثی صورت نگرفته است.

1- عهد و میثاق 1 (گرفتن عهد از پیامبران گذشته برای اینکه به رسالت رسول الله ایمان داشته باشند و امت های خویش را نیز ابلاغ نمایند)

عهد: بمعنی حفظ کردن و رعایت نمودن چیزی نزد کسی؛ خداوند متعال در قرآن کریم، جاهای متعددی از عهد و پیمان سخن گفته است یکی از آن موارد مورد است که موضوع: عهد میثاق است. هیچ پیامبری از آدم تا عیسی علیه السلام نگذشته و به پیامبری بر گزیده نشده مگر اینکه از او الله متعال تعهد و میثاق گرفته، هر زمانی که محمد ﷺ مبعوث می شود؛ به رسالت او ایمان داشته و او را یاری و نصرت نمایند در صورت که حیات دارند و این تعهد را به پیروان خویش نیز باید برسانند، که سر سازگاری را با خود داشته باشند، و اینکه چقدر امت های اهل کتاب، پیروان کتب آسمانی با این تعهد باقی ماندند، آن بجایش که در هنگام بعثت پیامبر ﷺ اگر در حال حیات بودند، نصرت یاری اش می دهند در صورت وفات از پیروان خویش تعهد گرفته بودند بر اینکه در هنگام بعثت رسول الله او را یاری، نصرت اش می دهند 2 الله متعال در قرآن کریم تصویری از تعهد را بیان می دارد: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ 3 ترجمه: به خاطر بیاورید (هنگامی را که خداوند پیمان مؤکد از (یکایک) پیغمبران (و پیروان آنان) گرفت که چون کتاب و فرزاندگی به شما دهم و پس از آن پیغمبری آید و (دعوت او موافق با دعوت شما بوده و) آنچه را که با خود دارید تصدیق نماید ، باید بدو ایمان بیاورید و وی را یاری دهید (و بدیشان) گفت: آیا (بدین موضوع) اقرار دارید و پیمان مرا بر این کارتان پذیرفتید ؟ گفتند : اقرار داریم (و فرمان را پذیرائیم . خداوند بدیشان) گفت : پس (برخی بر برخی از خود) گواه باشید و من هم با شما از زمره گواهانم.

در آیه اندکی دقت صورت گیرد، پیام بس بزرگی برای ما دارد الله متعال می فرماید هنگام که میثاق گرفت، میثاق: (پیمان همراه با سوگند) هر زمانی که برای شما از کتاب و حکمت دادم و شما در هر

1 نضرة النعيم فی مکارم اخلاق الرسول الكريم ج 1 ص 450 نوع اول آنچه از ویژگی ها اختصاص به پیامبر / خصائص الرسول ﷺ ص 10 / خصائص الكبرى ج 1 ص 16 / الوفا باحوال المصطفى ابن جوزی ج 2 ص 6
2 الخصائص الكبرى ج 1 ص 7 - 16 / خصائص رسول الله ﷺ ص 10
3 سوره آل عمران آیه 81

مستوای بودید و پیامبر (محمد ﷺ) آمد " لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ " ای لتصدقن بر سالت به رسالت پیامبر ایمان می آورید الله متعال به استفهام سوال می نماید " أَأَقْرَرْتُمْ " آیا اعتراف نمودید " وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي " بر این عهد و میثاق و گفتند " أَقْرَرْنَا " خداوند ملائکه را شاهد میگیرد و می فرماید ﴿ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴾ 1 گواه باشید و من هم با شما از زمره گواهانم. ابن ابی حاتم در قسمت اخذ میثاق دو قول را از ابن عباس ذکر می نماید؛ یکی اخذ تعهد که از قوم خویش بگیرند و دیگری اینکه یکدیگر را تصدیق نمایند 2 در آیه بعدی الله متعال به صراحت کسانی از این عهد سر پیچی می کنند! خارج از دین بیان می خواند می فرماید: ﴿فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ 3 ترجمه: پس هر که بعد از این (پیمان محکم ، از ایمان به پیغمبر اسلام) روی بگرداند ، از زمره فاسقان (و بیرون روندگان از شرع خدا و کافران به انبیاء از اوّل تا آخر) است

از صراحت دو آیه مذکور واضح می شود که الله متعال از انبیای گذشته بخاطر تصدیق رسالت پیامبر ﷺ و نصرت یاری او؛ عهد گرفته بوده است این ویژگی بس بزرگی برای رسول الله ﷺ است، الله متعال این موهبه و بخشش بزرگ را تنها برای محمد رسول الله ﷺ نموده است نه برایی احدی از انبیاء دیگر؛ انبیای زیاد آمده اند ولی چنین بزرگی ، و ویژگی های را ندارند علیهم السلام. ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه بسبک خودش، آثاری از اصحاب و مفسرین را می آورد که به ذکر یک دو مورد آن یادآوری می شود. ایشان از دو صحابی جلیل القدر حضرت علی و ابن عباس رضی الله عنهم نقل می نماید: (مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا أَخَذَ عَلَيْهِ الْمِيثَاقُ، لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ حَيٌّ لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ وَيَنْصُرَنَّهُ، وَأَمْرُهُ أَنْ يَأْخُذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أُمَّتِهِ لَنْ يَبْعَثَ مُحَمَّدٌ وَهُمْ أَحْيَاءٌ لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلِيَنْصُرَنَّهُ) 4 ترجمه: هیچ نبی را الله متعال نفرستاده مگر اینکه گرفته از او تعهد (بر رسالت و یاری) پیامبر هنگام که الله متعال رسول الله را می فرستد و اون نبی زنده است بر رسول الله ﷺ ایمان می آورد (تصدیق رسالت) می نماید به نصرت یاری پیامبر می شتابد الله متعال امر نموده اینکه این میثاق را از امت خویش بگیرند! بر اینکه اگر محمد ﷺ مبعوث می شود و اونها زنده اند ایمان آورده (تصدیق بدارند) و یاری اش نمایند.

جایگاه و بزرگی، شرف پیامبر را همین کافیهست که الله متعال از پیامبران تعهد می گیرد که وقتی کتاب و حکمت برای ایشان داده شد در هر جایگاهی که بودند، با آنها سر پیچی نمایند و حتما در

1- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر ابو بکر الجزایری ج 1 ص 238 نشر مکتبه العلوم مدینه منوره چاپ پنجم 1424 هـ 5 جز
2 تفسیر ابن ابی حاتم ج 2 ص 693 نشر مکتبه نزار مصطفى الباز - چاپ سوم- 1419 هـ 9 جلد - عبد الرحمن بن محمد
أبي حاتم ابن إدريس بن المنذر التميمي الحنظلي الرازي، أبو محمد: در سال (240 هـ متولد شد و در سال - 327 هـ وفات یافت او حافظ حدیث، از بزرگان محدثین می باشد دارای تصانیف زیاد است اولین کسی است که در جرح تعدیل کتاب نوشته است
3 سوره آل عمران آیه 82
4 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 2 ص 58

هر موقفی که هستند از محمد ﷺ پیروی نمایند در نصرت پیامبر کمر ببندند؛ این ویژگی ها و همانند این افتخارش برای هیچ کسی نصیب نشده است جز رسول الله ﷺ امام احمد رحمه الله حدیثی را روایت می نماید: (جَاءَ عُمَرُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي مَرَرْتُ بِأَخٍ لِي يَهُودِي مِنْ قُرَيْظَةَ، فَكَتَبَ لِي جَوَامِعَ مِنَ التَّوْرَةِ إِلَّا أَعْرَضَهَا عَلَيْكَ؟ قَالَ: فَتَعَيَّرَ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ ثَابِتٍ، قُلْتُ لَهُ: أَلَا تَرَى مَا بَوَّجَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَ عُمَرُ: رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا، بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، قَالَ: فَسُرِّيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَصْبَحَ فِيكُمْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ اتَّبَعْتُمُوهُ وَتَرَكْتُمُونِي لَضَلَلْتُمْ، إِنَّكُمْ حَظِي مِنَ الْأُمَمِ وَأَنَا حَظُّكُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ»¹ ترجمه: عمر رضی الله عنه نزد پیامبر آمد و فرمود: ای رسول خدا ﷺ من با دو سستی از یهود طایفه بنی قریظه دیدار داشتم، برای من مقداری از توراه را نوشت آیا برای شما عرض ننمایم؟! چهره آن حضرت ﷺ دگرگون گردید، حضرت عبدالله بن ثابت گفت: آیا تغییری که در چهره رسول الله ﷺ آمده نمیبینی؟ حضرت عمر رضی الله عنه (با مشاهدۀ ناراحتی پیامبر) گفت: " رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ إِمَامًا" و در پی آن نارا حتی پیامبر برطرف گشت و سپس فرمودند: سوگند به خدایی که نفس محمد در اختیار اوست، اگر موسی اکنون میان شما می بود و شما مرا ترک کرده و از او پیروی می کردید بی تردید گمراه می شدید، شما از میان امت ها نصیب من، و من از میان پیامبران نصیب شما می ام. ابن جوزی می فرماید: الله متعال انبیا را چون پیرو گردانید برای پیامبر، برای شان فرمان برداری را الهام (وحی) نمود اگر در زمان بعثت رسول الله ﷺ بعثت شان هم زمان می بود واجب می بود پیروی پیامبر برایشان² در باب مسئله سوال از ادیان گذشته پیامبر ﷺ چنین می فرماید: (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «لَا تَسْأَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ عَنْ شَيْءٍ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَهْدُوكُمْ وَقَدْ ضَلُّوا، وَإِنَّكُمْ إِمَّا أَنْ تُصَدِّقُوا بِبَاطِلٍ وَإِمَّا أَنْ تُكَذِّبُوا بِحَقٍّ، وَإِنَّهُ وَ اللَّهِ لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا بَيِّنَ أَظْهَرَكُمْ مَا حَلَّ لَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّبِعَنِي»³ رسول الله ﷺ در جواب اینکه از اهل کتاب سوال شود یا خیر؟ فرمودند از اهل کتاب سوال ننمایید آنان شمارا رهنمود (به مسیر درست) نمی نمایند در حالیکه خود شان گمراه اند و شما یا بباطل تصدیق می نمایید و یا حق را تکذیب می کنید و سوگند به پروردگار اگر موسی هم زنده می بود جز اینکه از من پیروی می نمود راه دیگری نداشت! آنچه تا اکنون بیان شد برای ما می رساند و نظر اکثریت اهل تفسیر نیز است که الله متعال از انبیا عهد و پیمان گرفته است و انبیا علیهم السلام هم این پیمان را برای امت های خویش رسانده اند؛ در

1 مسند احمد ج 25 ص 198 شعيب ارنوط حکم به ضعيف بودن حديث نموده می فرماید: اسناد حدیث ضعیف است بخاطر ضعف جابر

2 الوفا باحوال المصطفى ﷺ ج 2 ص 6 ومن ذالك اخذ له الميثاق على الانبيا

3 تفسير القرآن العظيم (ابن كثير) ج 2 ص 58

صورت که زنده باشند و پیامبر مبعوث می شود باید از او پیروی نمایند از روی وفا در برابر تعهد که برای انبیای خویش داده اند. این ویژگی؛ خیلی بزرگ و برآزنده می باشد، اندکی تصور شود که الله متعال از تمام انبیا تعهد می گیرد برای اینکه رسول الله ﷺ هنگام که مبعوث می شود به پیروی او پردازند در صورت حیات نبودند، برامت شان لازم است نصرت یاری رساندن پیامبر؛ این سفارش عظیمی و بزرگی است و این ویژگی ها باید برای امت محمد ﷺ پر اهمیت باشد. دست برای نشر، و فضایل آن حضرت بزنند و برای اهمیت اش همین کافیست که الله متعال تعهد سایر برادران رسول الله از انبیاء را میگرد که در هنگام رسالت او از او پیروی نمایند در نصرت، یاری او بشتابند.

2- رسالت عمومی

موضوع دوم از ویژگی های رسول الله ﷺ رسالت عامه است گرچند بشکل عام و مشهور این ویژگی زبان زد خاص و عام است. در سطور ذیل، نخست بذکر آیات از قرآن کریم که انبیای قبل از رسول الله ﷺ را الله متعال برای قومی فرستاده پرداخته؛ بعداً به ذکر آیات که در باب رسالت عامه آمده ذکر می شود تا موضوع بهتر روشن گردد. وقتی به قرآن مراجعه می نمایم اینگونه بیان می دارد که انبیای قبل از پیامبر ﷺ تنها برای قوم خاص فرستاده شده اند. الله متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ 2 ترجمه: (پیو سته مشرکان، دشمنان حق بوده اند، و کافران با پیغمبران جنگیده اند. از جمله) ما نوح را به سوی قوم خود (که در میانشان برانگیخته شده بود) فرستادیم او بدیشان گفت: ای قوم من! برای شما جز خدا معبودی نیست پس تنها خدا را بپرستید من (از شما و دلسوزتان می باشم قیامت و حساب و کتابی در میان است و اگر نافرمانی کنید) می ترسم دچار عذاب آن روز بزرگ شوید (و به دوزخ روید) در ادامه همین آیات "سوره اعراف" الله متعال از پیامبری دیگری نام می برد که اونیز مخصوص به قوم خود مبعوث شده است می فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ 3 ترجمه: (همان گونه که نوح را برای دعوت به توحید به سوی قوم خود فرستادیم) هود را هم به سوی قوم عاد که خودش از آنان بود روانه کردیم هود به قوم عاد گفت: ای قوم من خدای را بپرستید و (بدانید) جز او معبودی ندارید آیا پرهیزگاری نمی ورزید؟ (و نمی خواهید با یکتاپرستی خوشتن را از شرّ و فساد در امان دارید؟)

1 خصایص الکبری ج 2 ص 319 / نضرة النعیم ج 1 ص 451 خصایص الرسول ص 11 / خصائص المصطفی بین الغلو والجفا ص 24

2 سوره اعراف آیه 59

3 سوره اعراف آیه 65

همچنان در ادامه آیات سوره الله متعال از پیامبر دیگری سخن می زند که تنها بقوم اش فرستاده شده مسئولیت هایش فقط در قبال یک قوم بوده است می فرماید: ﴿وَالِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾¹ ترجمه: از زمره پیغمبران یکی هم) صالح را به سوی قوم ثمود که خودش از آنان بود فرستادیم صالح بدیشان گفت: ای قوم من خدای را بپرستید (و بدانید که) جز او معبودی ندارید. هم اینک معجزه بزرگی (بر صدق پیغمبری من) از سوی پروردگارتان برایتان آمده است و (آن) این شتر خدا است (با ویژگیهای خاص خود) که به عنوان معجزه ای برای شما آمده است (و یک شتر عادی و معمولی نیست) پس آن را به حال خود واگذارید تا در زمین هر کجا خواست بچرد، و بدان آزاری مرسانید که (اگر آزاری برسانید) عذاب دردناکی دجارتان می گردد. الله متعال نیز از فرستادن لوط خبر می دهد بطرف قوم اش ودعوت او درامر منع نمودن قوم از فعل لواط خبر می دهد: ﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾² ترجمه: لوط را هم فرستادیم و او به قوم خود گفت: آیا کار بسیار زشت و پلشتی را انجام می دهید که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است.

و نیز می بینیم الله متعال سر رشته سخن را با پیامبر دیگری آغاز می نماید: ﴿وَالِي مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾³ ترجمه: شعیب را هم به سوی اهل مدین که خود از آنان بود فرستادیم بدیشان گفت: ای قوم من خدا را بپرستید (و بدانید) که جز او معبودی ندارید. معجزه ای از سوی پروردگارتان (بر صحت پیغمبری من) برای تان آمده است (پیام آسمانی این است که در زندگی به ویژه در تجارت و معامله با دیگران راست و در ست باشید و) ترازو و پیمان را به تمام و کمال بکشید و بپردازید و از حقوق مردم چیزی نکاهید و در زمین بعد از اصلاح آن (توسط خدا، یا بر دست انبیاء) فساد و تباهی مکنید این کار به سود شما است اگر (به خدا و به حقیقت) ایمان دارید.

و همچنان آیات دیگری موضوع را بیشتر تفکیک می نماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾⁴ ترجمه: (ای محمد) ما هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر این که به زبان قوم خودش (متکلم بوده است) تا برای آنان (احکام الهی

1 سوره اعراف 73

2 سوره اعراف آیه 80

3 سوره اعراف آیه 85

4 سوره ابراهیم آیه 4

را) روشن سازد (و حقائق را تبیین و تفهیم کند) سپس خداوند هرکس را که (به فرمان آسمانی گوش نکرده است) گمراه ساخته است و هرکس را که (برابر دستور آسمانی حرکت نموده است) رهنمود ساخته است. و او چیره (بر هر کاری است که بخواهد و کارهایش) دارای حکمت است و نیز الله متعال در جای دیگری می فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾¹ ترجمه: ما تو را همراه (دین) حق به عنوان مژده دهنده (مؤمنان به بهشت) و بیم دهنده (کافران به دوزخ، به میان مردمان) فرستاده ایم هیچ ملّتی (از ملّتهای پیشین) هم نبوده است که بیم دهنده ای به میانشان فرستاده نشده باشد.

اما این تنها محمد ﷺ است که برای تمام بشر فرستاده شده است او تنها کسی است از تحمل این بار عظیم، سنگین بدر آمده و توانسته در مدت زندگی اش این دین را بنشر برساند و هم زعامت رهنمای بشر را بشکل درست اش ببیش ببرد. ویژگی مذکور یکی از ویژگی های بزرگ رسول الله ﷺ می باشد و همانطور که در عده از کتاب ها و یاد داشت های علما از ویژگی های (کبرا) خوانده شده است، برجستگی این ویژگی برای هر عاقلی روشن می باشد. ویژگی دیگری پیامبر هادی و رهنما است که برای انس، جن عرب و عجم فرستاده شده و در این مسیر گامهای محکم نیز داشته است، اگر مقداری اندکی مکث نماییم این ویژگی برجسته و شاخصه بزرگی است در دنیا نصیب احدی از بشر نشده ﷺ در همین سوره اعراف الله متعال از پیامبر الوالعزم خود موسی علیه السلام خبر می دهد که او را به دعوت فرعون فرستاده و می فرماید: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾² ترجمه: سپس بدنبال آنها (پیامبران پیشین) موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. ببین عاقبت مفسدان چگونه بود!

هدف در آیه مذکور اینکه موسی علیه السلام تنها بسوی فرعون فرستاده می شود و دعوت محدوده اش تنها در مصر می باشد. امام عز بن عبد السلام در این قسمت در کتاب بدایة السؤل خود در باره ویژگی رسالت عامه می فرماید: "ومن خصائصه: أن الله تعالى ارسل كل نبی الى قوم خاصّة و ارسل نبینا محمد ﷺ الى الجن والانس؛ ولكل نبی من الانبیاء ثواب تبلیغ الى امته ولنبینا ﷺ ثواب التبلیغ الى كل من ارسل اليه؛ تارة لمباشرة البلاغ وتارة بالنسبة اليه؛ ولذلك من عليه" بقوله: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾³ ترجمه: از جمله ویژگی های پیامبر: الله متعال هرپیامبری را بسوی قوم مخصوص برای آنها فرستاده و پیامبر ما ﷺ را به انس و جن فرستاده است از برای هرنبی از

1 سوره فاطر آیه 24

2 سوره اعراف آیه 103

3 سوره فرقان آیه 51

انبیا ثواب، پاداش تبلیغ اش به اندازه امت (پاداش به اندازه حجم مسئولیت) اش می باشد از پیامبر پاداش تبلیغ آنچه است که بسوی آنها فرستاده است هم بخاطر تبلیغ و هم نسبت آنچه نسبت به آنچه از ثمره تبلیغ است از همین جهت الله متعال منت نهاده به این فرموده اش در قرآن کریم (و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت) و وجه التمنن انه لو بعث فی کل قرية نذیرا لما حصل لرسول الله ﷺ الا اجر انداره لاهل قریته¹ صورت منت اینکه اگر برای هر قریه بیم دهنده فرستاده می شد آنچه از برای رسول الله ﷺ حاصل بود پاداش رسا ندن پیام برای اهل قریه اش بود. الله متعال به عظمت بزرگی این ویژگی های بزرگ بنده و پیامبر خویش را عزیز داشته است ؛ در آیات واحادیث زیادی در این باب بطور صریح وضمنی یاد آوری شده است که پیامبر ﷺ برای عمومی بشر فرستاده شده است.

اول: الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴾² ترجمه: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. آیه مذکور پیام واضح و روشن دارد که الله متعال پیامبر ﷺ را برای همه رحمت گردانیده و فرستاده است ابن کثیر در تفسیر آیه: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴾ می فرماید: أي أرسله رحمة لهم كلهم، فمن قبل هذه الرحمة وشكر هذه النعمة، سعد في الدنيا والآخرة، ومن ردّها وجدها خسر في الدنيا والآخرة³ الله متعال پیامبر را فرستاده رحمتی برای همه (انس؛ جن) شان، هر کسی این رحمت را بپذیرد و شکر این نعمت (رسالت پیامبر) را ادا نماید در دنیا آخرت نیک بخت می گردد و کسی رد نماید و انکار ورزد در دنیا آخرت بد بخت می شود. ابن کثیر رحمه الله بعد به این آیه مبارکه استناد می نماید: ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴾⁴ ترجمه: بنگر به کسانی که نعمت خدا را (نشناختند و آن را) به کفر تبدیل کردند (و به جای این که نعمت بعثت محمد و آئین اسلام را غنیمت شمارند و آن را سپاس گویند ، کفر را برگزیدند) و قوم خود را به سرزمین هلاک و نابودی کشاندند ، و آن جهنم است که وارد آن می گردند و به آتش می سوزند ، و چه جایگاه بدی است

1 بداية السؤل في تفضيل الرسول صلي الله عليه وسلم وشرف وكرم ص 46 و 47 رساله كوچك كه متن است علامه البانی رحمه الله او را تحقيق نموده است -عبدالعزیز ابن عبد السلام بن ابی القاسم شیخ الاسلام عزالدین ابو محمد الدمشقی شافعی در سال 577 هـ در دمشق متولد شد او مستوای اجتهاد نیز رسید لقب سلطان العلماء را کسب نمود از او آثار گرانبهای نیز بجا مانده است از جمله : التفسیر الكبير ، الالمام في أدلة الاحکام ، قواعد الشریعة - الفوائد ، قواعد الاحکام في إصلاح الانام ، فقه، ترغیب أهل الاسلام في سکن الشام ، و " بداية السؤل في تفضيل الرسول در سال 660 یا 659 در قاهره وفات نمود- الاعلام زرکلی ج 4 ص 21

2 سورة انبیا آیه 107

3 تفسیر القرآن العظيم(ابن کثیر) ج 5 ص 385

4 سورة ابراهیم آیه 28-29

محمد ﷺ دارای شان و جایگاهی بزرگی است قلم نمی تواند آن بزرگی را به تصویر بکشد انسان گاهی آرزو می نماید کاش دارای یک استعداد فوق العاده می بود تا حق آن بزرگی را ادا می نمود.

صاحب تفسیر ایسرالتفاسیر می فرماید: " وَمَا أَرْسَلْنَاكَ يَا مُحَمَّدُ بِهَذَا وَأَمْثَالِهِ مِنَ الشَّرَائِعِ وَالْأَحْكَامِ إِلَّا لِرَحْمَةِ النَّاسِ، وَهَذَايَاهُمْ فِي شُؤْنِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ، وَلَا يَهْتَدِي بِهِ إِلَّا الْمُتَهَيِّئُونَ لِقَبْلِ الْهُدَى " 1 ترجمه: و ما نفرستادیم ترا ای محمد ﷺ به این (رسالت، قرآن) و امثال اش از شرایع و احکام مگر رحمت برای بشر، رهنمود شان نما در شئون دین و دنیای شان رهیاب نمی شود به این (ارشاد) مگر کسی که آمده و خواستار هدایت است. آیه دوم: الله متعالی در جای دیگری از قرآن کریم چنین بیان می دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» 2 ترجمه: و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهی الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!

وقتی نگاهی به تفسیر و معنی آیات مذکور داشته باشیم می بینیم که پیامبر ﷺ برای عموم بشر فرستاده شده اند این از ویژگی های بزرگ پیامبر است ویژگی بسیار واضح روشن، نگاهی به تفسیر آیه مذکور می اندازیم " وَمَا أَرْسَلْنَاكَ يَا مُحَمَّدُ إِلَى قَوْمِكَ خَاصَّةً، وَإِنَّمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَى الْخَلْقِ جَمِيعاً، مُبَشِّراً مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ بِالثَّوَابِ الْجَزِيلِ، وَالْجَنَّاتِ الْعَالِيَاتِ، وَمُنْذِراً مَنْ عَصَاهُ بِالْعَذَابِ الْأَلِيمِ. وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ذَلِكَ فَيَحْمِلُهُمْ جَهْلُهُمْ عَلَى الْإِصْرَارِ عَلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْعَيِّ وَالضَّلَالِ كَافَّةً لِّلنَّاسِ إِلَى النَّاسِ جَمِيعاً " 3 ترجمه: ما نفرستادیم ترا ای محمد تنها برای قومت و جزاین نیست که فرستادیم ترا بسوی همه (انس، جن، عرب، عجم سیاه و سفید) در حال که مژده دهنده کسانی را که از الله پیروی" اطاعت" می نمایند؛ به ثواب زیاد و جنات بلند، و ترس دهنده ای باش برای آنانی که از دستورات الله متعال سرپیچی می نمایند؛ بعذاب درد ناک، و اکثر مردم نمی فهمند جهل، نادانی خویش را حمل می نمایند و اصرار می ورزند بر آنچه از سرپیچی و گمراهی که قرار دارند. کافه الناس- بسوی تمام مردم بزرگی و ویژگی رسالت عمومی از نام او پیداست، انسان را وادارد به عظمت، جایگاه والای رسول الله ﷺ پی ببرد رسالت عامه: هم مسئولیت بزرگ و هم اجر پادشاه بزرگ است در قانون عدالت زندگی نیز مطابقت دارد انسان های که کار های بیشتر می کنند مورد انعام بیشتری می شوند، به اصطلاح مکافات می شوند. در حالیکه آن مکافات با این مکافات های بشری تفاوت زیادی دارد قابل مقایسه نیست پیامبر که در تمام حیات بعثت خویش در فکر رهنمود و هدایت بشر و امت خویش بود در

1 ایسرالتفاسیر- تفسیر اسباب النزول - مولف: اسعد حومد چاپ چهارم سال 2009 م ج 2 ص 801 عدد اجزا 3

2 سوره سبأ آیه 28

3 ایسرالتفاسیر- اسعد حومد ج 3 ص 1059

صحرای محشر در فکر نجات گنهگاران امت است واقعا لیاقت چنین ویژگی ها، و مستحق چنین پاداش بزرگ را دارد

آیه سوم: الله متعال در آیه دیگری می فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»¹ ترجمه: ای پیغمبر (به مردم) بگو: من فرستاده خدا به سوی جمیع شما (اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ) هستم خدائی که آسمانها و زمین از آن او است جز او معبودی نیست. او است که می میراند و زنده می گرداند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن

پیغمبر درس نخوانده ای که ایمان به خدا و به سخنهاش دارد. از او پیروی کنید تا هدایت یابید لازم بیاد دهانی است آنچه که در باب این ویژگی بزرگ "رسالت عامه" در سه آیه مذکور الله متعال در قرآن کریم از این ویژگی بزرگ یاد آوری نموده است، با سه کلمه مختلف اما تعبیر یک معنی را افاده مینماید. آن سه کلمه عبارت از (عالمین، کافه و جمیعاً) است هر یکی در هر سطحی معنی عموم را به مخاطبان خود می رساند خاطر نشان می سازد که رسالت پیامبر، مخصوص یک قوم، یک قرن و یک عصر نیست. رسالت پیامبر عمومی تا ابد می باشد. حالا نگاهی به ندای یا ایها الناس داشته باشیم، خیلی این ندا خوش آیند، گیرا تاثیر دار می باشد آیه مذکور ضمن اینکه خیلی ها گیرا تاثیر دار است پیام های محتوایش نیز واضح است. اسعد حومد تفسیر آیه مبارکه بیان می دارد: "قُلْ يَا مُحَمَّدُ لِلنَّاسِ جَمِيعاً: إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي أَرْسَلَنِي، وَهُوَ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَالِكُهُمَا، وَهُوَ مُدَبِّرُهُمَا وَمُصَرِّفُهُمَا حَسَبَ مَا تَقْضِيهِ حِكْمَتُهُ، فَهُوَ الْمَعْبُودُ وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَهُوَ الَّذِي يَخْلُقُ الْكَائِنَاتِ، وَهُوَ الَّذِي يَقْضِي بَفَنَائِهَا فَأَمِنُوا يَا أَيُّهَا النَّاسُ جَمِيعاً بِاللَّهِ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَهَذَا الرَّسُولُ يُؤْمِنُ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ، وَيُؤْمِنُ بِكَلِمَاتِهِ الَّتِي أَنْزَلَهَا عَلَى رُسُلِهِ لِهَدَايَةِ خَلْقِهِ؛ وَاتَّبِعُوا يَا أَيُّهَا النَّاسُ طَرِيقَ الرَّسُولِ الْأُمِّيِّ، وَاقْتَفُوا أَثَرَهُ، فِي كُلِّ مَا يَأْتِي وَمَا يَذُرُّ، لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ إِلَى مَا فِيهِ سَعَادَتُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" ² ترجمه: بگو ای

محمد ﷺ برای عموم مردم: من فرستاده الله بسوی همه افراد بشر هستم، الله ذاتی است که مرا فرستاده و او خالق زمین آسمان و مالک آنها می باشد (تاحال کسی ادعای اینرا ننموده که مالک آسمان) است اوتدبیر کننده و گرداننده آسمان زمین حسب لزوم دید حکمت اش می باشد، اوست سزاوار پرستش، جز او معبود برحق نیست و اوست کاینات را آفریده و هم به نابودی آن فیصله می نماید. ایمان بیاورید ای مردم به ذات که زنده می کند و میمیراند، ایمان تصدیق بدارید به پیامبرای که

1 سوره اعراف آیه 158

2 ایسر التفاسیر ج 1 ص 413

برای عامه بشر فرستاده شده است، رسول الله به یکتای الله و به فرامین و دستورات او که برای هدایت بشر فرود می آید ایمان دارد، ای مردم طریق مسیر پیامبر امی را تعقیب و متابعت نمایید و او را پیروی کنید چیزی که انجام می دهد و یا ترک می کند، تاباشد که راه سعادت خویش را در دنیا و آخرت در یابید.

الله متعال در جای دیگری از قرآن کریم بیان می دارد: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ 1 ترجمه: زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.

ستایش می نماید الله متعال نفس کریم خویش را در آغاز سوره، بر فرستادن قرآن بر بنده و رسول اش محمد ﷺ و تمجید می نماید، و فرستاده قرآن را، فرقان: (جدا سازنده حق از باطل) فرستاده است قرآن را (کم کم) حسب مقتضا، ضرورت تا اینکه باشد پیامبر بیم دهنده (انس و جن) جهانیان از عذاب درد ناک در صورت که به کفر و سرکشی خویش ادامه دهند 2 به همین منوال در جاهای دیگری از قرآن کریم نیز، آیات دال بر ویژگی مذکور و موید آن الله متعال بیان فرموده است. جا دارد بذکر نکته دیگری هم اشاره شود با وصف همه ویژگی های بزرگ ولی برای پیامبر ﷺ هیچ گاهی از سوی پیروان اش مقام الوهیت نسبت داده نشده، اولاً دین طور که بوده کما حقه رسیده است ثانیاً: آنانکه در سدد نشر دین برآمدند تمام اخلاص و للهیت را بخرچ دادند تا آنطور که برای شان رسیده برسانند. همین بودامت از ابتدا در نقش قدم پیامبر قرار داشته است و کسانی که در سدد شبهه پراگنی برآمدند کار شان جای را نگرفته است. الله متعال در باب همین انذار می فرماید: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ 3 ترجمه: (ای پیغمبر خاطر نشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد، به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (همجنسان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند.

آیات که در مورد ویژگی رسالت عمومی دلالت می نمود عرضه شد در این قسمت سیری در کتب حدیث می داشته باشیم آنچه از احادیث در همسوی با موضوع برای ما رسیده است مرور می شود. حدیث اول: جابر رضی الله عنه از پیامبر ﷺ روایت می فرماید: (أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِّنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةُ

1 سوره فرقان آیه 1

2 ابسرافالنفاسیر ج 1 ص 789

3 سوره احقاف آیه 29

فَلْيُصَلِّ، وَأَحَلَّتْ لِي الْمَغَانِمَ وَلَمْ تَحَلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً) 1 ترجمه: از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: پنج چیز به من داده شده که به هیچ پیامبری قبل از من داده نشده است، به مسافت یک ماه سفر، با انداختن ترس و رعب در قلب دشمنان بر آنان پیروز گشته ام، و زمین برای من محل خواندن نماز و خاک آن برای کسی که آب نیابد وسیله ای برای تیمم است، پس هر شخصی از امت من که وقت نمازش فرا رسید (در هر کجا و در هر وضعیتی که باشد) نمازش را بخواند، و غنیمت جنگی برای من حلال است، در صورتی که برای هیچ کس قبل از من حلال نبوده است؛ و به من مقام شفاعت داده شده است، و در گذشته هر پیامبری فقط برای قوم خود برانگیخته می شد در صورتی که من برای تمامی مردمان برانگیخته شده ام. هدف موضوع: کلمه عامه است "بعثت الی الناس عامه" گفته شد کلمه مذکور نیز مفهوم که کلمه جمیعا، عالمین افاده می کند می نماید.

حدیث دوم: این حدیث نیز با مقدار تغییرات در بخاری آمده است: (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ " أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ، وَأَحَلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ) 2 کلمه کافه بجای عامه ذکر رفته است و به ترجمه نیاز دیده نمی شود.

حدیث سوم: (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي، كَانَ كُلُّ نَبِيٍّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى كُلِّ أَحْمَرَ وَأَسْوَدَ، وَأَحَلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَلَمْ تَحَلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ طَيِّبَةً طَهُورًا وَمَسْجِدًا، فَأَيُّمَا رَجُلٍ أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ صَلَّى حَيْثُ كَانَ، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ بَيْنَ يَدَيَّ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ) 3 ترجمه: پنج چیز به من داده شده که به هیچ پیامبری قبل از من داده نشده است، هر پیامبری فقط بقوم ویژه خویش فرستاده می شد در حال که من برای همه نژاد ها و قوم ها بر انگیزته شده ام، غنیمت جنگی برای من حلال است، در صورتی که برای هیچ کس قبل از من حلال نبوده است؛ و زمین برای من محل خواندن نماز و خاک آن برای کسی که آب نیابد وسیله ای برای تیمم است، پس هر شخصی از امت من که وقت نمازش فرا رسید (در هر کجا و در هر وضعیتی که باشد) نمازش را بخواند، به مسافت یک ماه سفر، با انداختن ترس و رعب در قلب دشمنان بر آنان پیروز گشته ام، و به من مقام شفاعت داده شده است

1 صحیح البخاری ج 1 ص 128 باب التیمم

2 صحیح البخاری ج 1 ص 168 باب قول النبی ﷺ

3 صحیح مسلم ج 1 ص 370 کتاب مساجد ومواضع الصلاه - مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري نیشابوري متوفی: 26هـ) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بیروت زرکلی ج 4 ص 221 اختصار

دردو حدیث "اولی و دومی" متفاوت تر از از حدیث آخری ذکر شده است اما: در حدیث سومی کلمه احمر واسود ذکر رفته است که هدف از "احمر واسود" نژاد ها، اقوام یعنی عام بشر است در شرح این حدیث نظری می اندازیم به جامع الاصول فی احادیث الرسول "أحمر وأسود" أراد بالأسود والأحمر: جميع العالم، فالأسود: معروف، وهم الحبوش والزنج و غیرهم، والأحمر: هو الأبيض، والعرب تسمى الأبيض أحمر¹ هدف از احمر واسود تمام (انس، جن) می باشد، اما نژاد سیاه عبارت: از حشبی ها زنج ها است نژاد احمر همان سفید پوست های می باشد. عرب ها احمر " سرخ " را سفید مسمی نموده اند.

حدیث چهارم: قال رسول الله ﷺ (أعطيت أربعا لم يعطهن نبي قبلي نصرت بالرعب من مسير شهر وبعثت إلى كل أبيض وأسود وأحلت لي الغنائم وجعلت لي الأرض طهورا) 2 از مظاهر عملی فرستاده شدن پیامبر: نامه های که بعد از غزوه حدیبیه به اطراف و اکناف به امپراطور ها روان کردند می توان نام برد.

3- خاتم پیامبران

ویژگی دیگری که روی آن پرداخته می شود وهم خیلی ها مهم می باشد ختم بعثت است این ویژگی نیز از ویژگی های مهم رسول الله ﷺ می باشد. از نعمت های بیکران الله متعال برای بشر فرستادن انبیا می باشد وبالاترین نعمت فرستادن پیامبر ﷺ است فرستادن اختر تابناک، رسول قدوه حسنه، نعمتی بزرگی است در مباحث بعدی حتما اشاره می گردد. الله متعال در قرآن کریم و رسول الله ﷺ در سنت مطهر خود در باره ختم نبوت خبر داده اند فرستادن انبیاء وپیامبران، با فرستادن پیامبر ﷺ پایان یافته و دیگر پیامبری نمی آید.

کتاب که به پیامبر ﷺ فرستاده شده از جانب پروردگار آخرین کتاب ونسخه آسمانی وپیامبر ﷺ آخرین پیامبر می باشد واین آخرین نسخه نجات بخش، شافی، وکافی، از هر بعد برای نجات بشر هم در دنیا وهم در آخرت می باشد برای اینکه دیگر بشر منتظر هیچ هدایت دیگری ونسخه نباشد، وهم هوشداری که تنها پیام آسمانی که لازم به پیروی ومتابعت است آیین محمد ﷺ می باشد. وهرکسی بعد ازین مدعی پیام آسمانی، پیامبری شد او کذاب، افاک، دجال، اشر است لذا بشر باید تصمیم نهایی خود

1 جامع الاصول فی احادیث الرسول ﷺ مجد الدین ابو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثير المتوفى: 606 هـ نشر مکتبه الحلوانی چاپ اول سال 1969 الی 1971 م ج 8 ص 528 عدد اجزا 12

2 المعجم الكبير: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني المتوفى: 360 هـ نشر مکتبه ابن تیمیه قاهره چاپ اول 1415 هـ ق ج 239 باب بشر بن نمير، عن القاسم، هيثمي حكم به ثقات رجال حدیث نموده می فرماید این حدیث از طریق طبرانی واحمد روایت شده است رجال احمد ثقة است

3 خصائص الكبرى ج 2 ص 218

را در قبال آینده خود و عقبای خویش، انتخاب آینده مبتنی بر هدایت، خیر فلاح خود بگیرد. الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾¹ ترجمه: محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!

این کثیررحمه الله در تفسیر آیه مبارکه بیان می دارد: آیه نص صریح است بر اینکه نبی بعد از پیامبر ﷺ نمی آید و نمی باشد و قتی که نبی نباشد رسول بطور اولی نمی باشد بعد از آن زیرا مقام رسالت خاص تر از مقام نبوت است هر نبی رسول نیست ولی هر رسولی نبی است 2 آیه کریمه پیام صریح، روشن با خود دارد و در رد قولی از مغرضینی می باشد در دشمنی و تخریب کاری بودند. اسعد حومد در تفسیر خویش نقل می نماید در رد مشرکین و یهود که محمد خانم پسر خود را به نکاح گرفته نازل گردیده است 3 ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ﴾ نفی در کلمه "ماکان" افاده انکار را می نماید، الله متعال انکار می نماید اینکه محمد پدر احدی از مردان شما باشد، تامل نما (بیندیش) بر عظمت ادای قرآنی در کلمه (رجالکم) و در اینجا الله متعال نه فرمود "أبا أحد منکم" برای اینکه پیامبر را گفتند: پدر عبد الله، قاسم و ابراهیم می باشد و همه آنها از پیامبر به عمل آمده اند و کلمه "رجالکم" را ذکر نمود تا آنها ببیرون شوند در حد رجال نرسیده بودند (چون طفل از دنیا رحلت نمودند) ﴿وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ﴾ و لکن او فرستاده الله می باشد بر این نیز اکتفا نمی شود "کافی نیست" بلکه اضافه می نماید الله متعال: ﴿وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ پیامبر "رسول، نبی است که خاتمه می بخشد ادامه رسالات را بعد از این دیگر فرستاده جدید را نمی یابید 4 ختم نبوت یکی از ویژگی ها، بخشش های است الله متعال برای پیامبر ﷺ اعطا نموده اند، ختم نبوت در احادیث صحیح پیامبر نیز ثابت می باشد.

حدیث اول: (عَنْ الطُّفَيْلِ بْنِ أَبِي كَعْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: "مَثَلِي فِي النَّبِيِّينَ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى دَارًا فَأَحْسَنَهَا وَأَكْمَلَهَا وَأَجْمَلَهَا وَتَرَكَ مِنْهَا مَوْضِعَ لَبَنَةٍ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِالْبَنَاءِ وَيَعْجَبُونَ مِنْهُ، وَيَقُولُونَ: لَوْ تَمَّ مَوْضِعُ تِلْكَ اللَّبَنَةِ، وَأَنَا فِي النَّبِيِّينَ مَوْضِعُ تِلْكَ اللَّبَنَةِ) 5 ترجمه: از طفیل بن ابی بن کعب از رسول الله ﷺ روایت است: وضع من با سایر پیغمبران: شباهت - به وضع - شخصی دارد که ساختمانی را به نحو بسیار کامل و زیبا می سازد ولی جای يك آجر را خالی می گذارد، مردم که

1 سوره احزاب آیه 40

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 6 ص 381

3 ایسر التفاسیر اسعد حومد ج 3 ص 1040

4 تفسیر الشعراوی - الخواطر: محمد متولی الشعراوی متوفی 1418 نشر مطابع اخبار الیوم عدد اجزا 20 از سال نشر چیزی دقیق اینکه این تفسیر در سال 1997 میلادی نشر شده

5 سنن الترمذی: محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، ترمذی، أبو عیسی (المتوفی: 279 هـ) نشر: مکتبه مصطفی البابی الحلبي - مصر، چاپ دوم 1395 هـ ق به عداد جلد 5 تحقیق احمد شاکر امام ترمذی می فرماید: "هذا حديث حسن" ج 5 ص 586

داخل آن می شوند تعجب می کنند و می گویند: اگر جای این اجر خالی نمی بود ساختمانی بسیار عالی و کامل بود و من به منزله همان اجر تکمیل کننده در بین پیامبران هستم حدیث مبارک مذکور، از چندین طریق با تفاوت مقداری در الفاظ "کم و بیش" در هر کدام روایت شده که چند نمونه آنرا آورده تا بیشتر مورد درک و فهم واقع شود. امام بخاری رحمه الله با مقداری تفاوت چنین روایت می نماید: أن رسول الله ﷺ قال (إن مثلي مثل الأنبياء من قبلي كمثل رجل بنى بيتا فأحسنه وأجمله إلا موضع لبنة من زاوية فجعل الناس يطوفون به ويعجبون له ويقولون هلا وضعت هذه اللبنة؟ قال فأنا اللبنة وأنا خاتم النبيين) 1 ترجمه: مثال من و سایر پیامبران قبل از من، مانند مردی است که خانه ای زیبا و کامل بسازد مگر اینکه در گوش های، جای يك خشت را خالی بگذارد. مردم، اطراف آن دور می زنند و با تعجب می گویند: آیا این يك خشت، گذاشته نمی شود؟ پیامبر فرمود: من همان يك خشت و خاتم پیامبران هستم.

بر اساس این نصوص: گذشته و آینده امت بر این عقیده اجماع دارند همانگونه که بر تکفیر کسی که ادعای پیامبری بعد از او ﷺ را بنماید، و بر کشتن کسی که ادعای آن را دارد و بر آن اصرار می ورزد، اجماع دارند. در حدیث مذکور پیامبر ﷺ بیان می دارند که خاتم نبیین هستند و تشبه می نماید مثال خود و انبیای سابق از خود را با مثال تعمیر زیبایی، فقط یک خشت آن باقی مانده بس و خود می گویند من همان خشت و خاتم هستم.

امام مسلم نیز احادیث همسان قبلی و یکی هم از جابر رضی الله عنه روایت نموده (مثلي ومثل الأنبياء كمثل رجل بنى دارا فأتَمَّها وأكملها إلا موضع لبنة فجعل الناس يدخولونها ويتعجبون منها ويقولون لولا موضع اللبنة قال رسول الله ﷺ فأنا موضع اللبنة جئت فختمت الأنبياء) 2 ترجمه: جابر بن عبدالله رضی الله عنه گوید: پیغمبر ﷺ گفت: وضع من با سایر پیغمبران: شباهت به وضع - شخصی دارد که

ساختمانی را به نحو بسیار کامل و زیبا می سازد ولی جای يك اجر را خالی می گذارد، مردم که داخل آن می شوند تعجب می کنند و می گویند: اگر جای این اجر خالی نمی بود ساختمانی بسیار عالی و کامل بود (و من به منزله همان خشت تکمیل کننده هستم)

خاتم بفتح (ت) و خاتم بکسر (ت) مثل: طابع، معنی در فتح ت سلسله انبیا به پیامبر ختم شده مثل مهر در پایان فیصله باشد و در کسر: پیامبر سلسله نبوت را پایان بخشید. یعنی آخرین کسی بود که آمد 3 امام قرطبی رحمه الله نیز اجماع خلف و سلف را ذکر نموده اند جماعت علمای امت خلف و سلف بر

1 صحیح البخاری ج 3 ص 1300 باب خاتم النبیین ﷺ

2 صحیح المسلم ج 4 ص 1791 عبدالباقی، باب ذکر گونه خاتم النبیین

3 الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی: ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (متوفی: 671هـ) نشر: دار الكتب المصرية، چاپ دوم: - 1964م ج 14 ص 196 عدد اجزا 20 در (10 مجلد)

این نظر اند، نبی بعد از پیامبر ﷺ نیست و نمی آید. 1 از ابو هریره رضی الله عنه در حکایت آنچه در محشر: برای اینکه حساب، کتاب آغاز شود و مردم نزد هریکی از انبیای الو العزم می روند، هریکی مردم را به دیگری رهنمود می نمایند نزد فلان بروید. تا اینکه پیش پیامبر می آیند، حدیث طولانی می باشد قسمت اخیر حدیث را مرور می نمایم (فیقول عیسی ... اذهبوا إلی غیري اذهبوا إلی محمد ﷺ فیاأتون محمدا ﷺ فیقولون: یا محمد! أنت رسول الله وخاتم الأنبياء) 2 بروید غیر از من نزد کسی دیگری ، نزد محمد ﷺ م بروید می آیند مردم نزد پیامبر میگویند ای محمد ﷺ تو فرستاده شده الله هستی و تو آخرین پیامبری (بعد از تو دیگر پیامبری نیامده) هدف اینکه در روز محشر ازین ویژگی رسول الله ﷺ یاد آوری می گردد. همچنان امام مسلم در صحیح خویش حدیثی را از ابو هرره رضی الله عنه که پیامبر ﷺ می فرمایند: (فَضَّلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بَسْتُ: أَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَنَصَرْتُ بِالرَّعْبِ، وَأَحَلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَجَعَلَتْ لِي الْأَرْضَ طَهُورًا وَمَسْجِدًا، وَأَرْسَلْتُ إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً، وَخَتَمَ بِي النَّبِيُّونَ) 3 ترجمه: در شش امتیاز، بر سایر انبیاء برتری دارم، کلمات کوتاه و پر معنی بمن عطا شده است با مرعوب شدن دشمنان، یاری شده ام، مال غنیمت برایم حلال شده است، زمین برای من مسجد و مایه طهارت می باشد رسالت من فراگیر و برای تمام مردم جهان است و سلسله پیامبران بوسیله من به پایان رسیده است. امام ترمذی نیز حدیثی را روایت می کند فرق بین آنچه از نبوت باقی مانده است بیان می دارد با کسانی که معتقد بر این اند نبوت ختم نشده (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ الرِّسَالَةَ وَالنَّبُوَّةَ قَدْ انْقَطَعَتْ فَلَا رَسُولَ بَعْدِي وَلَا نَبِيَّ»، قَالَ: فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: «لَكِنَّ الْمُبَشِّرَاتُ».

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ: «رُؤْيَا الْمُسْلِمِ، وَهِيَ جُزْءٌ مِنْ أَجْزَاءِ النَّبُوَّةِ») 4 ترجمه: رسالت و نبوت پایان پذیرفته است و هیچ پیامبر و نبی پس از من نمی آید. { می گوید: این موضوع یعنی توقف پیامبری و نبوت برای مردم دشوار آمد، بنابراین پیامبر ﷺ فرمود: "بجز مبشرات" گفتند: یا رسول الله ﷺ مبشرات چیستند؟ فرمود: (رؤیای فرد مسلمان است که جزئی از اجزای نبوت می باشد.

علی ای حال باهمه موارد که از قرآن کریم، احادیث نبوی، لغت ، تفسیر و اجماع ذکر شد. بر می آید وثابت گردید که ویژگی ختم نبوت نیز یکی از ویژگی های است مختص به رسول الله صلی الله علیه وسلم و این نعمت نصیب کسی دیگری غیر از پیامبر نشده است.

1 الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی ج 14 ص 196

2 صحیح البخاری ج 4 ص 1745 تفسیر سوره بنی اسرائیل

3 صحیح المسلم ج 1 ص 371 کتاب مساجد و مواضع الصلاه

4 ترمذی ت شاکر ج 4 ص 533 باب ذهبت نبوه و بقیة المبشرات علامه البانی حکم نموده به صحت اسناد آن می

فرماید: "صحیح الانسداد"

4- رحمت و رهنمای بشریت 1

رحمت بودن و همچنان رهنمود کردن بشر به مسیر صحیح و بزرگی دیگری برجسته رسول الله ﷺ می باشد، این ویژگی رسول الله ﷺ نیز واضح زبان زد در بین عام و ثابت در نص قرآن کریم است، رسالت پیامبر ﷺ تا چه حد برای بشر و عموم خلائق مهم و مفید بوده است. الله متعال محمد رسول الله ﷺ را رحمت و رهنما، برای عموم خلائق فرستاده اند. از جمله موارد که این خصوصیت را باز تاب می نماید آیه مبارکه ذیل می باشد. الله متعال در کتاب جلیل خود می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾² ترجمه: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

الله متعال می فرماید: وما أرسلاک - ای محمد ﷺ - ما تو را نفرستادیم مگر رحمت برای جمیع مردم، کسی ایمان آورد بتو نیکبخت شد و نجات یافت و کسی ایمان نیاورد زیان نمود و خسران کرد³ ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: این رحمت عام است در حق کسی که ایمان آورده و ایمان نیاورده است، آنان که ایمان آورده او رحمت است برای شان در دنیا در آخرت و برای کسی که ایمان نیاورده نیز رحمت است بتأخیر عذاب از او شان رفع مسخ و خسف، از اونها 4 این کثیر رحمه الله در تفسیر آیه مذکور اینکه رسالت پیامبر یک نعمت بزرگ می باشد و باید شکر این نعمت را کشید با نقل آیه ذیل: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾⁵ ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟ (سرای نیستی و نابودی، همان) جهنم است که آنها در آتش آن وارد می شوند؛ و بد قرارگاهی است.

در واقع این نعمت بزرگ، عظیمی برای بشریت چه مسلمان و غیرمسلمان شد که پیامبر ﷺ مبعوث گردیدند و پیام نجات بخش، آسمانی را برای بشریت تقدیم نمودند و بشریت از انحراف که برایش پیش آمده بود نجات یافت. بعثت پیامبر ﷺ در زمانی تحقق یافت که بشریت زمان طفولیت و کودکی خویش را سپری نموده بود ولی به اندازه به جهالت غرق شده بود که تمام ارزش های بشری را از خود دور ساخته بود

1 غایه السؤل فی خصائص الرسول ﷺ ص 65 خصائص الکبری ج 2 ص 322/ خصائص الرسول ﷺ ص 18/ الشفاء بتعریف حقوق المصطفی ج 1 ص 16
2 سوره انبیاء آیه 107
3 التفسیر المیسر: جمع نخبه از علمای دانشمند بخش تفسیر دانشگاه ملک فهد نشر مجمع الملک فهد چاپ دوم 1430 هـ عدد اجزا 1 ج 1 ص 133
4 معالم التنزیل فی تفسیر القرآن = تفسیر البغوی، أبو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوی الشافعی (متوفی: 510 هـ) نشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت چاپ اول 1420 هـ تعداد جلد جزء: 5 ج 3 ص 318
5 سوره ابراهیم آیه 28 - 29 - ابن کثیر ج 4 ص 508

و همین قهقرای و انحراف بود که لقب عصر جاهلی را نصیب شد اما در همین وقت الله متعال این بشر را رها ننمود بلکه برای این بشر کسی را فرستاد که بمدت زمان خیلی ها کم این بشر سر در گم را دو باره به منصفه عقلانی و ارزش گرای باز گردانید. رحمت جهانیان؟ موضوع و ویژگی کو چکی نیست. تامل کن خالق کاینات، می فرماید: ما ترا رحمت برای جهانیان فرستاده ایم. این رحمت برای احاد بشر قابل لمس می باشد. کتاب عظیمی که الله متعال برای پیامبر خویش اعطا نمود این واقعیت را جاویدان ساخته است کتاب که برای رفع نیازهای و خواست های بندگان الله متعال نازل کرده شده است آن ذات که نیاز های بندگان خویش را بهتر از هرکسی می داند و برای رفع این نیاز رهنمود و معلم نیز فرستاده اند اصول های زیست نمودن را وضع کردند تا حیات بشری را تضمین نماید.

برای همین است که رسول الله ﷺ می فرمایند: عن الأعمش عن أبي صالح عن أبي هريرة قال قال رسول الله ﷺ (إنما أنا رحمة مهداة) 1 (إنما أنا رحمة) یعنی صاحب رحمت پیامبر ﷺ در اینجا تعبیر به رحمت می نمایند بخاطر مبالغه است یعنی الله متعال به فرستادن من به بندگان خود رحم نموده بخاطر نجات شان (مهداة) بضم میم أي یعنی الله متعال مرا رهنمون نمود بخاطر بندگان اش تا رهنمای شان نمایم به نجات و دور بدارم شان از طرق و مسیر هلاکت (جهنم) کسی پذیرفت رحمت الله متعال را و بخشش، فضل کرم او را کامیاب شد و کسی رد نمود زیان نمود و این ثابت شده که رسول الله ﷺ حتی برای کافران رحمت است او نها عذاب نمی شوند تا زمانی که در بین شان بوده است 2

تمام بشر ازین رحمت متأثر اند در زمان قبل از بعثت پیامبر ﷺ انسان ها بطبقة های مختلف از جمله اشراف زادگان، روحانی، عام مردم تقسیم می شدند و هیچ یکی ازین طایفه ها در برابر امتیاز و قانون یکسان نبودند، طبقه اشراف زاده و ثروت مند با یک عملی نمایشی از جرم براءت حاصل می نمود، اما عام مردم بودند هر آنچه: بنام قانون، و مواد کتاب آسمانی را متحمل می شد وضعیت تفسیر انحرافی را که سکه دا ران کلیسا وضع نموده بودند، برای شهوت و سیر نمودن شکم و شهوت در تمام سطوح اجتماع بوفور دیده می شد. مردم از وضعیت پیش آمده ناراحت بودند و می دانستند آنچه جریان یافته است در تضاد قانون زیستی و خلقت بشری می باشد موارد چون فروش بهشت، دوزخ و چور اموال مردم که بحث مارا به درازا می کشاند اما این پیامبر است زمان که مبعوث می شود اولین کسانی که ازین رحمت مستفید می شوند طبقه پایین جامعه است که حق مساوی در برابر

1 مسند الشهاب القضاعی: أو عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكيم القضاعي المصري (اتوفى: 454هـ) محقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، نشر مؤسسة الرسالة - بيروت چاپ دوم 1407 هـ - ق تعداد جلد 2 ج 2 ص 189

2 التتوير شرح جامع الصغير: محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ب (متوفى: 1182هـ) محقق: د. محمد إسحاق محمد إبراهيم نشر: مكتبة دار السلام، الرياض چاپ اول، 1432 هـ - ق تعداد جلد 11 ج 4 ص 189 البانی حکم به صحت حدیث نموده

قانون و اجتماع پیدا می کنند و دیگر مسئله آقای و غلامی نیست مسئله سفید و سیاه نیست مسئله فرزند عروه، ولید و کنیه "بنی هاشم" از بین می رود.

روح جدید بر پیکر نیمه جان بشریت می دمد، انسانیت در بین بشر سرگردان زنده می گردد، بلال می تواند ازاده در کنار خانه: الله، بیت الله الحرام خالق خویش را عبادت نماید و احساس آزادی را از اعماق قلب بچشد و لذت ببرد، شاید چند مدتی قبل از آن باورش برای بلال و امثال او رضی الله عنهم سخت بود. بشریت امروزه روح این رحمت بیشتر از هر وقتی دیگری نیاز مند است لازم بیاد آوری می دانم که یکی از اسم های پیامبر نبی رحمة است پیامبر ﷺ دارای نامهای اند از جمله احمد، محمد ... علمای که در باب اسمای پیامبر جمع آوری داشته اند موارد را ذکر نمودند که از جمله اسم های آن حضرت می باشد. ابن اثیر رحمه الله می فرماید: پیامبر ﷺ دارای بیست و سه اسم اند¹ جمله: رحمت را نیز می آورد و ذکر می کند، احادیث از پیامبر بما رسیده فهمیده می شود رحمت یکی از او صاف و اسم های پیامبر اند. امام مسلم در کتاب صحیح خویش صحنه را روایت می کند، مردم از پیامبر تقاضای دعای عذاب برای مشرکین نمودند ولی در جواب آنها چنین فرمود: "یا رسول الله ادع علی المشرکین قال إني لم أبعث لعانا وإنما بعثت رحمة" 2 تر جمه: من برای نفرین کردن برانگیخته نشده ام، تنها برای رحمت فرستاده شدم.

رحمت بودن رسول الله ﷺ هیچ جای تردیدی نیست و تاحال کسی جز خاور شناسان مغرض انکار ننموده است. اگر کوچکترین تفحص صورت بگیرد این قضیه روشن می شود و ما بیشتر امروز روی همین نکته باید توجه داشته باشیم، چون بد خواهان و دشمنان دد منش و کوردل همیشه بر یک نقطه تمرکز دارند آن عبارت: از غزوات پیامبر است و از پیامبر چهره خشن را میخواهند به معرفی بگیرند. نگاهی گذرا در یکی از صحنه های زندگی پیامبر می اندازیم ، تا بیشتر موضوع روشن گردد آن حادثه مشهور ثقیف "طایف" است پیامبر ﷺ بعد از دعوت و پیش آمد ناگوار غیر قابل باور مردم ثقیف فرار نموده در گوشه یک باغی مخفی گردیده دست به مناجات می زند: "بار الها! وضعفم واز این که مردم مرا خوار ساختند به درگاه تو شکایت می کنم ای مهربانترین مهربانان، تو پروردگار در ماندگانی ، تو پرور دگار منی، مرا به کی واگذار می کنی؟ آیا به بیگانگان بد خلق و عبوس؟ آیا مرا به دشمنانم می سپاری؟ باوجود این اگر تو بر من خشم نگرفتی باشی این حالات برایم اهمیتی ندارد زیرا می دانم فضل و رحمت در محافظت من از بلاها بسی بیشتر است پروردگارا از این که بر من خشم بگیری و یا غضبت متوجه من شود بنور رویت که روشن کننده تاریکی ها

1 جامع الاصول فی احادیث الرسول ﷺ ج 12 ص 90 الفصل الثالث فی اسمائه ﷺ

2 صحیح مسلم - عبدالباقی ج 4 ص 2006 باب النهی عن لعن الدواب

و اصلاح کننده کار دنیا و آخرت است پناه می برم دشواری ها را آنقدر تحمل می کنم تا از من راضی شوی به راستی هیچ تغییر و هیچ قدرتی وجود ندارد بجز از سوی تو" 1 این است پیامبر و این است بزرگی پیامبر در واقع پیامبر رحمت اند بشر در تمام ادوار حیات خویش مرهون ممنون این پیامبر صاحب العزم الهی می باشد. رسالت پیامبر ﷺ رحمت برای قوم اش در قدم نخست و ثانیاً برای همه بشریت همه این رحمت از جانب اوست، مبادی که برای زندگی اجتماعی و مراوده ها، داد ستد ها گذاشته شده بود.

در مرحله نخست برای همه پوشیده بود کسی نمی دانست حقیقت از چه قرار است این بخاطر دوری که بین رسالت پیامبر و ارزش های بشری رو نما گردیده بود بوجود آمده بود. تا اینکه بشریت بخود آمد و این نا آشنای ها از هم بگسلید با آمدن پیامبر تمام طبقات ساخته شده بشر در ترکیب و تشکیل اجتماع، مرز بندی های ظالمانه و افتخارات دجالانه بشری از بین رفت. مرز های جنسی در هم شکست و نابود شد 2 برای همه ما واضح است ادیان سماوی که به دست رجال دینی یهودیت و مسیحیت افتیده چه جفاهای که بحق بشر روا داشته نشد، در تمام سطوح تفاوت کلی بین ارباب، رعیتی وجود داشت حتی در اجرای حدود دین الله متعال در ادای حقوق مال، آن ارباب زاده بخشیده می شد و آنکه رعیت از طبقه پایین باید مجازات می کشید، خرافات در باور های مردم به اندازه کافی، نهایی تزییق شده بود شاید باور نسل امروزی نشود بطور مثال خرید بهشت، جهنم و زدودن گناهان بخاطر عیسی و مریم مادر شان علیهم السلام بدست آوردن ثروت های هنگفت از سوی مردم نمونه های خرافی قبل از بعثت پیامبر است.

در محیط تولد پیامبر: قضایای وجود داشت باور انسان نمی شود، انسانیت تا این حد لجام گسیخته شده باشد ولی تمام آن مسائل وجود داشت زندگی طبقاتی بود ارباب ها خود را از جنس دیگری از رعیت ها می گرفتند. برای غلامان مثل بلال و امثال اش کوچکترین حق بشری و کرامت انسانی قائل نبودند، اسلام آمد برای همه در برابر قانون و قضاء حق یکسان قائل شد در حال که در گذشته رجال دینی قانونی برای هر طبقه می ساختند 3 حالا ما باید شکر این نعمت بزرگ را ادا نماییم در برابر رحمت بودن پیامبر این ویژگی بزرگ، امت اسلامی بطور خاص و بشریت بطور عام باید شکر گذار الله متعال باشند و شکر این نعمت را ادا نمایند این ویژگی در واقع ویژگی عظیمی و قابل فخر است. ابو موسی اشعری رضی الله عنه می فرماید: (کان رسول الله ﷺ یسمی لنا نفسه أسماء فقال : أنا محمد

1 زندگی پیامبر ﷺ مصطفی حسنی السباعی در سال 1915 م در شهر حمص سوریه امروزی متولد شد در سال 1933 راهی از هر شریف شد او مسئولیت های زیادی را متصدی و یکی از سرمایه های وقت خود بود مترجم مسعوده جامی ص 53

2 خصائص الرسول ﷺ ص 21 رحمت مهداة

3 - خصائص الرسول ﷺ ص 21 رحمت مهداة

وأحمد والمقفي والحاشر ونبی الرحمة) 1 رسول الله ﷺ برای ما از شخص خویش نام می‌برد به اسم های، می‌فرمود: من محمد و احمد هستم، ومقفي (آخرین پیغمبران) هستم، من حاشر (جمع کننده) و پیامبري نائب (که دائماً در حال توبه و استغفار است) هستم، و نبی الرحمة هستم، پیامبري صاحب برکت و رحمت و بخشش هستم. قاضي عياض رحمه الله از ابوبکر ابن طاهر نقل می‌نماید در تفسیر آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ الله متعال محمد ﷺ را زینت بخشیده به سبب رحمت بودن، گویا تمام او صاف و یزگی های او رحمت اند و نفس او رحمت است بر عام مردم، پس کسی را ازین رحمت مقداری برسد او در دوگیتی سعادت مند، پیروز گردیده، از هر پلیدی 2 در واقع که ویزگی بزرگی است علامه سمرقندی در خصوص معنی جمله ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ می‌فرماید: "يَعْنِي لِلْجَنِّ وَالْإِنْسِ" 3 یعنی رحمت برای انسانها وجنایات. همچنان امام ترمذی رحمه الله در کتاب الشمائل خویش احادیث را روایت می‌نماید: از حذیفه رضی الله ایشان می‌فرمایند رسول الله را در بعض راه های مدینه ملاقات نمودم، گفتند: (أنا محمد وأنا احمد وأنا نبی الرحمة ونبی التوبة وأنا المقفی وأنا الحاشر ونبی الملاحم) 4 من دارای اسم های، محمد، احمد، پیامبر رحمت، پیامبر توبه، آخرین پیامبر، و جمع کننده مردم و پیامبر ملاحم می‌باشم. بعضی این رحمت را بخصوص مسلمانان دانستند و بعضی هم عام، بهتر و قوی تر همان عام است. این ویزگی تنها زبینه رسول الله ﷺ است او تنها فردی از بین بشر است برای دشمنان خویش را که تا سر حد مرگ با او دشمنی نمودند طلب عفو می‌نماید، از الله متعال برای شان بخشش می‌خواهد.

عده ای از علما این رحمت را عام می‌دانند به این نظر اند که پیامبر رحمت برای مومنان است به بسبب ایمان آوردن شان و برخورداری از مزایای دینی برای منافقان رحمت به سبب در امن ماندن از قتل اند، برای کافران به سبب تاخیر در عذاب، عدم مسخ در دنیا رحمت اند 5 الله متعال در باب احسان اینکه الله لطف نموده و پیامبری چون رسول الله ﷺ را فرستاده می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ 6 ترجمه: بیگمان پیامبري (محمد نام) از خود شما (انسان ها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و

1 صحیح مسلم ج 4 ص 1828 باب فی اسمائه ﷺ

2 الشفا بتعريف حقوق المصطفى أبو الفضل القاضي عياض بن موسى اليحصبي (متوفى: 544هـ) نشر: دار الفكر الطباعة والنشر والتوزيع عام النشر: 1409 هـ عدد اجزاء: 2 ج 1 ص 16 فصل اول

3 منبع سابق ص 17

4 شمائل محمدی ص 306 علامه البانی حدیث را حسن گفته است مختصر الشمائل ج 1 ص 191

5 الشفا بتعريف حقوق المصطفى ج 1 ص 17 فصل اول

6 سوره توبه آیه 128

لطف فراوان و بسیار مهربان است . اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند (اکی نداشته باش و) بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز او معبودی نیست. به او دلبسته ام و کارهایم را بدو واگذار کرده ام ، و او صاحب پادشاهی بزرگ (جهان و ملکوت آسمان) است

تعبیر قرآن خیلی ها ظریف و دقیق است، انسان چگونه می تواند ازین نکات ظریف پرمحتوا و پر از مفهوم به آسانی بگذرد. الله متعال بشکل منت گذاری برای مومنان می فرماید: ﴿بِمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾¹ ای از جنس، شکل خود شان پیامبری فرستاد، یعنی پیامبر بشر بوده ملک نیست و کسی فرستاده نشده است، تکلم و جنس او برایی مردم نا آشنا باشد بقول سید قطب رحمه الله استاد زبان عربی مفسر نکته سنج که می فرماید: که الله متعال نگفت خداوند نفرموده است : پیغمبری از خود شما به پیش شما آمده است . بلکه فرموده است : ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ از نفس خودتان این شیوه بیانگر حساسیت بیشتری و پیوند ژرف تری است ، و دال بر خویشاوندی ای است که آنان را به پیغمبر ﷺ پیوند می دهد. چه او پاره ای از وجود ایشان است ، و پیوند وجودی آنان را به همدیگر متصل می کند. همچون پیوندی ژرف تر و احساس برانگیزتر است ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾ هر گونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می آید رنج بردن و سختی کشیدن شما برای او ناراحت کننده و درد آور است ﴿حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾ به شما عشق می ورزد و اصرار به هدایت شما دارد. شما را به مهلکه ها و جاهای خطرناک نمی اندازد و به درّه ها و ژرفاها نمی افکند. زمانی که شما را به جهاد و تحمل مشکلات و مبارزه با مشقات مکلف موظف می کند، بدین خاطر نیست که شما در پیش او کوچک و خوار باشید، یا او سنگین دل و درشتخوی باشد. بلکه این کار او مهربانی در شکلی از اشکال است. او مهربان است و لذا نمی خواهد دچار خواری و پستی شوید، و به گناه و لغزش گرفتار آئید. او به شما علاقه مند است و مهر شما را به دل دارد و لذا می خواهد افتخار برداشتن پرچم این دعوت نصیب شما گردد، و خشنودی خدا را نصیب خود سازید، و به بهشتی در آئید که به پرهیزگاران وعده داده شده است 2 اگر این مردم روی گردانیدند پیامبر باید چه بنماید بر چه نیروی تکیه نماید؟ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾³

ترجمه: اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند (باکی نداشته باش و) بگو: خدا مرا کافی و بسنده است . جز او معبودی نیست . به او دلبسته ام و کارهایم را بدو واگذار کرده ام . و او صاحب پادشاهی بزرگ (جهان و ملکوت آسمان) است

1 تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر) ج 4 ص 211

2 تفسیر فی ظلال القرآن: سید قطب فرزند حاجی قطب، فرزند ابراهیم در سال 1906 م متولد شد در سال 1966 اوسط جمال ناصر ایادی ظالم و خون آشام وقت مصر اعدام گردید از او آثار گرانهای باقی مانده از جمله فی ضلال سید ازدواج ننموده همواره تا آخرین لحظات زندگی خویش اسب خویش را بر میدان قلم جهیده است ج 2 ص 224 الی 225 مقدمه با اختصار 3 سوره توبه آیه 129

لازم بیاد آوری نیز است که آنچه برای فرستادن پیامبری از جنس خود انسانها دعای ابراهیم علیه السلام نیز بوده است چنانچه قرآن کریم بیان می دارد: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾¹ ترجمه: ای پروردگار ما در میان آنان (که ازدودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید ، بی گمان تو عزیزی و حکیمی (و بر هر چیزی توانا و پیروزی ، و هر کاری را که می کنی بنابر مصلحتی و برابر حکمتی است)

انسان دوست دارد مابعدش کسی بیاید که مسیر او را تعقیب نماید، نشانی از او باقی بماند، ابراهیم علیه السلام نیز چنین نمود و دعاهاى پدر و پسر برای ذریه خود نمودند که مستجاب نیز شد و همچنان الله متعال در سوره آل عمران می فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾² ترجمه: یقیناً خداوند بر مؤمنان (صدر اسلام) منت نهاد و تفضل کرد بدان گاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. (پیغمبری که) بر آنان آیات (کتاب خواندنی قرآن و کتاب دیدنی جهان) او را می خواند ، و ایشان را (از عقائد نادرست و اخلاق زشت) پاکیزه می داشت و بدیشان کتاب (قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن) و فرزاندگی (یعنی اسرار سنت و احکام شریعت) می آموخت ، و آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری (غوطه ور) بودند.

جعفر رضی الله عنه صحابی جلیل القدر و پسر کاکای پیامبر در مجلس که عمرو بن عاص نیز حضور داشت در هجرت حبشه بعد از اینکه سخنگوی مسلمانان در مجلس انتخاب شد، تا شکوک ابهامات وضع شده را جواب دهد می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ فِيْنَا رَسُولًا مِّنَّا نَعْرِفُ نَسَبَهُ وَصِفَتَهُ وَمُدْخَلَهُ وَمُخْرَجَهُ وَصِدْقَهُ وَأَمَانَتَهُ﴾³ ترجمه: الله متعال فرستاده است پیامبری از جنس خودمان، اصلو نسب خو و خواص محل زیست و راست گوی و امانت داری او را می شناسیم.

ویژگی بزرگی برای رسول الله ﷺ می باشد وقتی الله متعال از او می ستاید که بر شما حریص، عزیز و رحمت است. در جای دیگری الله متعال وضع حال منافقین را با پیامبر بیان می دارد می فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾⁴ ترجمه: در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می آزارند و می گویند: او سراپا گوش است (و راست و دروغ را می شنود و همه چیز

1 سوره بقره آیه 129

2 سوره آل عمران آیه 164

3 تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر) ج 4 ص 211

4 سوره توبه آیه 61

را باور می‌کند) بگو: (که او در نهایت لطف و محبت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می‌دهد، ولی به سخن خوب عمل می‌کند و سخن بد را نادیده می‌گیرد و بدان عمل نمی‌کند، و این) سراپا گوش بودن او به نفع شما است او به خدا ایمان دارد (و هم فرموده‌های او را تصدیق می‌کند) و به مؤمنان ایمان دارد (و هر چه بگویند باور می‌کند، چون معتقد به اخلاص ایشان است) و او برای کسانی که از شما ایمان آورده‌اند رحمت است (زیرا ایشان را به راستای خداشناسی آورده است و راه بهشت را بدانان نموده است) کسانی که فرستاد؟ خدا را می‌آزارند، عذاب دردناکی دارند. منافقین بر این باور بودند که همه چیز را می‌شنود و باور می‌کند اما الله متعال در رد ایشان فرمود این گوش بودن خیر شماست با حق همراه می‌باشد راستگو را از کاذب جدا می‌سازد همه آنچه می‌شنود نمی‌پذیرد مگر آنچه را که حق باشد پیامبر در سماع باطل، دروغ، سخن چینی علاقه ندارد و او بر الله متعال ایمان آورده است و او را مومنان باور می‌دارند مومنان که بدین ایمان خویش پابند راسخ‌اند. و او رحمت برای مومنان است و او حجت است بر کافرین کسانی که پیامبر ﷺ را در قول ، فعل و عمل آزار دادند الله متعال عذابی دردناکی برای شان در آخرت آمده ساخته است¹

5- مامن اصحاب (وجود پیامبر ﷺ) باعث دوری عذاب عام²

الله متعال پیامبر خویش را گرامی داشته برجستگی‌های نسبت به سایر پیامبران دیگر به او داده یکی از آن موارد وجود پیامبر ﷺ مایه (امن) بودن و در امن ماندن اصحاب از عذاب و خشم الهی است اخترباناک، الگوی خیر هدایت، پیامبر خاتم، سرور سردار دو گیتی را وجود اش مایه رحمت در بین اصحاب اش بود این ویژگی بر عکس بعضی انبیاء و امت‌های سابق ، گذشته است عده خود برای هلاک و عذاب هم زمان‌ها خویش دعا نمودند و عده هم مورد خشم الهی قرار گرفتند در انظار پیامبران مورد عذاب الهی در دنیا عذاب و هلاک شدند اصحاب پیامبر ﷺ تنها از عذاب‌های دنیای نجات نه بلکه از سایر امتحان‌ها هم در امن بودند. مثل: ارتداد، فتنه‌ها، جنگ، هزیمت‌ها که بعد ها بعضی ازین موارد به وقوع پیوست. امام عزابن عبد السلام می‌فرماید: از ویژگی‌های پیامبر ﷺ این است که الله متعال پیامبر را رحمت برای جهانیان فرستاده است. گنهگاران این امت را مهلت داده و عجله در عذاب‌شان ننموده بخلاف امت‌های سابق که اگر پیامبری را تکذیب می‌کردند بزودی عذاب می‌شدند³ هدف قسمت‌های آخر متن می‌باشد که مسئله عذاب امت هاست، در واقع چنین نیز است در

1 ایسرالتفاسیر - اسعد حومد ج 1 ص 472

2 خصائص الکبری ج 2 ص 322

3 غایة السؤل فی خصائص الرسول ص 65 66

سطور آینده موارد ذکر می رود بیانگر این مدعا می باشد از جمله خواست، عذاب از پیامبر ﷺ و جواب الله متعال در برابر خواست مشرکین و استناد ویژگی روی آن بحث صورت می گیرد، الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾¹ ترجمه: و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگار! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آر! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست ظاهر آیه کریمه برای ما یک مطلب را می رساند آن نهایت جهل، دشمنی و شدت تکذیب شان بر رسالت و قرآن کریم است مفسرین از جمله ابن کثیر رحمه الله قایل بر این است که گوینده این سخن، نضر ابن حارث کلدی می باشد که آیه مذکور درباره وی نازل شده است. در نزد رستم در فارس مدتی اقامت گزیده بود وقصه های از آنها از ملوک شان آموخته بود. زمانی به مکه برگشت که پیامبر ﷺ مبعوث شده و برای مردم از قرآن تلاوت می نماید هنگام پیامبر از مجلسی بر میخواست، بعد نضر می آمد و به داستان سرای می پرداخت و می گفت: قسم بخدا کدام یک قصه بهتر است ؟ از من و یا از محمد ؟ زمانی آمد که در بدر، به دست مقداد اسیر شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به گردن زدن اش امر نمودند² بهترین بود که می گفتند: بار الها! اگر این رسالت همان حق است از جانب تست مارا هدایت نما و توفیق بر اتباع پیروی از آن نصیب فرما لکن طلب پیروزی نمودند در نفس های خویش و عجله بر عذاب ، درخواست عقوبت نمودند³ طور که الله متعال در جای دیگری از در خواست و عجله به نزول عذاب از طرف ایشان می فرماید: ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾⁴ ترجمه: آنان با شتاب از تو عذاب را می طلبند؛ و اگر موعد مقرری تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می آمد؛ و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می شد در حالی که نمی دانند (و غافلند). آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد!

سخن ما در مورد این ویژگی رسول الله ﷺ است و اینکه چه عللی بوده که با وصف تمام وقاحت ها و خواست های مکرر که استهزاء آمیز نیز بوده است، با آنها عذاب دنیوی نازل نمی شده و نشده الله متعال در جاه های متعدد از قرآن حکایت حال این مردم را بیان می دارد الله متعال می فرماید: ﴿وَقَالُوا

1 سوره انفال آیه 32

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 4 ص 46

3 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 4 ص 47

4 سوره عنکبوت آیه 53 54

رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ» 1 ترجمه: آنها (از روی خیره‌سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده.

زمانیکه کافران شنیدند الله متعال، عذاب این مردم را بتاخیر انداخته است به روز بازپسین؛ مسخره کنان فرمودند حصه ونصیب ما را در دنیا برای ما اعطا فرما از عذاب (قطناً) حصه که وعده نمودی برای ما از عذاب واینرا به تاخیر نینداز تا بروز حساب؛ روز که برای بشر با یک صدای وحشت ناک آغاز می شود2 الْقُطُّ - نصیب، حصه، یا کتاب اعمال 3 این ویژگی بزرگ و عظیم، تنها برای رسول الله ﷺ می باشد تاریخ مشحون قضایای چون محو، نابودی امت های سرکش و متمرّد در برابر انبیای الهی است، تمام بشریت اعتراف دارند در برابر عذاب های وحشت ناک، نابود کننده و خشم غضب الهی که سابقین گرفتار شده اند، اما سرکشی پسینی ها (در زمان بعثت پیامبر) چنین عذاب های در قبال ندارد، به سبب ویژگی است که برای رسول الله ﷺ داده شده است قرآن کریم در خواست عذاب از جانب مشرکین را مکرراً برای ما حکایه می نماید که مشرکین سرکش مکه در آرزو وخواست عذابی بودند، ولی الله متعال اون عذاب را به روز باز پسین موکول نموده است الله متعال پیامبر را در برابر خواست ستمگرانه مشرکین، به صبر شکیبای دعوت می نماید: «اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» 4 ترجمه: در برابر چیزهایی که می گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور (پیغمبران شکیبا، از جمله) بنده ما داود قدرتمند و توانا را واقعاً او (در همه کار و همه حال به سویی خدا باز می گشت و) بسی توبه کار بود

الله متعال پیامبر اش را به شکیبای و صبر دعوت می نماید و هم پیامی می دهد در برابر این گستاخی ها و دهن کجی های ابوجهل و یاران اش صبور باشد در جای دیگری الله متعال از در خواست عذاب شان بیان می دارد «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ» 5 ترجمه: خواستاری (از روی تمسخر) درخواست عذابی کرد که به وقوع می پیوندد (این عذاب) گریبانگیر کافران می گردد، و هیچ کس نمی تواند آن را از ایشان باز دارد از ناحیه خدائی به وقوع می پیوندد که صاحب درجات و مقامات عالی است

مثلاً: که جاهلانی از امت های سابق چنین عذاب های را میخواستند قوم شعیب گفتند: «فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» 6 ترجمه: اگر راست می گویی (که پیغمبری) تگه هائی از

1 سوره ص آیه 16

2 ایسر التفاسیر اسعد تفسیر ج 3 ص 1124

3 ایسر التفاسیر- اسعد حومد ج 3 ص 1124

4 سوره ص آیه 17

5 سوره معارج آیه 1 الی 3

6 سوره شعراء آیه 187

آسمان بر سر ما فرو ریز و این مردم قسمت از آسمان را نخواستند که بالای شان فرو ریزد و گفتند حصه و نصیب ما را از عذاب بفرست و یا از آسمان سنگ بریزان و یا عذاب درد ناک دیگری اما الله متعال در جواب در خواست مذکور می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾¹ ترجمه: ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.

از مقتضی و سنت الهی نمی باشد، و نه رحمت، حکمت او تقضا می نماید اینکه ایشانرا عذاب کرده شود و تو ای محمد ﷺ در بین شان وجود داشته باشی، جز این نمی باشد که الله متعال شمارا رحمت و نعمت برای عالمیان فرستاده است، نه عذاب، دشمنی و کینه توزی! سنت الله متعال چنین جاری بوده است اینکه تکذیب کننده ها لجاج هارا عذاب ننماید، مگر بعد از اینکه پیامبر از نزد شان دور می شود 2 طبری روایت می نماید رسول الله ﷺ در مکه بود الله متعال آیه ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ را نازل نمود بعد از آن رسول الله ﷺ در مدینه هجرت نمودند آیه ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ نازل شد، جماعت از مسلمانان در مکه باقی مانده بود که از الله متعال طلب استغفار مینمودند وقتی آنها هم بیرون رفتند الله متعال فرمود: ﴿وَمَا لَهُمْ إِلَّا لِيَعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ همین بود که الله متعال دستور فتح مکه را داد در واقع فتح مکه عذابی بود که وعده داده شده بود 3 تاریخ مشحون دشمنی های در برابر پیامبران است و اقوام زیادی هم به سبب دشمنی ها و تمرد های که داشتند، عذاب های سختی را دامنگیر شدند و از دنیا نابود گردیدند، در تمام ادوار وقتی مقداری شک و شکوک پیدا شده است همواره الله متعال کسی را فرستاده که آن مقدار از غبار، و آلودگی را بزداید.

در عوض تنویر روشنای بیندازد. در رسالت پیامبر ﷺ اولین کسانی دست به دشمنی زدند و باعث آزار اذیت پیامبر رسول الله ﷺ شدند؛ افرادی از خانواده پیامبر بود. تمرد و سرکشی زیادی را مردم مکه در برابر پیامبر انجام دادند مستحق عذاب و هرنوع عذاب بودند ولی با آنها به سبب اینکه رسول الله در بین شان است عذاب نمیشوند در واقع هیچ مانعی جز ازین (وجود پیامبر) مانع در برابر مردم مکه نبود هیچ سببی و افتخاری مانع و سپهر عذاب نبوده است ادعای اولاد ابراهیم محافظین مکه ادعای افتخاری و کاذبی که جز در انحراف آنها می افزود، مانع عذاب الهی نمی شد و نه آنها اولیاء الله بودند که عذاب نشوند.

1 سوره انفال آیه 33

2 ایسر التفاسیر - اسعد حومد ج 1 ص 437

3 جامع البیان فی تأویل القرآن (طبری) محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري (متوفی: 310هـ) محقق: أحمد محمد شاکر نشر: مؤسسة الرسالة چاپ اول 1420 عدد اجزاء: 24 با مقداری اختصار و تصرف ج 13 ص 510

و در حال که محرفین اصلی پیام ابراهیم مشرکین بودند. پیام توحیدی ابراهیم را تحریف نموده مسائل شرکی را بمیدان آوردند، الله متعال با وصف همه این جفا ها به برکت پیامبر این مردم را عذاب ننمود. این در واقع اوج جهالت، تمرد و سرکشی مردمی را نشان می دهد که از الله متعال عذاب میخواهند نه خیر خوبی، فلاح رستگاری الله متعال گویا به رسول الله می گوید بیاد بیاور سخن قومت را چنین در خواستی داشتند ولی من به سبب حضور خودت در بین این طایفه جهل، و سرکش چنین خواست را اجابت ننمودم بسبب خودت ای محمد ﷺ سلم این بزرگی پیامبر، جایگاهش را نزد پروردگار نشان می دهد برای ماست تا ازین الگوی قدوه حسنه بگیریم، و در زندگی فردی خانواده اجتماع تغییر های را رو نما سازیم، جفا هست اگر ما از پیامبر و پیام اش دور باشیم طور که اقبال لاهوری می فرماید

از بهارش رنگ و بو باید گرفت

بهره ی از خلق او باید گرفت 1

بشریت امروز، باید به این قضایا بیندیشد، انسان های ما بعد رسالت پیامبر ﷺ باید مدیون، احسانات الله متعال باشند، سپاس احسان های که الله متعال به سبب رسالت نموده، باید درک و ادا نمایند، تعبیری درستی را که رسول الله ﷺ نمودند از حضور مبارک شان در بین صحابه و مومنان، تعبیر بالاتر نداریم، ویژگی که روی آن بحث عنوانی رساله نیز می باشد. صحابی پیامبر ﷺ ابی برده از پدر خویش روایت می نماید: (صَلَّيْنَا الْمَغْرِبَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ قُلْنَا: لَوْ جَلَسْنَا حَتَّى نُصَلِّيَ مَعَهُ الْعِشَاءَ قَالَ فَجَلَسْنَا، فَخَرَجَ عَلَيْنَا، فَقَالَ: «مَا زِلْتُمْ هَاهُنَا؟» قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّيْنَا مَعَكَ الْمَغْرِبَ، ثُمَّ قُلْنَا: نَجْلِسُ حَتَّى نُصَلِّيَ مَعَكَ الْعِشَاءَ، قَالَ «أَحْسَنْتُمْ أَوْ أَصَبْتُمْ» قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَكَانَ كَثِيرًا مِمَّا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقَالَ: «النُّجُومُ أَمَنَةٌ لِلسَّمَاءِ، فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ أَتَى السَّمَاءَ مَا تُوعَدُ، وَأَنَا أَمَنَةٌ لِأَصْحَابِي، فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَى أَصْحَابِي مَا يُوعَدُونَ، وَأَصْحَابِي أَمَنَةٌ لِأُمَّتِي، فَإِذَا ذَهَبَ أَصْحَابِي أَتَى أُمَّتِي مَا يُوعَدُونَ) 2 ترجمه: نماز شام را همراه با آنحضرت ﷺ اداء نمودیم، سپس با خود گفتیم اگر در مسجد بنشینیم تا نماز خفتن را نیز همراه آن حضرت ﷺ اداء نماییم. گفت: نشستیم آنحضرت وارد مسجد گردید فرمود: تا بحال شما اینجا میبایستید؟ گفتیم: ای رسول خدا نماز شام را همراه شما اداء نمودیم سپس با خود گفتیم: در مسجد می نشینیم تا نماز خفتن را نیز با شما اداء نمائیم. آنحضرت ﷺ فرمود: کار نیکی کردید و یا فرمود: به حق رسیدید سپس آنحضرت ﷺ سر مبارک خویش را به سمت آسمان بلند نمود و آنحضرت بسا اوقات سر خویش را بسمت آسمان بلند می نمود.

1 کلیات علامه اقبال لاهوری ص 74

2 صحیح مسلم ج 4 ص 1961 باب بیان ان بقاء النبی ﷺ

فرمود: ستاره ها امین آسمان اند، زمانیکه ستاره ها بروند به آسمان چیز هایی که وعده داده شده است می رسد، ومن امین یاران خویش میباشم و زمانی که من بروم به یاران من چیز هایی که وعده داده شده است می رسد. و یاران من امین امت من میباشند و زمانی که یاران من بروند به امت من چیز هایی که وعده داده شده است می رسد

در حدیث مذکور بیشتر موضوع واضح، روشن شد، آیات قرآن کریم در صفحات قبل احادیث زیادی بیانگر این امر است این یکی از ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد که علما روی آن صحه گذاشته اند. در حدیثی دیگری که داستانی از عصر پیامبر ﷺ در خصوص گرفتگی آفتاب روایت شده است واضح می شود این ویژگی است که پیامبر ﷺ در عهد و حیات خویش نیز ازین ویژگی یاد آوری نموده اند از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما در حدیثی طولانی در واقعه گرفتگی آفتاب روایت است که قسمت از او را مرور می نمایم: (انكسفت الشمس على عهد رسول الله ﷺ فقام رسول الله ﷺ يصلي حتى لم يكد أن يركع ثم ركع حتى لم يكد أن يرفع رأسه ثم رفع رأسه فجعل يتضرع ويبكي ويقول: (رب ألم تعذني أن لا تعذبهم وأنا فيهم ألم تعذني أن لا تعذبهم ونحن نستغفرك).....1 ترجمه در حیات رسول الله ﷺ آفتاب گرفتگی رخ داد، رسول الله ﷺ برخاست به ادای نماز پرداخت (بخاطر روشنی آفتاب) بعد طولانی خواند گمان نمی شد که رکوع نماید، رکوع نمود تصور نمی شد سر مبارک خویش را بلند نماید سر مبارک خویش را بلند نموده آنحضرت گریان می نمود و تضرع می کرد و می فرمود: بار الها آیا وعده نسپردی اینکه بندگان را عذاب ننمای تا زمانیکه من در بین شان حیات دارم و آیا وعده ننمودی مرا عذاب ننمای تا زمانیکه ما طلب مغفرت می نمایم.

6 - قسم به حیات پیامبر ﷺ 2

قسم یاد نمودن الله متعال بحیات مطهر رسول الله ﷺ یکی از ویژگی های دیگری پیامبری باشد. قبل ازینکه در اصل بحث شروع نمایم لازم بیادآوری است، الله متعال در قرآن کریم به چیز های زیادی قسم یاد نموده مثل: والفجر، والشمس، والتین، والزیتون، والسماء همین گونه موارد زیاد دیگری، الله متعال در قرآن کریم قسم یاد نموده می باشد، ذکر همه آن از اینجا بالاست به موارد یاد شده اکتفا می نمایم و آن اینکه این سوگند یاد نمودن ها دلالت بر اهمیت آن شی می نماید و اما از بشر تنها کسی را که قسم یاد نموده است بحیات شخص، رسول الله ﷺ می باشد. الله متعال در قرآن کریم در سوره حجر بعد از ذکر داستان های اقوامی سرکش از فتنه بزرگی که دچار گردیده بودند از خود

1 صحیح ابن حبان ج 7 ص 79 شعب ارنووط حدیث صحیح است / علامه البانی صحیح لغیره است
2 خصائص الکبری ج 2 ص 322 باب اختصاصه ﷺ باقسام الله تعالی بحیاته / الشفا بتعريف حقوق المصطفى ج 1 ص 31 / خصائص المصطفى بین الغلو والجفا ص 21 الوفا باحوال المصطفى ج 2 ص 9

گذری لوط علیه السلام در برابر شرارت و فتنه افروزی آن مردم سخن می زند و بعد می فرماید:
 ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾¹ (ترجمه: ای پیغمبر) به جان تو سوگند! آنان در مستی (شهوت و جهالت) خود سرگردان بودند

اصل لعمرک: به ضم عین می باشد بخاطر کثرت استعمال به فتح عین خوانده شده است معنی اش چنین گفته شده سوگند به بقای تو ای محمد و یا سوگند به زندگی طیبه ات و یا گفته سوگند به مدت حیانت در دنیا² الله متعال سوگند یاد نموده بحیات نبی خویش، در این قسم، تکریم و بزرگی نهفته است و مقام شامخ جایگاهی بلندی برای پیامبر می باشد³ در تفسیر آیه مبارکه آرای زیادی از صحابه و از مفسرین تابعین روایت شده به ذکر چند مورد آن می پردازیم. طبری رحمه الله روایت می نماید از ابن عباس رضی الله عنهما: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ قسم یاد ننموده الله متعال در حیات هیچ یکی از بشر مگر بحیات محمد ﷺ و فرمود: سوگند به حیات تو ای محمد و بقای تو در دنیا ﴿إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ قتاده مفسری دیگری می فرماید: که الله متعال همچنان که عرب ها در قول مهمی سوگند یاد می نمایند: الله متعال نیز بحیات پیامبر ﷺ سوگند یاد می نماید: لفی سکرتهم: ای درگمراهی خویش سرگردانند⁴ همه علما اتفاق نظر دارند یگانه فردی را که الله متعال در حیات مبارکه او سوگند یاد نموده پیامبر ﷺ می باشد که در سطور پیش نیز یاد آور شدیم، در واقع جایگاه و بزرگی شرف، پیامبر ﷺ را در نزد پرور دگار و قرب او را نشان می دهد.

شیخ عزالدین ابن عبد السلام، در را بطه چنین می فرماید: از جمله ویژگی های رسول الله ﷺ این است، الله متعال سوگند یاد نموده بحیات پیامبر ﷺ فرمود: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ سوگند یاد نمودن، بحیات سوگند یاد شده دلالت می نماید بر تابندگی حیات و شرف عزت اش در نزد سوگند یادکننده و حیات رسول الله ﷺ سزاوار است که سوگند یاد کرده شود زیرا در او برکت عامه و خاصه می باشد و این سوگند ثابت نشده برای هیچ کسی غیر از رسول الله ﷺ⁵ از ابن عباس رضی الله روایت گردیده: الله متعال هیچ شخصی را نسبت به رسول الله ﷺ بیشتر تکریم ننموده و بهتر از آن خلق نکرده و نیز من نشنیدم که به حیات دیگری جز حیات رسول الله ﷺ سوگند یاد نموده باشد⁶

1 سوره حجر آیه 72

2 الشفا بتعرف حقوق المصطفی ج 1 ص 32

3 تفسیر ابن کثیر ج 4 ص 542

4 جامع البیان فی تأویل القرآن (طبری) ج 17 ص 118 - قابل یاد آوری است: که از برای الله متعال است که برای هر چیزی سوگند یاد می نماید اما مخلوق را جایز نیست جز سوگند خوردن به اسماء و صفات الله متعال دلایل زیادی در این باب وجود دارد از جمله امام بخاری رحمه الله روایت می نماید عن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما: أن رسول الله ﷺ أدرك عمر بن الخطاب وهو يسير في ركب يحلف بأبيه فقال (ألا إن الله ينهاكم أن تحلفوا بآبائكم من كان حالفا فليحلف بالله أو ليصمت)

5 بدایه السؤل فی تفضیل الرسول ﷺ ص 37

6 الشفا بتعرف حقوق المصطفی ج 1 ص 32

7- صدا به وصف، رسالت و نبوت 1

حالا در رابطه به یکی دیگری، از ویژگی های رسول الله ﷺ شروع می نمایم. الله متعال پیامبران زیادی را برای هدایت بشر فرستاده است که تعدادی شان از صد ها هزار هم بالاست اما در بین پیامبران؛ پیامبرانی نیز هستند که در قرآن کریم اسامی شان ذکر شده است (پیامبران اولوالعزم) یا به اسم مخاطب قرار گرفته اند و یا در لابلای حکایت های که از آنها و قوم شان شده است با ذکر اسامی شان اکتفا شده اما در بین کسی به وصف رسالت و نبوت مخاطب قرار داده و نداء شده پیامبر ﷺ می باشد و این بخاطر تکریم و تشریف الله متعال برای پیامبر می باشد همانطور که جایگاه بزرگی پیامبر در بین بشر حفظ می باشد در واقع که این بزرگی را او سزاوار می باشد. الله متعال در قرآن کریم آیات متعددی در سوره های متعددی پیامبر را نداء به وصف و رسالت می نماید و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَقْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾² ترجمه: ای پیغمبر مایه اندوه تو نشود (کار کافرانی که) در کفر بر یکدیگر سبقت می گیرند. کسانی (از منافقان گول خورده ای) که به زبان می گویند مؤمن هستیم، ولی از دل مؤمن نمی باشند (و گفتارشان با کردارشان و بیرونشان با درو نشان همخوانی ندارد) و کسانی که خویشان را یهودی می دانند و پیوسته گوش به دروغ فرا می دارند (و اکاذیب و باطل اخبار را باور می نمایند و سخنان یافه) گروه دیگری (از خود) را می پذیرند که (به سبب کبر و غرور و بغض و حسد) به پیش تو نمی آیند و سخنان (آسمانی تورات) را از جاهای خود به دور و تحریف می کنند (و به پیروان خود) می گویند: اگر این (چیزهایی را که ما می گوئیم، توسط محمد) به شما گفته شد، آن را بپذیرید، و اگر چنین به شما گفته نشد (از پذیرش هرگونه سخن دیگری) خویشان را برحذر دارید. اگر خداوند (بر اثر گناهان پی در پی) بلائی کسی را بخواهد، تو نمی توانی اصلاً برای او کاری بکنی. آنان کسانی که (در ضلال و عناد اسراف کرده اند و) خداوند نمی خواهد دلهایشان را (از کثافت کفر و شرک) پاک گرداند. بهره ایشان در دنیا خواری و رسوائی، و در آخرت عذاب بزرگی است

1 الخصائص المبری ج 2 ص 324 / بدایه السؤل ص 37 و 38 / خصائص الرسول ﷺ ص 3 / الوفا باحوال المصطفی ج

ص 7

2 سوره مائده آیه 41

آیه مذکور در شان مردمی خاصی نازل شده ، آنچه برای ما مهم است آغازین آیه مبارکه پیامی خاصی برای ما دارد. همچنان آیات ازین قبیل الله متعال پیامبر خویش را به وصف رسالت ندا می نماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ» چقدر لذت بخش و قابل تامل است در سطور آینده مقایسه بین آنچه از پیامبران دیگر مخاطب قرار گرفتند در قرآن کریم و از پیامبر مخاطب قرار گرفته است می داشته باشیم، تا واضح شود که بزرگی پیامبر ﷺ در نزد الله متعال تا چه حد می باشد. این آیه در شان منافقان مدینه نازل شده است آنهای که می گفتند: به زبان های خویش ایمان آورده ایم و ایمان نیاورده است قلب های شان در شان یهودی هایکه در مدینه بودند بیشتر در مجالس پیامبر می نشستند تا دروغ و افترای را بتوانند برای پیامبر نسبت دهند و عده هم دستوری می آمدند خبر های را به دیگران برسانند الله متعال به پیامبر گفت ای رسول محزون میباش1

الله متعال جای دیگری از سوره مائده پیامبر را مخاطب قرار داده، نداء به وصف می نماید ویژگی که برای جایگاه فرد خیلی مهم و با ارزش می باشد الله متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»2 ترجمه: ای فرستاده (خدا ، محمد مصطفی) هر آنچه از سوي پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسي ، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن) و اگر چنین نکنی ، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده ای (و ایشان را بدان فرا نخوانده ای . چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است ، و کتمان جزء از جانب تو ، کتمان کل بشمار است) و خداوند تو را از (خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار) مردمان محفوظ می دارد (زیرا سنت خدا بر این جاری است که باطل بر حق پیروز نمی شود. و) خداوند گروه کافران (و مشرکانی را که درصدد اذیت و آزار تو برمی آیند و می خواهند برابر خواست آنان دین خدا را تبلیغ کنی ، موفق نمی گردانند و به راه راست ایشان) را هدایت نمی نماید.

در آیه مبارکه آغاز آن خطاب به پیامبر ﷺ می باشد و این خطاب نیز به وصف است (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) از جهت بزرگی و علو، مقام پیامبر نزد الله متعال می باشد در حال که سایر پیامبران را به اسم ندا می نماید صرف نظر از صفت های که دارند و اما رسول الله ﷺ راهیچ گاهی به اسم خطاب ننموده، بلکه ندای حق برای رسول الله شخصا با اوصاف های: «یا ایها الرسول» او «یا ایها النبی» می باشد. گویا ای محمد تمام مسائل رسالت جمع شده است در وجود تو چون تو ای محمد صاحب دین می باشی

1 ایسر التفاسیر- اسعد حومد ج 1 ص 280

2 سوره مائده آیه 67

که زود است به اتمام برسد وبعد ازین دیگر رسالت در روی زمین نباشد و نیاید¹ ویژگی های رسول الله ﷺ عظمت، بزرگی و جایگاه او را برای ما در نزد پروردگار واضح و آشکار می سازد، جایگاه رسول الله ﷺ در نزد پیروندگان چون آفتاب روشن است با خوانش ویژگی های او برای هر عاقلی روشن ترمی شود. اما با وصف این همه بزرگی و عظمت نیاز است از مجرای علمی در قسمت روشنائی انداخته شود همه تا حدود که ثابت است از آم پافراتر نگذارند و نیز بحد کوچک حساب ننمایند که عالم خود را بالاتر از پیامبر بدانند، الله متعال از شفاعت کبری محروم مان نسازد و چه سعادت است که شفاعت پیامبر نصیب مان گردد. در آیات بعدی الله متعال صفت دیگری را به مخاطب قرار دادن، پیامبر استفاده می نماید: که آن همانا "نبی" می باشد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾² ترجمه: ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و اندازکننده الله متعال فرستاده است ترا شاهد بر آنان که برای شان فرستاده شده ای؛ مواظب احوال و حال شان باش و ببین اعمال شانرا و گواه می باشی برای شان: در روز قیامه والله متعال فرستاده است ترا بشارت دهنده در جنت در صورت که ترا تصدیق نمایند و عامل باشند به آنچه برای شان آورده ای و ترس دهنده "بعذاب" آتش اگر تکذیب کردند و مخالفت نمودند "در صورت که آنچه دستور شان داده ای ونهی نموده ای" ³ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾⁴ ترجمه: ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است (فقط بر آنها تکیه کن) ندای (یاایها النبی) در حوادث و قضایای مبارزاتی و حوادث دیگری از همین قبیل (کشمکش) نزاع می آید؛ در ابلاغ رساندن پیام آسمانی "ندای ﴿یاایها الرسول﴾ ذکر رفته است بخاطر که امر اگر متعلق به تشریع باشد مناسب همین است که الله متعال ﴿یاایها الرسول﴾ خطاب نماید برای اینکه پیامبر آمده، برای تبلیغ و منهجی خاصی از جانب الله متعال طبق همین منهج مردم را رهنمای می نمایند مثل یک منهج سلوکی⁵ در آیه مابعد آیه مذکور دوباره ندا می دهد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾⁶ ترجمه: ای پیغمبر مؤمنان را به جنگ (با دشمن برای اعلاء فرمان خدا) برانگیز، هرگاه بیست نفر شکیبیا (و ورزیده و قوی الایمان) از شما باشند بر دویست نفر غلبه می کنند، و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران غلبه می کنند، به خاطر این که کافران گروهی هستند که نمی

1 تفسیر شعراوی ج 6 ص 3286

2 سوره احزاب آیه 45

3 ایسر التفاسیر اسعد حومد ص 3459

4 سوره انفال آیه 64

5 تفسیر شعراوی ج 8 ص 4789

6 سوره انفال آیه 65

فهمند (برای چه چیزی و چه کسی می جنگند ، و اگر کشته شدند سرنوشت خانواده و سرانجام خودشان چه خواهد بود ، و لذا این تاریکی راه و ناآگاهی از هدف و ندانستن نتیجه دنیوی و اخروی مبارزه، تاب و توانی برای آنان باقی نمی گذارد.

حَرَضُ: برانگیز، تشویق و تحریک کن « بِأَنَّهُمْ »: به سبب این که ایشان 1 طور که قبلاً یاد آور شدم در قضایا و حوادث الله متعال به ندای: "یا ایها النبی" رسول الله ﷺ را مخاطب قرار می دهد مثل مورد ذکر شده و موارد ازین قبیل که در قرآن کریم می آید: جنگ، اغتشاشات، حوادث دیگری؛ الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ 2 ترجمه: ای پیغمبر به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خداوند در دلهایتان خیر (همچون ایمان و اخلاص و صدق در اسلام آوردنتان) سراغ یابد (و بداند که دارای نیت پاک و راستینی هستید، در دنیا و آخرت) بهتر از آنچه از شما دریافت شده است به شما عطاء می کند و شما را می بخشد (و شرک و سیئات شما را نادیده می گیرد) و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

در سوره احزاب می رویم در شروع سوره آغاز سوره با ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ می باشد الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ 3 ترجمه: ای پیغمبر بترس از (عذاب و خشم) خدا و از کافران و منافقان اطاعت مکن بی گمان خداوند آگاه (از هر چیزی) دارای حکمت (در افعال و اقوال خود) است « اتَّقِ اللَّهَ » مراد مداومت بر تقوا و ترس از خدا است « لَا تُطِعْ »: مراد پذیرش سخنان کافران و منافقان، و قبول پیشنهادهای سازشکارانه ای است که از طرف ایشان مطرح می گردد 4 ندای برای رسول الله ﷺ می باشد منادی الله متعال و لقب شان رسول الله اسم شان محمد و احمد است انسان وقتی تولد می شود، از برای آن اسم می گذارند تا بر مسمای دلالت نماید و بشناسند و شناخت انسان می باشد به اسم، لقب و کنیه: اسم علمی که گذاشته می شود از برای مسمی که شناخته شود و صدا کرده شود کنیه: اسم که با اب و ام صادر شود اما اسم لقب مشعر به بلندی شخص می باشد فلان شاعر شاطر... از برای رسول الله ﷺ نیز اسم، لقب، کنیه، می باشد

1 تفسیر نور: نشر احسان، چاپ اسوه دوره یازدهم ص 349- استاد مصطفی خرم دل در روستای مهاباد کوردستان ایران در سال 1315 ه ش متولد شد، اوتا مستوای دکترا در بخش زبان ادبیات عربی دانشگاه تهران تحصیل کرده بود و متصدی استادی در بخش الهیات دانشگاه کردستان بود از آثار های بجامانده و در سال 1399 روز عید رمضان در گذشت گرانبها ترین اثر او تفسیر نور است

2 سوره انفال آیه 70

3 سوره احزاب آیه 1

4 تفسیر نور ص 876

چنانچه در قرآن کریم در چهار جای آمده است ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ...﴾ ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ ...﴾ ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَرِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ...﴾ ﴿وَأَمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ...﴾¹ اما کنیه پیامبر ابو القاسم می باشد. ولقب شان "رسول الله" ﷺ اسم، لقب وکنیه را رسول الله ﷺ چنین تکمیل نمودند، با سه موارد که ذکر رفت در اوضاع زندگی پیامبر مهم بود آنچه مهم است در بحث ما لقب است، لقب رسول الله ﷺ را برای شان پروردگار انتخاب نموده است و این مشعر بجایگاه بلند پیامبر می باشد جایگاه بلندی که نه در نزد مردم بل در نزد خالق مردم می باشد و این دو لقب "رسول" "نبی" را الله متعال زمانی به پیامبر می دهد که سفیر از جانب الله متعال در بین مردم از جانب او انتخاب می شود، اگر لقبی از جانب مردم داده شود چقدر خوشحال خواهی شد اما این از سوی پروردگار داده شده است او مکرم محترم است در نزد مردم و پروردگار و اگر مقایسه هم شود بقدر اندازه معرفت شخص می شود 2. ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ...﴾ 3 پس بهترین ندا برای رسول الله ﷺ نداء به: اسم "محمد، احمد" کنیه "بو القاسم" و لقب "رسول الله" "نبی الله" می باشد. الله متعال هرگاهی ندا نموده است هیچ گاه اسم او را نبرده بلکه به اوصاف رسول ونبی ندا نموده است برای ما نیز زیبنده است تا ازین سنت الهی متابعت نموده، نشان دهیم پیامبر؛ منزلت بلندی دارند هرگاه ندای نمودیم ویدی نمودیم به لقب های: رسول، نبی، یاد نماییم و در آیه مبارکه دیگری سوره احزاب مکررا الله متعال پیامبر خویش را به ندای ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ مخاطب قرار می دهد و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَّ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾ 4 ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیاوید با هدیه ای شما را بهره مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم

حالا می آییم به ذکر آیات دیگر؛ که الله متعال برای انبیای گذشته و یاد آنها در قرآن کریم داشته است الله متعال در ذکر یاد آدم علیهم السلام می فرماید: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ 5 ترجمه: و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای فراوان و گوارای) آن، هرچه و هر کجا که می خواهید، خوش و آسوده بخورید ولیکن نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید. چه (اگر چنین کنید) از ستمگران خواهید بود. در ذکر یاد نوح علیه السلام می فرماید: ﴿قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا

1 سوره آل عمران آیه 144 سوره احزاب آیه 40 سوره فتح آیه 29 سوره محمد آیه 2

2 تفسیر شعراوی ج 19 ص 11883 الی 11886

3 سوره انعام آیه 124

4 سوره احزاب آیه 28

5 سوره بقره آیه 35

وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿1﴾ ترجمه: (پس از آن که طوفان همه جا را ویران کرد، به زبان وحی به نوح گفته شد: ای نوح، از کشتی پیاده شو (و بدان که تو و همراهانت) از امنیت ما برخوردارید و (از قحطیها و بیماریها و سایر بلاها) سالم و برکنارید و (درهای) برکات خدا به روی تو و گروههای همراهت (گشوده) است (و نگران نباشید که محیط سالم و پربرکتی خواهید داشت و بعدها) ملتها و گروههای دیگری (از نسل شما پدید می آیند که آنان را از نعمتها و خوشیها برخوردار می کنیم) (ولی ایشان در غرور و غفلت فرو می روند و) آن گاه عذاب دردناکی از سوی ما بدانان می رسد

در ذکر یاد موسی علیه السلام الله متعال می فرماید: ﴿قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ﴾ 2 ترجمه: خدا گفت: ای موسی من تو را با رسالتهای خویش و با سخن گفتنم (با تو از فراسوی حجاب و بدون واسطه) بر مردمان (هم عصی که مأموریت تبلیغ احکام آسمانی بدانان داری) برگزیدم، پس آنچه به تو داده ام (یعنی توراتی را که به دست تو سپرده ام محکم) بگیر و از زمره شکرگزاران (نعمت یزدان) باش
برای ابراهیم علیه السلام می فرماید: ﴿يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاء أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ﴾ 3 ترجمه: (فرشتگان به او گفتند) ای ابراهیم از این (جدال و درخواست رحمت برای قوم لوط) دست بکش. فرمان پروردگارت (درباره هلاک ایشان) شرف صدور یافته است و به طور قطع عذاب بدیشان می رسد و (با جدال و التماس تو) برگشت ندارد

در ذکر یاد عیسی علیه السلام می فرماید: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جُنَّتْهُمْ بِالْبَيْنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ 4 ترجمه: در آن هنگام خداوند (از میان پیغمبران خطاب به عیسی می گوید) ای عیسی پسر مریم! به یاد آور نعمت مرا که بر تو و مادرت ارزانی داشتم؛ بدان گاه که توسط جبرئیل (پیام آسمانی را به تو رساندم و) تو را نیرو بخشیدم و یاری دادم (و بر اثر تأیید آسمانی به عنوان کودک) میان گهواره با مردم سخن می گفتی و در (سن پختگی و) میانه سالی (به عنوان پیغمبر با ایشان صحبت می نمودی. و به یاد بیاور) آن گاه را که نوشتن و دانش سودمند و تورات و انجیل را (بدون

1 سوره هود آیه 48

2 سوره اعراف آیه 144

3 سوره ابراهیم آیه 76

4 سوره مائده آیه 110

آموزگار) به تو آموختم و (به یاد بیاور) آن گاه را که (از توان بشر فراتر می رفتی) و به دستور من چیزی از گِل به شکل پرنده می ساختی و بدان می میدی و به فرمان من پرنده ای (زنده) می شد، و کورمادرزاد و مبتلای به بیماری پیسی را به فرمان و قدرت من شفا می دادی، و (به یاد بیاور) آن گاه را که مردگان را به فرمان من (زنده می کردی و از گورها) بیرون می آوردی و (به یاد بیاور) آن گاه را که شرّ بنی اسرائیل را از سر تو کوتاه کردم در آن موقع که دلائل و معجزات بدانان می نمودی و کافران ایشان می گفتند: اینها جز جادوی آشکار، چیز دیگری نمی تواند باشد. همچنان در هر جایکه نام پیامبر ﷺ را الله متعال ذکر می نماید: قرین "یکجا" با رسالت است و این خود نیز بخشی ازین ویژگی مهم پیامبر می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾¹ ترجمه: محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته اند؛ آیا اگر او (در جنگ) اُحد کشته می شد، یا مثل هر انسان دیگری وقتی (بمیرد یا کشته شود، آیا چرخ می زنید و به عقب برمی گردید) و با مرگ او اسلام را رها می سازید و به کفر و بت پرستی بازگشت می کنید؟! و هرکس به عقب بازگردد (و ایمان را رها کرده و کفر را برگزیند) هرگز کوچکترین زبانی به خدا نمی رساند، (بلکه به خود ضرر می زند) و خدا به سپاسگزاران پاداش خواهد داد در جای دیگر از قرآن کریم الله متعال مهربانی می فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً﴾² ترجمه: محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند ایشان را در حال رکوع و سجود می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است. این توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه های (خوشه های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، بگونه ای که برزگران را به شگفت می آورد. (مؤمنان نیز همین گونه اند. آنی از حرکت باز نمی ایستند، و همواره جوانه می زنند، و جوانه ها پرورش می یابند و بارور می شوند، و باغبانان بشریت را بشگفت می آورند. این پیشرفت و قوت و قدرت را خدا نصیب

1 سوره آل عمران آیه 144

2 سوره فتح آیه 29

مؤمنان می کند) تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند . خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می دهد

و نیز الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾¹ ترجمه : و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک و شایسته بکنند ، و چیزی را باور دارند که بر محمد نازل شده است - و آن هم حق است و از سوی پروردگارشان آمده است - خداوند گناهانشان را می بخشاید و بدیهایشان را نادیده می گیرد ، و حال و وضعشان را خوب می سازد.

اما زمانی که الله متعال پیامبر را با ابراهیم؛ یکجای ذکر می نماید ابراهیم علیه السلام را با اسم و پیامبر ﷺ را با لقب " نبی " الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾² ترجمه: سزاوارترین مردم (برای انتساب) به ابراهیم (و دین او) کسانی هستند که (در زمان ابراهیم دعوت او را اجابت کردند و) از او پیروی نمودند و نیز این پیغمبر (محمد) و کسانی اند که (با او) ایمان آورده اند (زیرا محمد و یارانش اهل توحید خالصند که دین ابراهیم است) و خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است

8- نهی از صدا به اسم 3

مورد دیگری از ویژگی های رسول الله ﷺ زیر بحث می گیریم، آن ویژگی نهی از صدا نمودن، رسول الله به اسم شان هست، خود فکر نمای از فوق آسمان ها وحی می آید که مردم رسول الله را مثل آدم های هم سان بین خویش فکر ننمایند او جایگاه بلند نزد پروردگار خود دارد و شما نیز این جاگاه منزلت را محترم بشمارید و چنین سبک و عادی نام او را نبرید.

الله متعال بندگان خویش را ادب تعلیم داده است تا در برابر رسول الله ﷺ و غیر رسول الله ﷺ تفاوت قائل شوند در صدا زدن ها و مخاطب قرار دادن ها؛ خاطر که تشریف، و تعظیم پیامبر دارد بجا آورده شود، این ویژگی بسا مهم است در قسمت برجسته سازی جایگاه، بزرگی پیامبر ﷺ بندگان خویش را مخاطب قرار می دهد و دستور می فرماید مواظب نحوه تعامل اجتماعی باشند، الله متعال امر می نماید که اینکه مخاطب قرار ندهند به اسم (یا محمد...) را بل به لقب که از فوق آسمانها برای پیامبر اعطا شده مخاطب قرار گرفته، ندا کرده شود این بزرگی و شرف رسول الله را نشان می دهد بر عکس سایر انبیاء که امت های شان به اسم ، یاد شان می نمودند و هیچ مورد نهی هم از

1 سوره محمد آیه 2

2 سوره آل عمران آیه 68

3 الوفا باحوال المصطفی ج 2 ص 7 و 8 / الخصائص الكبرى ج 2 ص 324 خصائص الرسول ﷺ ص 32

جانب الله متعال قرار نگرفتند. الله متعال در قرآن کریم می فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» 1 ترجمه: ای مؤمنان! دعوت پیغمبر را در میان خویش (برای اجتماع و شرکت در کارهای مهم) همسان دعوت برخی از برخی از خود بشمار نیاورید (چرا که فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است) خداوند آگاه از کسانی است که در میان شما خویشتن را می دزدند و پشت سر دیگران خود را پنهان می دارند (تا پیغمبر آنان را نبیند و از انصراف و گریز ایشان نپرسد و کاری بدانان حواله نکند) آنان که با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیانی که می ورزند) گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی)

دُعَاءَ: دعوت، فراخواندن برای کار مهمی «يَتَسَلَّلُونَ» خود را می دزدند. خویشتن را کنار می کشند و پشت دیوار و پشت سر مردم خویش را پنهان می سازند. آهسته و پنهانی راه خود را در پیش می گیرند «لِوَاذًا» پناه بردن. یکی در پشت دیگری خویشتن را قائم کردن مصدر باب مفاعله است و حال بوده و به معنی (مُلاوِذِينَ) است 2 آیه مذکور را دو تفسیر علما نموده اند.

اولا کلمه دعا: بمعنی صدا نمودن و یا مخاطب قرار دادن، در هنگام توجه، و یا خواست و طلب، یا سوالی از رسول الله ﷺ می باشد یعنی صدا می زنید رسول الله ﷺ را زیرا در صدا زدن رسول الله آدابی است، واجب می باشد رعایت نمودن آن رسول الله همسان یکی از شما نمی باشد که او را صدا نمائید. قرآن کریم عیب می گیرد برای جماعت که آداب صدا زدن را با پیامبر مراعات نمی نمایند 3

الله متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» 4 ترجمه: بی گمان کسانی که تو را از بیرون اطاقها فریاد می زنند، اغلب ایشان نمی فهمند (که تو چه مقام والائی در پیش خدا داری و باید با تو محترمانه رفتار کنند)

جایگاه و عظمت بزرگی ازین بالاتر نمی باشد، حتی الله متعال بندگان خویش را ادب می آموزاند تا چگونه در نشست برخاست خویش با پیامبر ادب های مجلس و برخورد را مراعات نمایند حتی یا محمد گفتن را بی ادبی می پندارد اگر رسول الله هم می گفتند بی ادبی حساب می رفت زیرا مناسب نیست که به عجله و شتاب زده پیامبر را بخواهند و لازم می باشد تا این که پیامبر را بحال خویش

1 سوره نور آیه 63

2 تفسیر نور ص 745

3 تفسیر شعرای ج 17 ص 10334

4 آیه 4 سوره حجرات

واگذارند اگر فرصت فراغت یافت برای ملاقات حتما پیامبر بیرون می شود به طرف شان، در این هنگام از دو جهت بی ادبی نمودند در برابر پیامبر (یکی ندای یا محمد و دیگری شتابزده) 1 انسان کوچک ترین تامل در باب آیات قرآنی داشته باشد در می یابد جایگاه پیامبر نزد الله متعال چقدر بزرگ، و عظیم می باشد. الله متعال بندگان را حتی تادیب می نماید که چگونه ملاقات داشته باشند و بارسول الله ﷺ چگونه در اجتماع تعامل نمایند. الله متعال وقتی از سایر پیامبران در قرآن کریم یاد می کند با اسامی مبارک شان یاد می نماید، اما از رسول الله ﷺ را به لقب (رسول و نبی) یاد می نماید. مناسب نیست که پیامبر به اسم صدا کرده شود. زیرا آنچه جامع، کامل می باشد بین امت و رسول الله ﷺ این است که او محمد نیست بلکه رسول الله ﷺ می باشد برای ما نیز لازم می باشد پابندی به این وصف و صدا و ندا نمایم به ندای که الله متعال ندا نموده است پروردگار او را از برادران نبی اش در قرآن کریم با وصف لقب های یاد شده تمیز داده پس برای ما صواب نیز همین است که چنین تابع باشیم الله متعال حتی پیامبران اولوالعزم را نیز با اسم شان یاد نموده است 2 که می فرماید: ﴿يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ (یَانُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا) ﴿يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّيَا﴾ ﴿يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ﴾ ﴿يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ﴾ (یَادَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ) 3 در اینجا تنها بشکل استشهاد به ذکر هر موارد یکی یکی اکتفا شده، ورنه کسی با قرآن سر و کار دارد می داند در قرآن کریم در همه جاها از انبیای اولوالعزم و غیر او به اسم شان ذکر و یاد آوری شده است نه با لقب!

دوم کلمه دعا در آیه مبارکه: بمعنی خواستن از الله متعال می باشد بنا بر این تفسیر آیه ﴿لَا تَجْعَلُو..﴾ چنین می شود (شما گمان نبرید خواست کوچک و بزرگ خویش را که باری رد میشود و باری مستجاب ولی از پیامبر چنین نیست از او همه اش مستجاب می شود و هیچ ردی در دعای رسول الله ﷺ وجود ندارد) 4 ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر آیه مبارکه می فرماید: بودند منافقین می گفتند یا محمد یا ابو القاسم پس الله متعال نهی شان نمود ازین نداها و نحو تعامل؛ بخاطر تعظیم پیامبر خویش پس فرمود که بگویید: "يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا نَبِيَّ اللَّهِ." همچنان مجاهد و سعید ابن جبیر چنین بیان داشته اند 5 مقاتل رحمه الله در مورد ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ می فرماید: ﴿لَا تَسْمُوهُ إِذَا دَعَوْتُمُوهُ: يَا مُحَمَّدُ، وَلَا تَقُولُوا يَا بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، وَلَكِنْ شَرِّفُوهُ فَقُولُوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ﴾ 6

1 شعراوی ج 17 ص 10334

2 شعراوی ج 17 ص 10344

3 سوره بقره آیه 35 سوره هود 48 سوره صافات آیه های 104 و 105 سوره قصص آیه 30 سوره مائده آیه 116 سوره ص آیه 26

4 تفسیر بغوی ج 6 ص 189

5 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 8 ص 88

6 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 8 ص 89

ترجمه: وقتی رسول الله را کار دارید به اسم نخواهید (صدا نزنید) نگویید ای محمد ای ابن عبد الله، لکن تکریم وقار نمایید بگویید ای فرستاده الله ونبی الله .

قتاده رحمه الله می فرماید: "أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُهَابَ نَبِيُّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَنْ يُجَلَّ وَأَنْ يُعْظَمَ وَأَنْ يُسَوَّدَ"

1 برای ما لازم و ضروری می باشد تا قلب های خویش را مالا مال از محبت، توقیر و تعظیم رسول الله ﷺ نماییم و همیشه در هر وقت و مکانی که نام نامی آن پیامبر بزرگ و با عظمت برده می شود به احترام خاصی طور که الله متعال برای ما آموختاند، نام ببریم و این تعلیم از مربیان خوب و دلسوز در جامعه بر می آید. مربیان که محبت پیامبر را در دل داشته باشند و برای پیامبر خویش محبت بورزند، تمام موارد که در باره پیامبر صحیح و درست می باشد به نسل های جامعه مسلمان برسانند یقیناً از آن اجتماع محل چون مدینه ساخته می شود. یاد آور شوم، که امت های سابقه پیامبران خویش را با اسم ندا نمودند ولی هیچ منعی از جانب الله متعال صورت نپذیرفته است در قرآن کریم جاهای زیادی و سوره های زیادی که ذکر امم سابقه و حکایت حال آن ها، ترمذ شان در برابر پیامبران ذکر بمیان می آید الله متعال بیان می دارد که آنها این چنین پیامبران خویش را ندا می نمودند و خواسته های داشتند. در گذشته مواردی بیان شد، الله متعال خود پیامبران را به اسم شان ندا نموده است. موارد آتی امت های پیامبران است که آنها را ندا می نمایند و منعی هم صورت نگرفته است الله متعال فرماید:

﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾² ترجمه: هر زمان که عذابی (از عذابهای پنجگانه مذکور) بر آنان واقع می شد (از شدت تأثیر و فزونی تألم آن) می گفتند: ای موسی، برای ما خدای خود را به فریاد خوان و از او درخواست کن که به عهدهی که با تو بسته است وفا کند (که عهد نبوت و رسالت است) اگر عذاب را از ما برداری، سوگند می خوریم که به تو ایمان بیاوریم و (همان گونه که خواسته ای) بنی اسرائیل را همراه تو می فرستیم (و آنان را آزاد می سازیم تا به یگانه پرستی مشغول شوند).

جای دیگر چنین بیان می دارد: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾³ ترجمه: بنی اسرائیل را (از دست فرعون و فرعونیان نجات دادیم و سالم) از دریا (ی قلزم نزد خلیج سویس) گذراندیم (در مسیر خود) به گروهی رسیدند که بتهایی داشتند و مشغول پرستش آنها بودند. (در این هنگام بنی اسرائیل به موسی) گفتند: ای موسی برای ما معبودی بساز (تا به پرستش آن بپردازیم) همان گونه که آنان دارای معبودهایی هستند (و به پرستش آنها مشغول می باشند! موسی) گفت: شما گروه نادانی هستید

1 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 8 ص 88

2 سوره اعراف آیه 134

3 سوره اعراف آیه 138

(و نمی دانید عبادت راستین چیست و خدائی که باید پرستیده شود کیست) و همچنان می فرماید: ﴿إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مِّنْهُ مُؤْمِنِينَ﴾ 1 ترجمه: و (خاطر نشان ساز) آن گاه را که حواریون (به عیسی) گفتند: ای عیسی پسر مریم آیا پروردگار تو می تواند سفره ای از آسمان برای ما فرو فرستد (و با پذیرش این درخواست تو ، بر ما منت نهد ؟ عیسی بدیشان) گفت : اگر مؤمن (به خدا) هستید از خدا بترسید (و مطیع اوامر و نواهی او باشید ، و درخواستهای نابجا و ناروا نکنید

9_ اعلان مغفرت " از گناهان گذشته آینده " در دنیا 2

ویژگی مورد مذاقه قرار می گیرد چون ویژگی های گذشته، هیچ احدی از بندگان الهی چنین ویژگی را دارا نمی باشند و آن اعلان: الله متعال ویا خبر دهی پروردگار از مغفرت شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد از گناهان گذشته و آینده بخاطر تکریم و تشریف شان، و او در حالی که حیات داشت و در بین مردم و در روی زمین راه می رفت همانند سایر هم نوعان اش از می خورد و می نوشید.... الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِّيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا﴾ 3 ترجمه: ما برای تو فتح آشکاری را فراهم ساخته ایم، هدف این بود که خداوند گناهان پیشین و پسین تو را ببخشد ، و نعمت خود را بر تو تمام نماید ، و به راه راست هدایت فرماید و پیروزی نادر و نایابی بهره تو گرداند. آیات مذکوره آیات آغازین سوره مبارکه فتح می باشد سوره فتح مدنی و در حادثه تاریخی خا صی نازل شده است که کمی، اشاره می داشته باشیم. چه باعث و سبب بوده است چنین ویژگی برای رسول الله ﷺ داده می شود؟ گرچند ذکر تمام موارد آن از حیطه این بحث بالاست ولی کوتاه فشرده یاد آوری نکاتی بی فایده نیست. پیامبر ﷺ خواب دید که در عمره رفته بعضی حلق (سرخویش را ترا شیده از احرام خارج شدند) نمودند و بعضی هم نه، در امن امنیت داخل بیت الله گشتند، این تصمیم درذی القعدة سال ششم بعد از غزوه بنی مطلق و قضیه افک گرفته شد، و پیامبر آهنگ عزم مکه نمود از قبایل کنار مدینه نیز دعوت نمود. مهاجران و انصار بعد از شش سال شوقی عجیب داشتند در ذو الحلیفه احرام بستند برای اینکه بخصوص قریش بدانند عزم جنگ ندارند و در منطقه "عسفان"

1 سوره مائده آیه 112

2 الخصائص الكبرى ج 2 ص 336 الوفا باحوالمصطفى ج 2 ص 10

3 سوره فتح آیه 1 - 3

که پیامبر را یک‌هزار پنجصد نفر همراهی می نمود سلاحی جز یک شمشیر غلاف دیگری وجود نداشت خبر رسید قریش عزم جنگ دارد وقتی به حدیبیه رسیدند وچندی نوری از خزاغه آمدند تا هدف سفر را بدانند بعد از شنیدن سخن های پیامبر که تصمیم عزم عمره داشت مسئله صلح بمیان آمد ودر همین مکان صلح صورت پذیرفت 1 علمای زیادی در تفسیر آیه های مبارکه سوره فتح، تفسیر های داشته اند که در لابلای سطور آینده به مواردی پرداخته می شود واینکه همه متفق اند چنین ویژگی برای هیچ احدی جز پیامبر داده نشده است اشاره می گردد.

امام ابن کثیر در تفسیر آیه ﴿لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾ می گوید: این یکی از ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد، ویژگی که احدی از بشر در او مشارکت ندارند. در پیمانه اعمال از برای کسی مجاز نیست از برای او گناهان گذشته و آینده اش بخشیده شود در این بخشش تشریف، و تکریم بزرگی از برای رسول الله ﷺ می باشد و او صلوات الله وسلامه علیه در تمام بخش ها وجوانب حیات خویش بر بندگی نیکو کاری واستقامت بود که بشر همانند او را تا کنون تجربه ننموده است نه از اولین ونه از آخرین افراد بشر، او اکمل ترین فرد از افراد بشر بر قول اطلاق وپیشوا، رهبر شان می باشد. 2 آیات مذکوره اولین آیات سوره فتح می باشد واین آیات زمانی نازل می شود که رسول الله ﷺ در حدیبیه زمانی که محاصره شد وپیامبر در برابر خواست های مشرکین فروتنی وتواضع نشان داد. نه از برای ترس جبن، بلکه حکمت این صلح را الله وپیامبر می دانست والله متعال بعد از رجوع پیامبر این سوره را نازل فرمود واین صلح را فتح مبین نامید چنانچه ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید: (إِنَّكُمْ تَعُدُّونَ الْفَتْحَ فَتَحَ مَكَّةَ، وَنَحْنُ نَعُدُّ الْفَتْحَ صَلْحَ الْحُدَيْبِيَّةِ) 3 امام طبری می فرماید: این خبری از جانب الله متعال برای نبی اش صلی الله علیه وسلم می باشد بخاطر پاداشی است که برایشان اعطا شده است وخبری نعمت که انعام شده برای شان بر پیامبر است تا آنرا اظهار نماید آنچه را الله متعال فتح نموده است 4 امام عزالدین ابن عبد السلام رحمه الله در کتاب کوچک و در نمبر 4 متن خویش که در باب ویژگی های رسول الله ﷺ نوشته است می فرماید: از جمله ویژگی های رسول الله ﷺ این نیز می باشد که الله متعال او را خبر داده که بخشیده شده از برای او آنچه از گناهان گذشته وآینده ونقل نشده که الله متعال دیگر پیامبری را این چنین خبر داده باشد ظاهر مطلب چنین است که الله متعال انبیای گذشته علیهم السلام را خبر نداده است زیرا هریکی از ایشانرا وقتی طلب شفاعت کرده می شود در موقف یاد می نماید خطای که نموده ومی گوید نفسی نفسی 5 ویژگی

1 زندگی نامه پیامبر ﷺ ص 105 الی 108

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 7 ص 328

3 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 7 ص 328

4 تفسیر طبری ج 22 ص 197

5 بدایه السؤل فی تفضیل الرسول ﷺ ص 35

مهم و عظیمی می باشد اگر کوتاه نظری بیندازیم برای هر فردی از انبیاء علیهم السلام ویژگی به این بزرگی می بود قابل فخر و بحث بود. چند حدیث در رابطه نیز بیان می گردد.

حدیث اول: از عائشه رضی الله عنها روایت که پیامبر ﷺ بود بر پا می داشت از شب حتی اینکه پاهایش آماس می کرد عائشه میگوید یارسول الله چنین مکن ، الله متعال گناهان گذشته و آینده شمارا بخشیده است. پیامبر میگوید: (فَلَا أُحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا؟) «فَلَمَّا كَثُرَ لَحْمُهُ صَلَّى جَالِسًا، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ قَامَ فَقَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ» 1 آیا دوست نداشته باشم که بنده شاکر و سپاسگزار باشم ؟ هنگام که وزن بدن شان زیاد شد: نماز های خویش را نشسته ادا می نمودند هنگام میخواست بر خیزد استاد شده و قرائت مینمود و بعد رکوع می کرد.

حدیث دوم: حدیثی طولانی از پیامبر ﷺ می باشد که در باب شفاعت روایت شده است قسمت اخیر آنرا در اینجا ذکر می نمایم «... فَيَأْتُونَ عِيسَى فَيَقُولُ ... اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي اذْهَبُوا إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ ، فَيَأْتُونَ مُحَمَّدًا ﷺ فَيَقُولُونَ: يَا مُحَمَّدُ، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ 2 نزد عیسی علیه السلام می آیند و عیسی میگوید به نزد محمد بروید، آنگاه مردم به پیش محمد ص می آیند، می گویند: ای محمد! تو فرستاده ی خدا و خاتم پیامبران هستی و خداوند گناه اول و آخر تو را بخشیده است.

حدیث سوم: رسول الله ﷺ می فرماید: (فَضَلْتُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ بَسْتُ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ كَانَ قَبْلِي: غُفِرَ لِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ وَأَحَلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَجَعَلَتْ أُمَّتِي خَيْرَ الْأُمَمِ وَجَعَلَتْ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا وَأَعْطَيْتِ الْكُوْثَرَ وَنَصَرْتِ بِالرَّعْبِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ صَاحِبَكُمْ لَصَاحِبُ لَوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَهُ أَدَمُ فَمَنْ دُونَهُ 3) ترجمه: بر شش مورد به انبیا فضیلت داده شده ام که انبیای قبل از من را داده نشده است 1- گناهان "خطاها" گذشته و آینده من بخشیده شده است 2- غنیمت برایم حلال گردید 3- و اتمم برترین امت ها گردانیده شد 4- گردانیده شد زمین محل ادای نماز 5 داده شد برای من کوثر (خیر کثیر) 6 نصرت داده شدم به ترس برای دشمن، قسم بذات پروردگار که نفس من در ید بلا کیف اوست به تحقیق پیامبرتان، صاحب لوائ حمد در روز قیامت است در زیر آن لوا آدم و سایرین می باشند.

1 مختصر صحیح البخاری ج 3 ص 273

2 مختصر صحیح البخاری ج 3 ص 213

3 مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (متوفى: 807هـ) محقق: حسام الدين القدسي، نشر: مكتبة القدسي، القاهرة سال نشر عام 1414 هـ، عدد الأجزاء: 10 به روایت بزار اسناد اش جید است ج 8 ص 269 باب فيما خص به عما تقدمه ﷺ

10_ محفوظ بودن از مردم 1

ویژگی دیگری که مورد بحث و بررسی است ویژگی محفوظ بودن پیامبر از مردم است. الله متعال برای پیامبر ﷺ در قسمت اینکه ضرری از سوی دشمنان اش در قسمت حذف فزیکه پیامبر نمی رسد و فرصتی چنین کاری را نخواهند یافت در قرآن کریم برای پیامبر بیان می نماید. او حتی اصحاب که در غیاب رسول الله ﷺ مسئولیت گرفتند از او حفاظت نمایند نیز رخصت می نماید و مانع پهره داری می شود الله رب العالمین تضمین می نماید او در حیطة وعصمت پروردگار می باشد الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ 2 ترجمه: ای فرستاده (خدا ، محمد مصطفی) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی ، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن) و اگر چنین نکنی رسالت خدا را (به مردم) نرسانده ای (و ایشان را بدان فرا خوانده ای . چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است ، و کتمان جزء از جانب تو ، کتمان کل بشمار است) و خداوند تو را از (خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار) مردمان محفوظ می دارد (زیرا سنت خدا بر این جاری است که باطل بر حق پیروز نمی شود و) خداوند گروه کافران (و مشرکانی را که درصدد اذیت و آزار تو برمی آیند و می خواهند برابر خواست آنان دین خدا را تبلیغ کنی ، موفق نمی گرداند و به راه راست ایشان) را هدایت نمی نماید این ویژگی دیگری برای پیامبر است. خالق کائنات وعده حفظ نمودن را برای او داده است و چنین ندای به پیامبر می دهد واقعا این پیامبر بزرگ و عظیم می باشد. آیه مذکور سه موضوع را در بر گرفته: تبلیغ رسالت، عصمت پیامبر وسوم عدم هدایت کافران؛ بخش اول آیه موضوع تبلیغ و رساندن پیام آسمانی است. از ماقبل ومابعد آیه فهمیده می شود و از محتوای آیه که باید رسانده (وحی تبلیغ) شود. مخاطب پیامبر در اینجا مشرکین عرب نیست ، بلکه اهل کتابی می باشد که آنها با دعوای های کلان، بزرگ خویش دین الله را تحریف؛ مورد دست برد قرار داده اند. الله متعال خطاب به رسول الله می نماید سخن و قول حق را برای این مردم برسان اگر نرساندی و برنخواستی به این امر که شده ای؛ پس تو انجام داده نتوانستی در(امر تبلیغ ضعیف بوده ای) اما ای رسول الله ﷺ در امر رساندن پیام ازین مردم ترسو، جبون و محرف که بتو برسند نترس تو در پناه و حفظ پروردگاری، او حفظ می دارد شما را از آنها وتاییدت می نماید در نصرت خویش 3 این امر واضح روشن می باشد،

1 خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 52 / خصائص الكبرى ج 1 ص 210 و 218 / الشفا بتعريف حقوق المصطفی

ج 1 ص 346 / زاد المعاد فی هدی خیر المعاد ج 1 ص 123

2 سوره مائده آیه 67

3 خصائص الرسول ﷺ ص 59

پیامبر رسالت خویش را برساند در حفظ عصمت پروردگار است در غیر آن خداوند وعده خویش را باز می گیرد و این نیز واضح است مسئله رساندن پیام حق تزلزل را نمی خواهد بلکه استادگی، پای مردی جسارت و قاطعیت می خواهد. در پیام آسمانی پیام رسان حق است و او می داند کاری که انجام می دهد مورد تاییدی پروردگار می باشد قطعاً نیاز نمی داند خشم نماید و یا اینکه محافظه کاری که از درون آن بوی نفاق در مشام می آید نیز نمی خواهد بلکه رساندن پیام و آگاهی دهی اینکه جانب مقابل در خطا و اشتباه می باشد را می خواهد.

و ما می دانیم دعوت رسول الله ﷺ ادوار مختلف و مراحل؛ متعددی داشته است زمانی سری بوده و زمانی هم جهری، متفاوت تری و زمانی علنی مهاجم بوده است در اینجا مخاطب پیامبر مشرکین عرب و یا دوره مکی نیست که بگوید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾¹ ترجمه: بگو: ای کافران! آنچه را که شما (بجز خدا) می پرستید، من نمی پرستم

رسول الله ﷺ درست، مدت مدیدی را که در مدینه زندگی می نمودند با وجود قوت کلام در امر دعوت، حکمت، رعایت موعظه حسنه اما در اینجا خطاب قرار گرفتند که این مردم: " اهل کتاب " را باید تفهیم نماید طبیعی چنین پیامی دشمنی های سر سختی را بدنبال دارد و این مردم قطعاً از سخن حق که رسول الله ﷺ برای شان می رساند به غیرت های حموی می آیند چون نبض جامعه، و پیام چنین مسئله را پیش بین بود چون برای این اهل کتاب باید رسانده می شد آنچه ادعا دارند و تظاهر به دین داری می کنند نیستند، هم در هیچ حدی نمی باشند برای اینکه آنچه در داخل تورات، انجیل و زبور می بود بر پا نداشتند و عملی ننمودند. برای همین اینها هیچ چیزی نیستند نه در عقیده، نه در ایمان، نه در یهودیت، یعنی در هیچ شی این مدعیان اهل کتاب پابند نمی باشند، همین موضوع می باشد در آیه بعدی آیه مذکور الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾² ترجمه: ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی) بگو: ای اهل کتاب، شما بر هیچ (دین صحیحی از ادیان آسمانی پایبند) نخواهید بود، مگر آن که (ادعا را کنار بگذارید و عملاً احکام) تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگارتان (به نام قرآن) برایتان نازل شده است برپا دارید (و در زندگی پیاده و اجرا نمائید) ولی (ای پیغمبر بدان که) آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده است، بر عصیان و طغیان و کفر و ظلم بسیاری از آنان می افزاید (و این

1 سوره کافرون آیه 1 - 2

2 سوره مانده آیه 68

قرآن به خاطر روح لجاجت کافران در آنان تأثیر معکوس می نماید !) . بنابراین (آسوده خاطر باش و) بر گروه کافران غمگین مباش.

« لَسْتُمْ عَلَيَّ شَيْءٍ » شما پایبند چیزی نیستید. شما دارای عقیده و ایمانی نیستید. « فَلَا تَأْسَ » : بر عدم ایمان کافران غم مخور¹ رسول الله ﷺ مکلف می شود، به این مردمی که با هیچ چیزی اعتنای ندارند و سر سازگاری نشان ندادند. با وصف که دعوت پیامبر ﷺ و حقانیت او را در درون خود پی برده بودند ولی هیچ گاهی دست به اعتراف نزدند الا ماشاء الله برای خویش تن، صفت یهودیت، نصرانیت، ایمان عقیده، و موارد از قبیل ابناء الله احبائه نیز رو کش داده بودند، از هیمن آتش خورصا حب مادیات زیادی نیز بودند و هیچ گاهی برای دین بعنوان منهج حیاتی قائل نبودند بلکه دین رامیرا ثی، و به خواندن نوشتن، منبع حیات دنیوی و افتخارات بی جا تصویری کردند. پیامبر مکلف شد در پیام آیه شصت و هفت سوره مائده، قبل ذکر نمودیم با اهل کتاب مواجه شود، حفظ آن بدوش پرور دگار می باشد لازم می باشد نکته دیگری نیز اشاره شود، یکی از اقوام که بیشترین انبیا را به قتل رسانیده اهل کتاب بوده است و بیشترین انبیا برای شان فرستاده شده به سبب بیشترین تمرد شان! و این امر باعث عدم رساندن پیام رسالت نمی شود زیرا از رساندن پیام حق جمعی گمراه می شوند و جمع هلاک و جمع هم زندگی دوباره را آغاز می نمایند، چنانچه قسمت آیه مذکور می باشد « وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ » الله متعال برای داعیان دین این راه را ترسیم می نماید که سخن حق چنین دشمنان را دارند و نباید از آنچه از تشنج که از سوی گمراهان می آید مایوس شوند زیرا قلب های آن مردم توان حق را ندارند، جای برای خیر، صدق در قلبهای این مردم باقی نمانده است و این پیام برای داعیان امروزی نیز الگوی و خط مسیر می باشد. از عائشه رضی الله عنها روایت است که هرکسی اگر گفت رسول الله اگر چیزی از قرآن را نرسانده به تحقیق او دروغ گفته است بعد تلاوت نمود: (ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی ، به مردم) برسان² رسول الله ﷺ قبل از نزول این آیه حراست و محافظت بشری نیز می شد، چنانچه امام مسلم رحمه الله در صحیح خویش و نیز امام بخاری در صحیح خویش احادیثی را ذکر نمودند مشعر این مطلب می باشد از عائشه رضی الله عنها روایت است (أرق رسول الله ﷺ ذات ليلة فقال لیت رجلا صالحا من أصحابي يحرسني الليلة قالت وسمعنا صوت السلاح فقال رسول الله ﷺ من هذا قال سعد بن أبي وقاص يا رسول الله جئت أحرسك قالت عائشة فنام رسول الله ﷺ حتى سمعت غطيطة³ ترجمه :

1 تفسیر نور ص 213

2 صحیح بخاری ج 4 ص 1668

3 صحیح مسلم ج 4 ص 1875 باب فی فضل سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه

رسول الله ﷺ در یک شبی بیدار می ماند و می فرماید ای کاش مرد صالحی از اصحاب من می بود که پهره داری مینمود، عایشه رضی الله عنها می فرماید در همین هنگام صدای اسلحه واسپ را شنیدیم، رسول الله ﷺ فرمود کیست این فرد؟ سعد ابن ابی وقاص فرمود ای رسول خدا آدم تا از شما حراست نمایم عایشه می فرماید استراحت نمود رسول الله ﷺ حتی صدای خواب او را شنیدم.

در حدیثی دیگری که نیز از عائشه رضی الله عنها روایت شده واضح می شود که بعد از نزول آیه شصت و هفت سوره مائده پیامبر اصحاب خویش را پهره داری منع می نماید: (كان النبي ﷺ يحرس حتى نزلت هذه الآية (والله يعصمك من الناس) فأخرج رسول الله ﷺ رأسه من القبة فقال لهم يا أيها الناس انصرفوا فقد عصمني الله) 1 رسول الله ﷺ بود حفاظت می شد از (سوی یاران) خویش تا اینکه نازل شد آیه (والله يعصمك من الناس) پس آنحضرت ﷺ بیرون نمود سر مبارکه خویش را از خانه پس فرمود از برای شان ای مردم برگردید به تحقیق مرا الله متعال حراست می نماید.

11: کسی را برایش طلب غفران نماید، الله متعال او را می بخشد 2

ویژگی دیگری رسول الله ﷺ را مورد مذاقه قرار می دهیم. هریکی ازین ویژگی ها خواندنی است.

هرکسی که طغیان تمردی در برابر پیامبر نموده است آهنگی انتقامی از سوی پیامبر نمی شنود ، و در صورت پیامبر برایش طلب غفران از گذشته اش نماید، الله متعال این دعا و طلب را می پذیرد.

الله متعال در این راستا چنین می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ 3 ترجمه: و هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر بدین منظور که به فرمان خدا از او اطاعت شود (پس اطاعت از او ، اطاعت از خدا ، و سرکشی از دستور او ، سرکشی از دستور خدا بوده است) و اگر آنان بدان هنگام که (با نفاق و دروغگوئی و زیر پا گذاشتن فرمان خدا) به خود ستم می کردند ، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می کرد ، بیگمان خدا را بس توبه پذیر و مهربان می یافتند.

از سنت الهی در فرستادن پیامبران اینکه نفرستاده است الله متعال مگر اینکه پیروی نمایند به فرمان الله متعال، هرکسی که از فرمان پیامبران خارج شد، یا منصرف شد از حکم پیامبران، بیرون می گردد از حکم خدا و سنت رسول الله ﷺ و مرتکب می شود گناه بزرگی را، هنگام که این قوم سرکشی نمودند در حق خویش، و رو گردان شدند از فرمان فرستاده الله متعال و مائل شدند بسوی حکم

1 سنن ترمذی ج 5 ص 251 باب ومن سوره المائده امام البانی حدیث حسن است

2 خصائص الرسول ﷺ ص 67

3 سوره نساء آیه 64

طاغوت، آمد فرستاده خدا پس از متصل گناه، پس طلب آمرزش به سبب گناهان خویش از الله متعال نمودند، و بیان داشتند پشیمانی خویش را نسبت از خاطر سرکشی در برابر پیامبر تا اینکه اینها را ببخش و طلب غفران، بخشش بخواهد از الله متعال در حق آنها، اگر پیامبر در حق آنها طلب آمرزش بخواهد الله متعال توبه شانرا می پذیرد. 1 در آیه مبارکه الله متعال واضح می سازد که رسول مجرد یک واعظ نیست که چند کلمه را بیان میدارد و می رود این چنین نیست بلکه پیامبر حامی دارد و نماینده پروردگار می باشد در امر تبلیغ دین و دین یک منهج با تمام ابعاد اش می باشد منظم از عبادت، اخلاق، آداب اجتماع، تمام موارد تقاضا می کند از برای رسول سلطانی می باشد که منهج حیات زندگی را متحقق می سازد لذا باید پیامبران باذن پروردگار و در حدود شرع اطاعت شوند و اگر تمرد در بین می آید و توبه کنان نزد پیامبر می آیند، طلب بخشش می نمایند و پیامبر برای شان طلب آمرزش می نماید الله متعال این دعا را می پذیرد.

12_ رسول الله ﷺ دعای ابراهیم علیه السلام

ویژگی دیگری رسول الله ﷺ را خدمت شما خواننده محترم پیشکش می نمایم و آن همانا اجابت دعای ابراهیم علیه السلام برای رسول الله علیه الصلوه والسلام می باشد ویژگی دیگری از ویژگی های رسول الله ﷺ می باشد که ابراهیم در حق اش دعا نموده و از الله متعال در خواست نموده است. الله متعال تصویر فنی این دعا و نیایش را چنین به تصویر می کشد و می فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ 3 ترجمه : و (به یاد آورید) آن گاه را که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند (و در اثناي آن دست دعا به سوی خدا برداشته و می گفتند) ای پروردگار ما (این عمل را) از ما بپذیر، بی گمان تو شنوا و دانا (به گفتار و نیات ما) هستی ای پروردگار ما چنان کن که ما دو نفر مخلص و منقاد (فرمان) تو باشیم ، و از فرزندان ما ملت و جماعتی پدید آور که تسلیم (فرمان) تو باشند ، و طرز عبادات خویش را (در کعبه و اطراف آن) به ما نشان بده و (اگر نسیان و لغزشی از ما سر زد) بر ما ببخشی (و در توبه را بر رویمان باز گذار) بی گمان تو بس توبه پذیر و مهربانی. ای پروردگار ما در میان آنان

1 ایسرالتفاسیر - اسعد حومد ج 1 ص 219 و 220

2 خصائص الرسول ﷺ ص 69

3 سوره بقره آیه 127-129

(که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدیشان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید، بی گمان تو عزیزی و حکیمی (و بر هر چیزی توانا و پیروزی، و هر کاری را که می کنی بنابر مصلحتی و برابر حکمتی است)

ویژگی مهم رسول الله ﷺ می باشد دعای ابراهیم علیه السلام برای ما نیز پیام های دارد که لازم می بینم مقداری اشاراتی داشته باشم، داستان ابراهیم علیه السلام رشادت های او و مبارزات اش در طول حیات بشر همیش زبان زد عام. خاص بوده و الگوی خوبی برای هر مبارز بوده است " الله متعال برای رسول الله ﷺ اذعان می دارد: بیاد بیاور ای محمد زمانی را که ابراهیم و اسماعیل بلند نمودند اساس بیت الله الحرام را و هردو دعا می نمودند پرودگار خویش را اینکه بپذیرد عمل شانرا زیرا آن هردو پیامبر برخواسته بودند بعمل صالح، الله متعال می شنود دعا را و اوست که می داند نیات را و منبع شرف کعبه آن است که بنا شده بر اسم الله و بر عبادت الله در آن سرزمین، که بت پرستی طغیان نموده بود " 1 ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام الگوی خوبی می باشند دعا ها و نیایش های پیامبران تصویری زیبایی از خود دارد ولی از ابراهیم در هر جای که آمده است یک پیام مهم را باخود دارد ابراهیم و اسماعیل بنای کعبه را یک امر که فقط بنای خالی از امتداد و استمرار نمایند و دیگر حلاوت ازین تکلیف را نچشند نیست بلکه میخواهند هم مسائل زیارت را بیا موزند دعا نمایند الله متعال عمل صالح شانرا نیز بپذیرد در ضمن از نسل و ذریه آینده شان کسانی که این شیوه را ببیش ببرند باشد (تا امتداد این منهج الله متعال را در روی زمین برساند و دوام بدهد این تکلیف را از ذریه به ذریه تا بروز قیامت 2 در دعائیه بعدی ابراهیم و اسماعیل خواست اصلی را می نمایند از برای اهل حرم (بار الها بفرست برای ای شان رسولی از جنس خود شان (از ذریه ابراهیم) تا تلاوت نماید آیات الله را و تعلیم دهد قرآن را و تعلیم دهد حکمت را و ترکیه شان نماید از شرک و دعای خود را به این جا به اتمام می رسانند بار الها تو عزیز استی که هیچ شی عاحزت کرده نمیتواند و حکیم در اقوال افعال، می باشی هر چیزی را درجایش می گذاری بخاطر دانا بودن و حکمت عدلت 3 انسان نمیتواند عادی از کنار موارد همچنانی رد شود در اینجا ادب شعور اخلاص همه اش نهفته است به نسل مابعدی ابراهیم یاد می دهد چگونه در هر مستوای که رسند نباید تضرع خشوع فروتنی را از یاد ببرند و شیطان مغرور شان سازد نهایت فروتنی را ببینید ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ میتوان از هر حرف، کلمه قرآن درس ها گرفت، این ابراهیم پیامبر است با آنها دعا و خواست التجا می نماید! تا که

1 ایسر التفاسیر - اسعد حومد ج 1 ص 61

2 شعراوی ج 1 ص 587

3 ایسر التفاسیر اسعد حومد ج 1 ص 62

چیزی در دست نداریم چگونه دست از دعا برداریم ، دعای دوم برای تسلیم بودن نسل ها ودعای سوم، برای ارسال رسل (محمد ﷺ) می باشد که بعد از قرن ها متحقق می شود که آیات الله متعال را تلاوت نماید کتاب و حکمت را تعلیم دهد و از بت پرستی شرک، بدبختی نجات شان دهد این دعا مستجاب شد و تحقق پذیرفت دعای ابراهیم در حق ارسال رسول الله ﷺ غیر ازینکه عجله داشته باشد و مایوس شود و یا عجالتی در دعا نماید. مثل که ما امروز متأسفانه گرفتاریم، دعا نمودیم، میخواهم روز بعد علائم اش روشن شود! چه مثبت و یا منفی!!

از ابراهیم اسماعیل پیاموزیم بیشتر دعا نمائیم خیر و خوبی بخواهیم حتما الله متعال متحقق می سازد آنان که دعوا دارند در سر امامت بدانند این ابراهیم است الله متعال از او عهد گرفته که از رسالت نبی خاتم برای پیروان خویش خبر دهد و خود او دعا برای فرستادن اش می نماید و او به ذریه خود میگوید کسی غیر از سفیه ها از ملت ابراهیم رو گردان نمی شود. الله در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾¹ این توصیه ابراهیم برای ذریه اش می باشد که الله برای شما دین بر گزیده است در انتخاب دین شما کدام نقش نداشته اید و پیامبر آمد بر دین و ملت که ابراهیم بود دعوت نمود ثمره دعای ابراهیم متحقق شد

13: تشویق جنگ با کسی که به اخراج پیامبر ﷺ اقدام می کند 2

ویژگی دیگری از رسول الله ﷺ را مورد مطالعه قرار می دهیم تمام این ویژگی های که یکی پی دیگری برمی شماریم، بر علاوه آنچه بر مشخص شدن ویژگی ها، تثبیت، جایگاه رسول الله ﷺ را در نزد الله متعال نیز بیشتر برجسته می سازد. ویژگی که زیر نظر داریم عبارت ست: الله متعال برای کسانی که تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند اعلان جنگ می دهد و دفاع پیامبر و شمشیر زدن در کنار او از الزامات است. الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾³ ترجمه : آیا با مردمانی نمی جنگید که پیمانهای خود را (مکرراً) شکسته اند و (قبلاً

1 سوره بقره آیه 130 الی 132

2 خصائص الرسول ﷺ ص 78

3 سوره توبه آیه 13 – 15

نیز ایشان بودند که) تصمیم به اخراج پیغمبر (از مکه) گرفته اند و (هم ایشان بودند که) نخستین بار (اذیت و آزار و تجاوز و تعدی به جان و مال) شما را آغاز کرده اند ؟ آیا از ایشان می ترسید (و به جنگ آنان نمی روید ؟) . در صورتی که سزاوارتر آن است که از خدا بترسید (و از کیفر نافرمانی او بهراسید) اگر واقعاً ایمان دارید (و مؤمنان راستین هستید) با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را بر ایشان پیروز گرداند و (با فتح و پیروزی مؤمنان بر کافران) سینه های اهل ایمان را شفا بخشد (و بر دلهای زخمی ایشان مرهم نهد و درد دیرینه اذیت و آزار کفار را از درون آنان بزداید) و کینه را از دلهایشان بردارد (و شادی پیروزی را جایگزین آن گرداند . همه باید بدانند که) خداوند توبه هر کس را بخواهد (و شایسته اش بداند) می پذیرد (و لذا کافران می توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به سوی خدا برگردند و اسلام را بپذیرند) خداوند آگاه (از کار و بار بندگان ، و در قانونگذاری ها) دارای حکمت فراوان است .

" أَلَا تُقَاتِلُونَ ؟ " آیا نمی جنگید ؟ استفهام انکاری است ، یعنی باید که بجنگید « هُمَا » قصد کردند در اینجا به معنی عزم را جزم کردند و تصمیم قاطعانه گرفتند 1 ابن کثیر رحمه الله می فرماید: این نیز تشویق، قتال بر جنگ با مشرکین باز دارنده به ایمان و آنان که عزم نمودند به اخراج رسول الله از مکه 2 چنانچه در آیت های دیگری مشعر است « وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ » ترجمه: ای پیغمبر به خاطر بیاور (هنگامی را که کافران درباره تو نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند یا بکشند و یا این که) از شهر مکه) بیرون کنند . آنان چاره می اندیشیدند و نقشه می کشیدند (که چگونه به تو شر و بلا برسانند) و خدا (هم برای نجات تو از شر و بلاي ایشان) تدبیر و چاره سازی می کرد ، و خداوند بهترین چاره ساز است

الله متعال در جای دیگری چنین می فرماید: « يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ » ترجمه: پیغمبر و شما را به خاطر ایمان آوردن به خدا که پروردگارتان است (از شهر و دیارتان) بیرون می رانند « وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا » 3 ترجمه: و نزدیک بود آنان تو را از سرزمین (مکه) برکنند (و محیط آن را برای غیرقابل تحمل کرده) تا تو را از آنجا بیرون کنند (اگر آنان چنین می کردند) در این صورت بعد از تو جز مدت کوتاهی نمی ماندند .

1 تفسیر نور ص 727

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 4 ص 103

3 سوره انفال آیه 30 سوره ممتحنه آیه 1 سوره اسرا آیه 76

این ویژگی دیگری از برای رسول الله ﷺ می باشد، کسانی که به اخراج پیامبر اقدام نمودند، عهد شکنی کردند الله متعال با تشویق، ترغیب با این جمع عهد شکن دستور مقاتله را می دهد. تاریخ گواه تمام عهد شکنی، غدر و خیانت مشرکین؛ با مسلمانان در راس با پیامبر ﷺ می باشد. از جمله صلح حدیبیه و موارد دیگر تاریخ حکایت طولانی در دل خود جاداده است با وصف تمام رسک ها، پیامبر صلح حدیبیه را پذیرفت ولی مشرکین بعد از مدتی به نقض پیمان و دست به عهد شکنی زدند. و هم چنان مشرکین اولین کسانی بودند تصمیم به قتل رسول الله ﷺ در دارالندوه بعد از تصمیم رایزنی های جمعی گرفتند تا همه جمع شوند، پیامبر را به قتل برسانند! از هر قبیله جوان چابک انتخاب نموده مجرد به هم رسیدند بیک پلک زدن کار پیامبر را تمام نمایند 1 و مشرکین بودند که تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند آنهم در سرزمین بیت الله الحرام حتی قاتل، خون و مال اش در امن می باشد، اگر فردک قاتل پدر برادر خویش را ببیند دست بردن به او (قاتل) را حق ندارد اما حق رسول الله آن داعی، رهنما بسوی ایمان، عبادت، فرستاده پروردگار آن مسائل و شعایر را مراعات ننمودند تصمیم به قتل، در خانه اش و به اخراج اش از مکه تصمیم گرفتند الله متعال تمام ناجوانی ها و حرمت شکنی های مشرکین را یاد آوری می نماید و میگوید: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِرُهُمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ﴾ در آیه دیگر می فرماید ازین ها نترسید الله متعال مناسب است که ترسیده شود در عوض همه ظلم، بد بینی ها الله متعال دفاع از رسول الله ﷺ و آیین که برایش فرستاده واجب گردانیده و دستور مجادله و مقاتله را صادر می نماید هدف الله متعال دستور مقاتله با کسانی را می دهد که دست به خراج پیامبر زدند و از مکه بیرون راندند، این ویژگی دیگری رسول الله ﷺ می باشد که برای هیچ پیامبری چنین ویژگی داده نشده است و ندارد.

14_ حرام بودن نجوی در نزد مبارک پیامبر ﷺ 2

تحریم شدن نجوی در نزد مبارک پیامبر ﷺ و ویژگی دیگری رسول الله ﷺ است. الله متعال در سوره مجادله می فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبُئْسَ الْمَصِيرُ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ* إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ

1 زندگی پیامبر ﷺ ص 62

2 خصائص الرسول ﷺ ص 88

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿1﴾ ترجمه: آیا ندیده ای کسانی را که از نجوا نهی شده اند ، ولی آنان به سوي چیزی برمي گردند که از آن نهی گشته اند ، و براي انجام گناه و دشمنانگي و نافرمانی از پیغمبر، با همدیگر به نجوا مي پردازند ، و هنگامی که به پیش تو مي آیند بگونه ای تو را سلام مي گویند که خدا تو را بدانگونه سلام نگفته است . در دل به خود مي گویند : (اگر اعمال ما بد است و خدا مي داند) پس چرا ما را به خاطر گفته هایمان کیفر نمی دهد ؟ ! دوزخ بسنده ایشان است (و نیازی به مجازات دیگر نیست) داخل آن خواهند شد و با آتش آن خواهند سوخت، و چه بد سرانجامی و چه بد جایگاهی است ای مؤمنان ! هنگامی که به نجوا پرداختید ، براي انجام گناه و دشمنانگي و نافرمانی از پیغمبر به نجوا نپردازید ، و بلکه درباره نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید ، و از خدائی بترسید که در پیشگاه او گردآورده مي شوید .

نجوا تنها از ناحیه اهریمن است و مي خواهد مؤمنان را غمگین و اندوهناک سازد! اما هیچ زیانی نمی تواند بدیشان برساند مگر این که اجازه خدا در میان باشد. پس مؤمنان باید به خدا توکل کنند و بس نجوا چیست؟ پوشاندن و یا پت کردن سخن، قوم که پت می کنند سخن خویش را جمع و مفرد اش یکسان است 2 نجوی گرفته است از نحوه آنچه را گفته می شود از برای او دوری و ارتفاع می باشد (بلند و پابین می شود) از جهت دوری حاضرین. نجوی در دو صورت می باشد: اول: تمام سخن های پنهانی نجوا است دوم: هر سخن گوش کردن بین دو نفر باشد نجوا گفته می شود 3 شان نزول آیه کریمه چنانچه مقاتل می فرماید: وضعیت بین رسول الله ﷺ و یهود خراب شد بودند، یهودیان وقتی مردی از اصحاب مرور می نمود می نشستند گپ گوشک می کردند مومنان گمان می نمودند که تصمیم به قتل او دارند وقتی چنین وضعیت را می دیدند مسیر خویش را عوض می نمودند رسول الله ﷺ این ها را ازین عمل باز داشت و منع نمود ولی باز نگشتند از نجوای و این آیت نازل شد ﴿ أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ ﴾ 4 ماوردی می فرماید، در قسمت منهی عنه سه قول وجود دارد. اول: یهود می باشد که دست به نجوا می زدند در بین مسلمانان ازین عمل منع شدند دوم: منافقین مدینه بودند، سوم: مسلمانان بودند چنانچه ابو سعید خدری رضی الله عنه می فرماید: ما در یکی از شب ها سخن می گفتیم که رسول الله ﷺ بیرون آمد و گفت این نجوا از بهر چیست آیا منع

1 سوره مجادله آیه 8- 10

2 المعجم الوسيط ج 2 ص 905

3 تفسیر الماوردی (النکت والعیون) ج 5 ص 490 - أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب بصري بغدادی، الشهير به ماوردی (متوفی: 450هـ) محقق: سید ابن عبد المقصود بن عبد الرحیم نشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، عدد اجزاء: 6 نقل از مقدمه کتاب با اختصار

4 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 8 ص 42

نشده اید؟ گفتیم توبه نموده ایم ای رسول خدا ما از مسیح الدجال سخن می گفتیم¹ اما مورد اول که به شان یهود نازل شده است نظر اکثر و جمهور مفسران می باشد محتوای آیات نیز پیام را برای ما می رساند که در شان یهود نازل شده است. الله متعال چون از تمام افعال اعمال انسانها آگاه است، نیت انسان ها را می داند، ازین فعل که باعث آزار اذیت پیامبر و مسلمانان می شد نهی فرمود. نجوا تنهی در امور خیر و نیکی را درست، باقی را از اهریمن خواند. اما با وصف نهی که صورت گرفته بود بآنهم آن مردم لجوج و گستاخ در برابر پیامبر و مومنان دست به اعمال منع شده می زدند حتی در نزد پیامبر از بی ادبی کار می گرفتند چنانچه الله متعال بعد از تحریم نجوای اضافه می نماید ﴿وَإِذَا جَاؤُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ﴾ و هنگامی که به پیش تو می آیند بگونه ای تو را سلام می گویند که خدا تو را بدانگونه سلام نگفته است. چنانچه عایشه رضی الله عنها از یک بی ادبی یهود در نزد رسول الله روایت می نماید: (دَخَلَ رَهْطٌ مِنَ الْيَهُودِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: السَّامُ عَلَيْكُمْ، قَالَتْ عَائِشَةُ: فَفَهْمُهَا فَقُلْتُ: وَعَلَيْكُمُ السَّامُ وَاللَّعْنَةُ، قَالَتْ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَهْلًا يَا عَائِشَةُ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوَلَمْ تَسْمَعْ مَا قَالُوا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ " قَدْ قُلْتُ: وَعَلَيْكُمْ) 2 ترجمه: از عایشه عایشه رضی الله عنها روایت است می گوید: عده ای از یهودیان به نزد پیغمبر ﷺ آمدند، گفتند: السام عليك (مرگ بر شما باد) منهم متوجه شدم در جواب ایشان گفتم: السام عليكم واللعة (یعنی مرگ و لعنت بر شما باد)، پیغمبر ﷺ فرمود: ای عایشه! آرام باش، خداوند نرمش و گذشت را در تمام امور دوست دارد، گفتم: ای رسول خدا! مگر نشنیدی که چه گفتند؟! پیغمبر ﷺ گفت: منهم به ایشان جواب دادم، گفتم: و عليكم (آنچه گفتید بر خودتان باد)

الله متعال در قسمت اساءت دیگری شان (اگر محمد ﷺ رسول خدا باشد باید عذاب داده شوند) الله متعال فرمود برای شان عذاب جهنم کافیهست و آن خطر ناک جای است، در آیات بعدی الله متعال بندگان مومن اش را ادب می نماید، تا همچون اهل کتاب و منافقان نباشند و می فرماید: هرگاه خواستید در خانه هایتان و یا در جای دیگری مثل آن مردم فعل ننمایید (نجوای نماید) آنچه مایه خیر می باشد از الله بترسید آنچه انجام دهید و کشت می نمایید 3 در حدیثی دیگری از رسول الله ﷺ نقل شده است (إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى اثنان دون الآخر حتى تختلطوا بالناس من أجل أن يحزنه) 4 ترجمه: «اگر سه نفر بودید، دو نفر بدون مشارکت دیگری، با یکدیگر، درگوشی صحبت نکنید. زیرا این کار، باعث

1 تفسیر الماوردی (النکت والعیون) ج 5 ص 491

2 صحیح البخاری ج 5 ص 2242 باب الرفق فی الامر کله

3 تفسیر اسعد حومد ج 1 ص 4990

4 صحیح المسلم ج 4 ص 1718 باب تحریم مناجاة الاثنین بون الثالث

نگرانی آن شخص می شود. مگر اینکه در جمع مردم، قرار گرفتید». (که در این صورت می توانید درگوشی صحبت کنید).

15_ تعهد الله متعال در حفظ کتاب که به رسول الله ﷺ نازل شده 1

ویژگی دیگری از ویژگی های رسول الله ﷺ را مرور می نماییم. الله متعال پیامبران و کتاب های زیادی را فرستاده است که در طول تاریخ بشری از خود جاگاهی، پیروانی مقام منزلتی داشته است اما در بین کتب منزله تنها کتابی را که الله متعال تضمین حفظ و تحریف اش را نموده است قرآن است بس! سایر کتب سماوی را می دانیم که چه در قسمت دست برد و تحریف صورت نگرفته است ولی آنچه تضمین مصئون را یافته قرآن کریم بوده است. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ 2 ترجمه: ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن می باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می داریم. سوره حجر از آغاز در مورد کتاب منزل به رسول الله ﷺ شروع می شود و صحبت را آغاز در آیه مذکور که تضمین مصئونیت کتاب را به پیامبر ﷺ می دهد، این آیه دست کم با چهار تأکید لفظی بیانگر مصون ماندن قرآن از تحریف است 3 در آیه مذکور اگر کمی دقت نمایم از دیدگاه قواعد و زبان ادبیات عربی چهار تأکید در قسمت دادن تضمین در حفظ قرآن داده شده است این ویژگی دیگری برای رسول الله ﷺ می باشد قرآن کریم معجزه رسول الله ﷺ می باشد لازم بیاد آوری است هیچ پیامبری نبوده که معجزه نداشته مطابق به شرایط روز در تبیین اینکه معجزه چیست تفاوت اش از موارد ذوق بک عصر در چیست؟ در عصر پیامبر بلاغت، فصاحت، شعر زبان عربی می باشد که در همان وقت زمان قرآن نازل می شود الله متعال حفظ کتاب را خود بدوش می گیرد و نه مثل کتب گذشته که در سطور آینده ذکری برای آنها هم خواهیم داشت که حفظ آن بدوش قوم بود الله متعال از آنها خواسته بود از ویژگی های رسول الله ﷺ هم یکی این ویژگی بزرگ می باشد که حفظ کتاب را الله متعال خود بعهده گرفته است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ 4 ترجمه: کسانی که قرآن را انکار می کنند بدان گاه که به ایشان می رسد (بر ما پوشیده نمی مانند و سزای آن را می

1 بدایه السؤل فی تفضیل الرسول ص 39/ خصائص الکبری ج 2 ص 315

2 سوره حجر آیه 9

3 تفسیر نور ص 514

4 سوره فصلت آیه 42

بینند) قرآن کتاب ارزشمند و بی نظیری است، هیچ گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری ، متوجه قرآن نمی گردد. (نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن، و نه دست تحریف به دامن بلندش می رسد چرا که) قرآن فرو فرستاده یزدان است که با حکمت و ستوده است (و افعالش از روی حکمت است ، و شایسته حمد و ستایش بسیار است)

واقعا این معجزه، خالده و محفوظ است طور شیخ عز الدین ابن عبد السلام رحمه الله می فرماید : از جمله ویژگی های رسول الله ﷺ این نیز می باشد معجزه هر پیامبری از بین رفته و نابود شده معجزه سید اولین آخرین که قرآن می باشد تا روز جزا باقیست 1 الله متعال در جای دیگری چنین بیان می دارد ﴿ قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴾ 2 ترجمه: بگو از برای این مشرکان بشکل قطعی : قرآن کلام الله می باشد بشرتوای حکایت های او را ندارد، انس و جن توانای آوردن کتابی همسان او را ندارد اگر همه همدیگر را تعاون و همکاری نمایند، قرآن الفاظ محض عبارات نیست که مخلوق توانی آوردن همچون او را داشته باشد او همانند سایر صنع پروردگار می باشد که مخلوق از آوردن آن عاجز می ماند 3 اما سایر کتب را الله متعال اقوال را مکلف نموده تا از آن حفاظت نماید: ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴾ 4 ترجمه: ما تورات را (بر موسی) نازل کردیم که در آن رهنمودی (به سوی حق) و نوری (زداینده تاریکیهای جهل و نادانی ، و پرتوانداز بر احکام الهی) بود پیغمبرانی که تسلیم فرمان خدا بودند بدان برای یهودیان حکم می کردند ، و نیز خداپرستان و دانشمندانی بدان حکم می کردند که امانتداران و پاسداران کتاب خدا بودند . پس (ای علماء یهودیان ، و شما ای مؤمنان !) از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید (و همچون سلف صالح خود محافظان و مراقبان کتاب خدا و مجریان احکام آسمانی باشید) و آیات مرا به بهای ناچیز (دنیا ، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید و (بدانید که) هرکس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است (و قصد توهین به احکام الهی را داشته باشد) او و امثال او بیگمان کافرند.

1 بدایه السؤل فی تفضیل الرسول ﷺ ص 39

2 سوره اسرا آیه 88

3 ایسرالتفاسیر- اسعد حومد ج 1 ص 691

4 سوره مانده آیه 44

جمهور مفسرین، قسمت آیه مذکور را چنین تفسیر نموده اند «اسْتَحْفِظُوا» به آنچه در نگهداری از کتاب الله متعال امر گردیده بودند اینکه پاسداری نمایند: از تبدیل تغییر، و اینکه او را آشکار سازند، در ضمن عامل باشند به احکام (کتاب) 1 تعهد حفظ قرآن کریم همانطوری که اعطای قرآن ویژگی شاخص رسول الله ﷺ می باشد حفظ آن نیز ویژگی دیگری پر بها و با ارزش است امروزه بعد از سالهای مدیدی که مستشرقین در این راستا تلاش های خصمانه ای داشته اند که ثابت سازند در قرآن کمی زیادی شده ولی نتوانستند ثابت سازند نه تنها که ثابت ساخته نتوانسته اند عده اعتراف هم نمودند که قرآن محفوظ می باشد. امام ابن کثیر رحمه الله می فرماید: ای به آنچه برای شان امانت داده شده است از کتاب آسمانی که امر شده بودند اینکه اظهار نمایند و عمل نمایند به آن کتاب آسمانی 2

16_ رسول الله ﷺ از مومنین نسبت بخود شان قریب تراست 3

ویژگی دیگری از ویژگی های رسول الله ﷺ را مورد بحث قرار می دهیم که آن همانا نزدیکی پیامبر نسبت به مومنان می باشد. الله متعال در سوره احزاب می فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ 4 ترجمه: پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد (و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، مقدم بر اراده و خواست ایشان است) و همسران پیغمبر، مادران مؤمنان محسوبند (و باید احترام مادری آنان را از نظر به دور نداشت، و یکایک ایشان را بزرگ و ارجمند شمرد) و خویشاوندان نسبت به همدیگر (از نظر ارث بردن بعضی از بعضی) از مؤمنان و مهاجران، در کتاب یزدان (قرآن) از اولویت بیشتری برخوردارند، (و پیمان مؤاخات و برادری موجب ارث نمی باشد) مگر این که بخواهید در حق دوستان خود کار نیکی انجام دهید (و از طریق وصیت، مقداری برای آنان به ارث بگذارید و بدیشان خوبی کنید، که این عمل مانعی ندارد) این (حکم توارث خویشاوندان) در کتاب (قرآن) مکتوب و مقرر است. در آیه مذکور، دو موضوع در ابتدای آیه مورد صحبت و سخن می باشد. اول: نزدیکی پیامبر به مومنان که تفسیر ها برداشت های از خود دارد و دیگر احترام به زنان پیامبر که جز خانواده پیامبر ﷺ می باشند است در قسمت نزدیک بودن رسول الله با مومنان که معنی این چیست؟ چگونه نزدیک می باشد. انسان ها همواره همانطور که رنگ های شان مختلف است طبایع و خواهشات نحوه زیست شان

1 ایسرالتفاسیر اسعد حومد ج 1 ص 282

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 3 ص 117

3 خصائص الرسول ﷺ ص 101 – 102

4 سوره احزاب آیه 6

نیز مختلف می باشد. همچنان در امور خیر رسانی و دست گیری کمک، نمودن سطح دید و نگرش شان تفاوت دارد در آیه مذکور ولایت رسول الله ﷺ را بر مومنان مقرر ساخت، الله متعال شاخصه و ویژگی دیگری را بر نبی اش اعطا نمود، که شامل ولایت عامه شامل مشاعر نیز می شود شخصیت رسول الله محبوب تر از نفس مومنان می باشد در سطور آینده ذکر می شود. بعضی گفته اند این ارتقا در مجال های خیر رساندن به نفس می باشد انسان اولاً بنفس خود نیکی می نماید بعد به نزدیک تر خویش، بعد به قرابت دور تر باز دور تر ها (خیر می رساند) 1 چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: ابدأ بنفسك فتصدق عليها فإن فضل شيء فلاهلك فإن فضل عن أهلك شيء فلهذي قرابتك فإن فضل عن ذي قرابتك شيء فهكذا وهكذا) 2 ترجمه: از خود شروع کن و اول به نفس خویش کمک نما، پس اگر چیزی اضافه شد آن را به اهل و عیال خود بده، اگر از اهل و عیالت چیزی اضافه گردید آن را به خویشاوندان خویش عطاء کن، و اگر از آنان چیزی اضافه ماند، این چنین و آن چنان (کن و به هر کس که می خواهی عطاء کن)

ما در اینجا هدف خاصی را دنبال می کنیم، اینکه رسول الله ﷺ چگونه قریب می باشد؟ خیر و نیکی رسول الله ﷺ بطور عموم به همه انسانیت و بطور خصوص به مومنان رسیده است زمانی که آیه مذکور نازل شد اگر کسی مدیون (قرض دار) می بود از دنیا می رفت رسول الله ﷺ دین او را ادا می نمودند گویا در حیات خویش معنی «النبی اولى بالمؤمنين من أنفسهم» را تفسیر کردند. برای همین رسول الله ﷺ را نزدیکتر از مومنان نسبت بخود شان گردانید، حکم رسول الله در قسمت مومنان مقدم تر از اختیار شان نسبت به نفس های شان می باشد چنانچه الله متعال می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً» 3

در احادیث زیادی رسول الله ﷺ در این مورد ارشاداتی دارند انس رضی الله عنه روایت می نماید که رسول الله ﷺ فرمود: هیچ يك از شما ایمانش کامل نمی شود مگر اینکه من به نزد او از پدر و مادر و فرزندان و همه مردم محبوب تر باشم «4 از عبد الله بن هشام رضی الله عنه روایت می نماید ما همراه رسول الله ﷺ بودیم و رسول الله ﷺ دست عمار بن خطاب رضی الله عنه را گرفته بود عمر برای رسول الله گفت: یا رسول الله! لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ إِلَّا مِنْ نَفْسِي، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَهُ: " لَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِكَ"، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَإِنَّهُ الْآنَ وَاللَّهِ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي،

1 شعراوی ج 19 ص 11935

2 صحيح المسلم باب الابتدا في النفقة بالنفس ج 2 ص 692

3تفسير ابن كثير ج 6 ص 339

4 اللوء لوء والمرجان باب 17 آنچه را برای خودتان دوست دارید برای مسلمانان نیز دوست داشته باشید ج 1 ص 70

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ - «الآن يا عُمَرُ! 1» ترجمه: ای رسول خدا! شما نزد من از هر چیز دیگری جز خودم، محبوبتری نبی اکرم ﷺ فرمود: «نه، سو گند به ذاتی که جانم در دست اوست تا زمانی که من نزد تو از خودت هم محبوبتر نباشم» (به کمال نخواهی رسید) عمر رضی الله عنه گفت: سوگند به خدا که تو هم اکنون برای من از خودم هم محبوبتری نبی اکرم ﷺ فرمود: «اکنون ای عمر» (به کمال رسیدی)

17_ جواب اتهامات وارده مشرکین را الله متعال داده 2

اکنون وارد ویژگی دیگری می شویم، طور که قبلاً تذکر رفت ویژگی ها همه خواندنی اند و خیلی ها هم دل چسپ، ذی علاقه است. آنچه تا حال برای ما روشن گردیده باشد عبارت از رفعت جایگاه پیامبر است. بطور یقین میتوان از لابلای ویژگی ها، از عینک وخوانش ویژگی ها، خوب تر درک نمود وپی برد. ویژگی را در سطور آینده روی آن بحث خواهیم نمود و مطمئناً، برای خواننده جالب تمام خواهد شد! برای اینکه حتی الله متعال در مقام دفاع، از نفس و خود پیامبر به رد مشرکین می پردازد بر عکس سایر انبیای اولوالعزم و دیگر انبیاء، آنها خود در برابر اتهام های قوم خویش لب بسخن گشوده جواب ارایه می نمودند، در سطور ذیل موارد را در قرآن کریم سرکشان و متمردان در برابر انبیا علیهم السلام گستاخی نمودند را یکایک ذکر نموده، بعد اصل مطلب آغاز می شود.

نوح علیه السلام، در مقابل قوم لجوج و گستاخ قرار گرفته است برای شان سالهای مدیدی از پیام آسمانی ارشاد نموده ولی سخن جانب مقابل که اشراف بزرگان قوم می باشد جالب است ﴿قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأُنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ 3 ترجمه: اشراف و رؤسای قوم او گفتند: ما شما را (دور از حق و) در گمراهی و سرگشتگی آشکاری می بینیم گفت: ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست و دچار سرگشتگی هم نیستم. ولی من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم من مأموریت های (محوله از سوی) پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و شما را پند و اندرز می دهم و از جانب خدا چیزهایی (به من وحی می گردد و) می دانم که شما نمی دانید « الْمَلَأُ »: اشراف رؤساء و زعماء « ضَلَالَةٌ »: کمترین گمراهی « رِسَالَات »: جمع رسالت، چیزهایی که پیغمبران را مأمور تبلیغ آنها می کنند4 نوح هم اتهام را رد می نماید و هم مسئولیت سپرده شده را بیان می دارد

1 صحیح البخاری باب کیف كانت یمین النبی ﷺ ج 8 ص 2445

2 خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 29 / الوفا باحوال المصطفی ج 2 ص 8

3 سوره اعراف آیه های 60 – 63

4 تفسیر نور ص 297

که چه وظیفه و رسالت مهم را پیش می برد نکته خیلی مهم دیگری که لازم بیاد آوری می باشد فصاحت، بلاغت، نوح در برابر روسای قوم می باشد

برای ما این را می رساند دعوت گر را لازم است تا فصاحت و بلاغت خوب داشته باشد تا بتواند پیام اصلی و هدف را برساند. حکایت سوم سوره اعراف از قوم هود است الله متعال می فرماید: ﴿وَالِی عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ * قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾¹ ترجمه: (همان گونه که نوح را برای دعوت به توحید به سوی قوم خود فرستادیم) هود را هم به سوی قوم عاد که خودش از آنان بود روانه کردیم. هود به قوم عاد گفت: ای قوم من! خدای را بپرستید و (بدانید) جز او معبودی ندارید. آیا پرهیزگاری نمی ورزید؟ (و نمی خواهید با یکتاپرستی خویشتن را از شرّ و فساد در امان دارید؟) رؤساء و اشراف کفرپیشه قوم او گفتند: ما شما را ابله می دانیم؛ (آخر این چه دعوتی است که راه انداخته ای و این چه چیز است که ما را بدان می خوانی؟) و ما شما را از زمره دروغگویان می پنداریم هود گفت: ای قوم من! من ابله نیستم بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می رسانم و من اندرزگویی امینی برای شما هستم (و در آنچه می گویم یکرنگ و راستگویم و از خود چیزی نمی گویم)

أَخَاهُمْ: برادرشان مراد اخوت در جنس است «سَفَاهَةٌ» کم خردی ابلهی «مِنَ الْكَاذِبِينَ» از زمره دروغگویان «لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ» هیچ گونه سبک مغزی و کم خردی در من نیست «نَاصِحٌ»: نصیحت کننده دلسوز، مخلص² سوره اعراف که داستان زیادی از انبیا را به تصویر کشیده است در ذکر تعدادی پس از حکایت دیگری می پردازد که خیلی ها برای دعوت گران امروزی به ذهن داشتن و خواندن آن مهم است به همین دو پیامبر که ذکر نمودیم اکتفا نموده در مقابل از دفاع الله متعال در برابر مشرکین می خوانیم.

مسئولیت دفاع در برابر اراجیف و سخن های بی هوده مشرکین را الله متعال خود پاسخ گفته و جواب داده اتهامات که بسوی رسول الله ﷺ وارد می نمودند، زبانهای که چنین اتهاماتی را زبان به زبان می نمودند پاسخ خود را گرفتند هنگام که رسول الله ﷺ را به دیوانگی، گمراهی، و شاعر متهم نمودند. الله متعال فرمود: ﴿فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ * أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ * قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ * أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ * أَمْ يَقُولُونَ

1 سوره اعراف آیه های 65 - 67

2 تفسیر نور ص 297

تَقُولُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَاثُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ¹ ترجمه: (مردمان را به قرآن) پند و اندرز بده ، تو در پرتو لطف و مرحمت پروردگارت نه غیبگوئی و نه دیوانه. آیا آنان می گویند که او شاعر است (و بگذارید تا زنده است اشعار خود را بسراید و دل مردمانی را برباید) و ما در انتظار مرگ او هستیم (تا دفتر اشعار و طومار عمرش را درهم پیچد و ما را از دست او راحت سازد) بگو: شما در انتظار (پندارهای خامتان) باشید و من هم با شما در انتظار (عاقبت نیک خود و سرانجام بد شما) هستم آیا خردهایشان ایشان را به این (سخنان متناقض) دستور می دهد ؟ یا این که اصلاً مردمان طغیانگر و سرکشی هستند (و سرپیچی از فرمان حق ، سرشت و خصیصه آنان شده است ؟) آیا می گویند: (محمد خودش قرآن را از پیش خود ساخته است و) آن را فراهم آورده است ؟ ! بلکه ایشان اصلاً ایمان ندارند. اگر راست می گویند (که محمد خودش قرآن را از پیش خود ساخته است) سخنی همچون آن را بیاورند و ارائه دهند.

اهالی مشرک مکه وقت در برابر سخن حق، وطریق حق رسول الله ﷺ بی دلیل می ماندند و چیزی برای گفتن نداشتند لاجرم دست بیک سری از توطئه های می زدند: محمد نعوذ بالله شاعر، کاهن، واسرار جن را می آورد ... اما الله متعال با رد سخن های یاهو سرای مشرکین ادعای عاری از حقیقت آنها؛ فرمود تو ای محمد الحمد لله و به نعمت اش که برای تست کاهن نستی که ادعای می نمایند کاهن کسی که به جن ها وصل می شوند و اسرار غیبی را از جن ها می آورند و نه مجنون الله متعال بارد این ادعای مشرکین و میگوید: این منافی آن چیزی است که رسول الله ﷺ را متهم می نمایند 2 جواب دندان شکن برای مشرکین الله می دهد نه اینکه مثل سایر انبیا رسول الله ﷺ در رد و دفاع از شخصیت و جایگاه خویش بدفاع بر خیزد و این یکی از ویژگی های خیلی مهم رسول الله ﷺ می باشد. طبری رحمه الله در تفسیر خود از ابن عباس رضی الله عنه روایت می نماید: (أن قریشا لما اجتمعوا في دار الندوة في أمر النبي ﷺ قال قائل منهم: احبسوه في وثاق، ثم تربصوا به المنون حتى يهلك كما هلك من قبله من الشعراء زهير والنابعة، إنما هو كأحدهم، فأنزل الله في ذلك من قولهم: «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ» 3 تمام موارد گذشت بیانگر یک واقعیت مهم است که جایگاه بزرگی رسول الله را بیان می دارد تشریف، تکریم، وتعظیم رسول الله را روشن می سازد و محبت او را در قلب ها زیاد می نماید

1 سوره طور آیه 29 - 34

2 ایسرالتفاسیر - اسعد حومد ج 3 ص 1305

3 تفسیر الطبری ج 22 ص 479

18- ذکر مقدم رسول الله ﷺ از سایر برادران اش (انبیا) یاد در قرآن کریم 1

الله متعال رسول الله ﷺ را مقدم تر از سایر انبیا در اغلب آیات قرآن کریم یاد نموده است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا* وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ 2 ترجمه: ما به تو (ای پیغمبر، قرآن و شریعت را) وحی کردیم، همان گونه که پیش از تو به نوح و پیغمبران بعد از او وحی کردیم، و (همان گونه که) به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوادگان (او که برخی از آنان پیغمبران خدا بودند) عیسی، ایوب، یونس، هارون، و سلیمان وحی کردیم، و به داود زبور دادیم و ما پیغمبران زیادی را روانه کرده ایم که سرگذشت آنان را قبلاً برای تو بیان کرده ایم، و پیغمبران (دیگر) زیادی را (به میان مردم روانه کرده ایم) که سرگذشت آنان را برای تو بیان نکرده ایم (و شیوه وحی به

موسی این بود که) خداوند حقیقه (از پشت حجاب بدون واسطه)

الله متعال در جای دیگری از قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَنُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ 3 ترجمه: (یادآور شو) هنگامی را که از پیغمبران پیمان گرفتیم و همچنین از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم. (آری) از آنان پیمان محکم و استواری گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ رسالت، و دعوت مردم به خدا شنا سی و یکتاپرستی کوتاهی نکنند) از نگاه لغوی از ظرف مکانی می باشد از برای قضیه که صورت می پذیرد استفاده می گردد مثل این که بگوی اگر فلانی آمد اکرام، احترام اش را بنما، اکرام معلق به آمدن می باشد الله متعال در این آیه نیز تصریح می سازد، یادآور شو (هنگامی را که از پیغمبران پیمان گرفتیم و همچنین از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم..

میثاق چیست؟ در آیه مبارکه ذکر رفت، عهد: که بعد از گرفتن، اجرا می شود بین دو جانب می ثاق است مثل عهد که الله متعال از انسان ها گرفت: در مرحله ذریه . فرموده الله متعال: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ...﴾ 4 اما عهد که از نبیا علیهم السلام، الله متعال گرفته چه بوده است ؟ عهد در اینجا برگزیده شدن و اختیار از جانب الله متعال برای بشر است، اینکه بوده باشد فرستاده شده و سفیر بین الله متعال و خلق وقتی برگزیده می شوند برسانند برای مردم دین الله را این برگزیدن، هیچ گاهی رد نمی شود انصراف ندارد وقتی می پذیرد گویا عهد

1 خصائص المصطفى ﷺ بين الغلو والجفا ص 30 / الوفا باحوال المصطفى ج 2 ص 6

2 سوره نسا آیه 163 – 164

3 سوره احزاب آیه 7

4 سوره اعراف آیه 172

و میثاق را از جانب الله متعال گرفت برای حمل رسالت بسوی خلق 1 فضیلت دیگری برای رسول الله ﷺ بود که در ذکر میثاق و یاد آوری پیامبران الوالعزم الله متعال یاد آنها را مقدم ذکر می نماید.

19_ نبی امی (خوانده، نوشته) نمی تواند 2

ویژگی (نبی امی) مشهور است و زبان زد خاص عام می باشد. رسول الله ﷺ عمری را که زیست نموده بود معلمی نداشت که نزد او رفته و زانوی تلمذ زده باشد. اینجا انسان آروز می نماید، شاعر ماهر می بود با تعبیرهای بلند از رسول الله ﷺ یاد می نمود در نهایت فصاحت، بلاغت؛ تا مقدار از زندگی رسول الله و آنچه الله متعال برایش ارزانی داشته است در قالب حقیقت به تصویر می کشید و می نوشت، بقول دیگر: یار من به مکتب نرفت، خط ننوشت- به غمزه افتاد و سرمعلم شد.

الله متعال در قرآن کریم بیان می دارد: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ 3 ترجمه: به ویژه رحمت خود را اختصاص می دهد به (کسانی که پیروی می کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می یابند . او آنان را به کار نیک دستور می دهد و از کار زشت باز می دارد ، و پاکیزه ها را برایشان حلال می نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می سازد و فرو می اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می آورد (و از غل استعمار و استثمارشان می رهند) پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام است و همسان نور مایه هدایت مردمان است و) به همراه او نازل شده است ، بیگمان آنان رستگارانند.

« أُمِّيَّ »: منسوب به (اُمّ) یعنی مادر است، مراد کسی است که نتواند بخواند و بنویسد 4 یکی از صفت های که علما جمع آوری نموده اند در قسمت رسول الله ﷺ یک صفت ای شان امی بودن است رسول الله نزد هیچ احدی برای فرا گیری نرفت او چون حالت تولد خود باقی ماند صفات را الله متعال در قرآن کریم برای یهود و نصارا بیان داشته بود در کتاب های تورات و انجیل نیز وجود داشت، آن

1 تفسیر شعراوی ج 19 ص 11942

2 خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 39

3 سوره اعراف آیه 157

4 تفسیر نور ص 319

صفات را اهل کتاب پت نمودند ویا تحریف 1 که داستان های آن قضایا همه روایت شده است که از حیطه این بحث، آوردن همه بیرون می باشد. الله متعال در جای دیگری نیز مهربانی می نماید: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ﴾ 2 ترجمه: تو پیش از قرآن، کتابی نمی خواندی، و با دست راست خود چیزی نمی نوشتی که اگر چنین می شد (و تو مطالعه کتب می کردی و چیزی می نوشتی و بالاخره سواد می داشتی) باطلگرایان به شک و تردید می افتادند (و می گفتند: این قرآن حاصل مطالعه شخصی و یادداشتهای فردی تو است)

خوانده نمی توانی مگر اینکه بشنوی (تعلیم نمای) و می باشد قراءت و خواندن تو ای محمد هنگام که بشنوی 3 ویژگی های رسول الله ﷺ دارای ابهت های هست، که عقول انسان کار نمی دهد و این شرافت و بزرگی می باشد همه نجابت ها برای افزودن محبوبیت رسول الله ﷺ می باشد و برای ما واضح می شود محبت آن پیامبر بزرگ حتمی و لازمه زندگی است. ابن عمر رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می نماید که رسول الله فرمودند: (عن النبي ﷺ أَنَّهُ قَالَ: "إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ؛ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ، الشَّهْرُ هَكَذَا، وَهَكَذَا". يَعْنِي مَرَّةً تِسْعَةً وَعِشْرِينَ، وَمَرَّةً ثَلَاثِينَ) 4 ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ما اُمّت و ملّت بی سوادى هستیم، که بر نوشتن و حساب نجوم و حرکت آنها آشنایی و تسلط کامل نداریم، (بنابراین برای تعیین اوقات عبادت مکلف به نوشتن و دانستن مسائل نجومی و ریاضی نمی باشیم و اوقات عبادت به واسطه نشانه های آشکار و روشنی مانند خورشید و ماه بر ما مشخص می شود هر کس می تواند وقت عبادت خود را با مشاهده و کیفیت این علایم تشخیص دهد) و تعداد روزها در ماه گاهی بیست و نه روز و گاهی سی روز می باشد

20_ دانستن اهل کتاب از رسالت رسول الله ﷺ 5

در تاریخ بشر و در سلسله انبیا کسی را سراغ نداریم که قبل از بعثت اش بشارت های برای رسالت او داده شده باشد این یکی دیگری از ویژگی منحصر بفرد و مهم رسول الله ﷺ می باشد ویژگی که هیچ یکی از انبیا را نمی باشند. الله متعال در قرآن کریم مهربانی می نماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا

1 تفسیر الشعروای ج 7 ص 4381

2 سوره عنکبوت آیه 48

3 تفسیر الشعروای ج 18 ص 11218

4 مختصر صحیح البخاری، باب، فرمایش رسول اکرم ﷺ «ما نوشتن و حساب کردن را نمی دانیم ج 1 ص 552

5 خصائص المصطفی ﷺ بین الغلو والجفا ص 39

بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»¹ ترجمه: به ویژه رحمت خود را اختصاص می‌دهم به (کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد ، و پاکیزه ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می‌آورد (و از غُل استعمار و استثمارشان می‌رهاند) پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند ، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام است و همسان نور مایه هدایت مردمان است و) به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارانند.

ویژگی عنوانی ما بشارت در کتب آسمانی گذشته است، بشارت رسول الله ﷺ و تذکر بشارت در کتب گذشته ویژگی است که هیچ یکی از انبیای قبل از رسول الله ﷺ نداشته است. امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیه کریمه می‌فرماید: واین یکی از صفات رسول الله ﷺ در کتب انبیای قبل از پیامبر است، (انبیای گذشته روی همین موضوع) بشارت دادند امت های خویش را ببعثت رسول الله و امر نمودن به متابعت از او و این صفات در کتب شان موجود بود و علمای شان تمام موارد می‌دانستند 2 ویژگی ذکر صفات رسول الله ﷺ و بشارت بعثت آن در آخر زمان و خاتم نبی بودن شان، در کتب آسمانی وجود داشت و حتی نشانی های از رسول الله ﷺ نیز ذکر گردیده بود اما این یهود و اهل کتاب بودند از روی عناد، سرکشی از روی هوا و هوس، غرور، کاذب نپذیرفتند بحث این نیست که نپذیرفتند بحث ما این است که چنین چیزی ثبوتی وجود داشته است ویژگی که عنوان شد الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ النُّورَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾³ ترجمه: و خاطر نشان ساز زمانی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما بوده و توراتی را که پیش از من آمده است تصدیق می‌کنم، و به پیغمبری که بعد از من می‌آید و نام او احمد است، مژده می‌دهم اما هنگامی که آن پیغمبر (احمد نام) همراه با معجزات روشن و دلائل متقن ، به پیش ایشان آمد، گفتند: این جادوی آشکاری است احمد یکی از نامهای پیغمبر اسلام است که در انجیلها به شکل فار قلیط، و پار قلیط، و پیرکلتوس آمده است⁴ ویژگی مهم ، بزرگتری ازین نمی‌شود که یکی از از

1 سوره اعراف آیه 157

2 تفسیر ابن کثیر ج 3 ص 483

3 سوره صف آیه 6

4 تفسیر نور ص 1178

پیامبران اولوالعزم به امت خود بشارت دهد و الله متعال در کتاب مقدس، کتاب هدایت، کتاب که مشعل رهنمای بشریت می باشد در این کتاب از آن بشارت عیسی یاد آوری می نماید.

از برای قومت یاد آوری نما زمانکه عیسی ابن مریم برای بنی اسرائیل گفت خودش از جانب الله فرستاده شده بسوی این مردم و تصدیق کننده کتب و انبیای گذشته نیز می باشد و او آمده بشارت دهنده به رسولی که می آید بعد از او به اسم احمد و سفارش کننده بر اینکه هرگاه آن رسول آمد، ایمان بیاورند ولی برعکس آن رسول را باتمام دلائل واضح، معجزات روشن آشکار، تکذیب اش نمودند و فرمودند این سحر و جادو می باشد 1 تمام اوصاف رسول الله ﷺ در کتب انجیل و تورا آمده بود علماء، نخبه های شان می دانستند ولی در انتظار آمدنش از قوم خویش بودند که چنین نشد، سر دشمنی را گرفتند که سودی برای شان ندارد مثلاً در انجیل یوحنا فصل 15 میخوانیم فارقلیط " احمد" روح حق است که او را الله می فرستد تا شمارا تعلیم دهد تمام اشیارا 2 به همین منوال در احادیث زیادی یاد ذکر های مستندی شده و از افراد اشخاص که از یهود مسلمن شده اند خود اقرار و اعتراف نمودند که وجود بشارت ها و علایم نبوت رسول الله ﷺ در کتب شان وجود داشته و موارد را می دانستند.

(عن عطاء بن یسار قال: لقيتُ عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما؛ قلت: أخبرني عن صفة رسول الله ﷺ في التوراة، قال: أجل؛ والله إنه لموصوف في التوراة ببعض صفته في القرآن: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ وجرزاً للأُمِّيِّينَ، أنتَ عبدِي ورَسُولِي، سَمِيتُكَ الْمُتَوَكَّلَ، ليس بَفُظٍّ، ولا غليظٍ، ولا سَخَابٍ في الأسواقِ، ولا يَدْفَعُ بالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ، ولكنَّ يَغْفُو وَيَغْفِرُ) 3 ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما پرسیدند که سیرت رسول اکرم ﷺ در تورات، چگونه بیان شده است؟ گفت: بخدا سوگند، بعضی از صفات رسول الله ﷺ در تورات، عیناً مانند صفات ایشان در قرآن، بیان شده است. چنانچه تورات می گوید: ای نبی! ما تو را بعنوان گواه و بشارت دهنده و ترساننده و محافظ افراد اُمی قرار داده ایم. تو بنده و رسول من هستی. تو را متوکل نام نهاده ام. (و می افزاید که آن پیامبر) بدخو و سنگدل نیست و در بازارها سرو صدا به راه نمی اندازد. بدی را با بدی، جواب نمی دهد. بلکه می بخشد و از آن، در میگذرد

1 ایسر التفاسیر - اسعد حومد ج 3 ص 1387

2 ایسر التفاسیر اسعد حومد ج 3 ص 1388

3 مختصر صحیح البخاری باب کراهیت سرو صدا در بازار ج 2 ص 41

مطلب دوم: خصائص، و ویژگی های مخصوص پیامبر ﷺ در آخرت

تا کنون، ویژگی های رسول الله ﷺ در دنیا را مورد بحث و مذاقه قرار دادیم طور که اذعان داشتیم در این رساله تنها موارد را از ویژگی ها بحث می نمایم که در قرآن کریم ثابت شده باشد حالا مطلب دیگری را زیر عنوان داریم " ویژگی های رسول الله ﷺ " در آخرت می باشد طور که رسول الله ﷺ بر دنیا، دارای ویژگی های می باشند. در آخرت نیز ویژگی های را الله متعال برای رسول الله ﷺ ارزانی داشته است. بخاطر، شرف، عظمت و جایگاه رسول الله ﷺ در نزد پروردگار! از آن جمله در ذیل عنوان گرفتم که مقام محمود، خواست پذیرفته شده، حوض، کوثر، وسیله، فضیله می باشد موارد مذکور را که در قرآن کریم شواهد داریم بحث می نمایم و موارد که در احادیث ثابت شده باقی می گذاریم چون مربوط بحث نمی شود.

الف: مقام محمود

تا کنون از ویژگی دنیوی رسول الله ﷺ یاد آوری گردید حالا ویژگی های آن حضرت در روز آخرت، تشریفات و تکریمات که برای آنحضرت می باشد تذکر می رود هیچ احدی از انبیا دارای آن تشریفات و تکریم ها نمی باشند و برابری کرده نمی توانند. از جمله آن تشریفات: یکی آن مقام محمود می باشد، مقام جای که رسول الله ﷺ استاد کر ده می شود؛ رسول الله ﷺ آن خالق غالب را حمد میگوید و مخلوقات از پسی آن حمد را ادامه می دهند. الله متعال در قرآن کریم مهربانی می نماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾¹ ترجمه: در پاسی از شب از خواب برخیز و در آن نماز تهجد بخوان، این يك فریضه اضافی (و افزون بر نمازهای پنجگانه) برای تو است باشد که (در پرتو این عمل) خداوند تو را به مقام ستوده ای (و مکان برجسته ای در دنیا و آخرت که موجب ستایش همگان باشد) برساند (و مقام شفاعت کبری را به تو ارمغان دارد). این نیز از ویژگی های مهم رسول الله ﷺ می باشد الله متعال پیامبر را خطاب قرار می دهد ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ﴾ بیاسی از شب بر خیزای رسول الله ﷺ (از همه چیز خود را فارغ بساز) در آن نماز تهجد بخوان، و قرآن را در نماز های شبت تلاوت نما، تا باشد نماز شب زیادت برای تو (در بلندی منزلت و درجات) نزدیک است الله متعال بدهد مقام شفاعت را تا شافع برای مردم در روز باز پسین باشی 2 اینجا نیاز دیده می شود تا مقداری توضیح داده شود این بحث در این جا نیاز به وضاحت روشنی دارد. برای رسول الله ﷺ امر شده که در پاسی از شب برخیزد و نماز بگذارد، این

1 سوره اسرا آیه 79

2 تفسیر میسر ج 1 ص 290

امردر احادیث زیادی تبارز یافته است مفسران زیادی روی این حرف و سخن های را دارند و گفته اند بذکر موارد اشاره می گردد وبعد به مقام محمود پرداخته می شود. از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که از رسول الله سوال شد (أي الصلاة أفضل بعد المكتوبة؟)، قال: "الصلاة في جوف الليل"، قيل: أي الصيام أفضل بعد رمضان؟، قال؟ " شهر الله الذي تدعونه المحرم" 1 ترجمه: کدام نماز بعد از نماز های فرض با فضیلت تر است؟ رسول الله ﷺ فرمود نماز در نیمه شب، گفته شد کدام روزه بهتر است بعد از روزه ماه مبارک رمضان؟ رسول الله ﷺ فرمود روزه در ماه حرام الله متعال رسول خویش را بعد از نماز های فرضی به قیام شب، و نماز تهجد بعد از خواب می باشد امر نموده است این سخن علقمه، اسود، ابراهیم نخعی است 2 مفسرین زیادی هم بر این نکته مهر صحه گذاشته اند که این ویژگی مختص برای رسول الله ﷺ می باشد. امام ابن جریر طبری می فرماید: الله متعال برای نبی خوش دستور می دهد بپاس از شب برخیز بعد از خواب و این تکلیف (قیام شب) برای تو الزامی است نه بر امت! تهجد: بمعنی بیداری " بیداری بعد از خواب" 3 مفسرین معاصر شیخ شعراوی رحمه الله می فرماید: و این ویژگی برای رسول الله ﷺ است و زیادت از آنچه به امت او فرض گردیده است اینکه پاره از شب برخیزد نماز بگزارد برای الله متعال 4 چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴾ 5 ترجمه: ای جامه به خود پیچیده؛ شب، جز اندکی (از آن) بیدار بمان، نیمی از شب، یا کمی از نیمه بگاه (تا به يك سوم شب می رسد)

ما فاصله زیادی داریم با مهربانی های که زندگی بخش است، امروز ازین سنت وازین امر فاصله گرفته ایم وقتی که انسان در پاره از شب در پیشگاه پروردگار خویش استاد می شد. درحال که همه در خواب رفته اند و عبادت الله برای شان گرانی می نماید، اما استاد می شود به حضور الله متعال، مناجات کننده و با تضرع دعا نماید، بخواهد قطعا برایش رحمت فیوضات الله نازل می شود و کسی این سنت را از یکی ما آموخت قطعا ثواب خیر آن حصه برای ما نیز می باشد. مفسران در این قسمت قول الله متعال: ﴿نَافِلَةً لَّكَ﴾ گفته اند تو مخصوص استی در وجوب بودن این عبادت، برای همین بر رسول الله واجب گردانیده شد و نه بر امت ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ این قسمت آیه که هدف و مقصود از بحث می باشد. بدانیم معنی و مفهوم مقام چیست؟ در کجا می باشد؟ الله متعال در ابتدا آیه از ذکر تکلیف یاد آوری می نماید که به مثابه جزا می باشد بعد از آن پاداش را یاد آوری می

1 مسند احمد- مسند ابی هریره رضی الله عنه ج 13 ص 396

2 تفسیر القرآن العظيم (ابن کثیر) ج 5 ص 103

3 تفسیر الطبری ج 17 ص 523

4 تفسیر الشعراوی ج 14 ص 8701

5 سوره مزمل آیه 1 - 4

نماید، با کلمه عسی که دلالت می نماید: بر حدوث فعل، یعنی تمنی نیست که فعل آن غیر ممکن باشد بلکه ترجی می شد خواستن یک شی ممکن از مخاطب ترجی است و خواست یک شی غیر ممکن از مخاطب تمنی می باشد. مراد از مقام محمود در اینجا مقام شفاعت می باشد.

مقام محمود: وصف شده است بمعنی ستایش شده، هنگام مخلوق در ساحه حساب و در کنارهای موقف استاد می شوند مردم تمنی انصراف را می نمایند و مردم نزد هر نبی می روند رد می شوند اینکه تصمیم می گیرند، نزد خاتم المرسلین بروند و رسول الله ﷺ می فرماید من برای همین روز هستم¹ صاحب تفسیر ایسرالتفاسیر مقام محمود را مقام شفاعت عظمی تفسیر نموده: مَقَاماً مَّحْمُوداً – "مَقَامُ الشَّفَاعَةِ الْعُظْمَى" 2 بنا بر این گفته می توانیم مقام محمود کجا و چه زمانی می باشد امام طبری رحمه الله روایت می نماید: اکثر اهل علم فرمودند و آن مقام است که او ﷺ بر پا می دارد در روز قیامت برای شفاعت و یا بخاطر شفاعت تا نشان دهد پروردگار مردم را از بزرگی قدرت و از بزرگی آنچه مردم در آن روز می باشند. از ابن عباس رضی الله عنه روایت است: {هذا المقام المحمود: مقام الشفاعة} ترجمه: این مقام محمود همان مقام (استاد گاه) شفاعت است و این مطلب از مجاهد، حسن، ابن جریج از جمهور علما نقل شده که مراد از مقام محمود شفاعت می باشد 3 در آثار و احادیث زیادی در قسمت مقام محمود مطالبی نقل شده است جای بذکر صریح، مقام محمود و جای هم تلویحی، و جای هم تاویل شده است مثل مواردی که در تفسیر آیه مبارکه آوردیم از علما نقل قول های ذکر شد و به ذکر موارد صریح نیز پرداخته می شود. از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود هرکسی بگوید زمانیکه ندای اذان را می شنود: (اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً الَّذِي وَعَدْتَهُ؛ حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ) 4 ترجمه: کسی که چون اذان را بشنود بگوید: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ ... پروردگارا خداوند این دعوت تام و درود ثابت، برای محمد ﷺ و فضیلت را ارزانی کن! و او را به مقام نیکویی بفرست که بوی وعده کرده ای؛ در روز قیامت شفاعتم برایش لازم می شود. از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ در قسمت قول الله متعال ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً﴾ از مقام محمود سوال شد فرمودند آن شفاعت است 5 از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که می فرمود: (إِنَّ النَّاسَ يَصِيرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جُنًّا، كُلُّ أُمَّةٍ تَتَّبِعُ نَبِيَّهَا يَقُولُونَ: يَا فُلَانُ اشْفَعْ، يَا فُلَانُ اشْفَعْ، حَتَّى تَنْتَهِيَ

1 تفسیر الشعروای ج 18 ص 8703 با مقداری تصرفات در ترجمه و اختصار

2 ایسرالتفاسیر – اسعد حومد ج 3 ص 689

3 تفسیر الطبری ج 17 ص 527

4 مختصر صحیح البخاری ج 1 ص 202

5 سنن الترمذی سوره بنی اسرائیل امام البانی رحمه الله اثر صحیح می باشد ج 5 ص 303

الشَّفَاعَةُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَذَلِكَ يَوْمَ يَبْعَثُهُ اللَّهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ) 1 ترجمه: روز قیامت، مردم، گروه گروه می شوند. هر امتی، بدنبال پیامبرش می رود و می گوید: ای فلانی! شفاعت کن. ای فلانی! شفاعت کن. تا آنکه حق شفاعت به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم - عنایت می شود. پس این، همان روزی است که خداوند او را به مقام محمود می رساند

در حدیثی دیگری که از ابن عمر رضی الله عنه از پیامبر خدا ﷺ روایت است می فرماید: {إِنَّ الشَّمْسَ تَذْنُو يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرَقُ نِصْفَ الْأُذُنِ، فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ اسْتَعَاثُوا بِآدَمَ، ثُمَّ بِمُوسَى، ثُمَّ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} وَزَادَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ، حَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي جَعْفَرٍ: «فَيُشْفَعُ لِيُقْضَى بَيْنَ الْخَلْقِ، فَيَمْشِي حَتَّى يَأْخُذَ بِحَلْقَةِ الْبَابِ، فَيَوْمَئِذٍ يَبْعَثُهُ اللَّهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، يَحْمَدُهُ أَهْلُ الْجَمْعِ كُلُّهُمْ» { 2 ترجمه: روز قیامت خورشید به اندازه ای به مردم نزدیک می شود که بعضی در گرمای آن، تا گوششان به عرق می افتند، در آن هنگام از آدم سپس از موسی، سپس از محمد درخواست کمک و یاری می نمایند، پس محمد ص جهت قضاوت میان مردم شفاعت می کند، و به طرف در بهشت حرکت می کند تا اینکه حلقه ی آن را در دست می گیرد، پس خداوند او را به مقام ستوده ای و مکان برجسته ای که موجب ستایش همگان باشد می رساند.

ب: کوثر

ویژگی دیگری که روی آن بحث می شود عبارت: از کوثر است، روی هم رفته در باره ویژگی که برای تسلی رسول الله ﷺ داده شده است مروری می داشته باشیم. در قرآن کریم سوره به اسم کوثر داریم و علت مسمی سوره نیز مشخص است که کلمه کوثر در آنجا بکار رفته این ویژگی بزرگی برای رسول الله ﷺ می باشد والله متعال از اعطای (ویژگی) مهم برای رسول الله ﷺ خبر می دهد. الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ 3 ترجمه: ما به تو خیر و خوبی بی نهایت فراوانی را عطاء کرده ایم (که نبوت و دین حق و هدایت ، و هر آن چیزی است که سعادت دو جهان را به همراه دارد)

حال که چنین است تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی بکن، بدون شك، دشمن کینه توز تو بی خیر و برکت و بی نام و نشان خواهد بود. سوره کوثر یکی از موجزترین، کوتاه ترین سوره های قرآن کریم می باشد، که پیامی برای رسول الله ﷺ و دشمنان شان دارد و برای رسول الله از

1 صحیح البخاری سوره بنی اسرائیل الاسرا ج 4 ص 1748

2 صحیح البخاری باب من سال الناس کثیرا ج 2 ص 536

3 سوره کوثر 1- 3

بخشش و ویژگی خبر می دهد که هیچ احدی چنین چانس و برنده چنین جایزه از سوی الله متعال نشده است، برای دشمنان رسول الله ﷺ پیامی نا امید کننده و سرزنش کننده دارد، الله متعال برای رسول الله ﷺ اذعان می دارد ما برای تو "کوثر" را اعطا نمودیم پس برای همین تنها برای پروردگار خود نماز بگزار ... در راستای کوثر که چه است؟ و معنی آن چه می باشد؟ از رسول الله ﷺ احادیثی روایت شده است و علما هم تفسیر های نموده اند، در ذیل اشاره می شود.

معنی اول: در احادیث آمده است کوثر "نهر، جوی" از آب که در بهشت می باشد معنی شده است احادیث در این باره زیاد می باشد در اینجا تنها به احادیثی اکتفا می شود که مراد از کوثر نهر معنی شده است و در کتب ثقه حدیثی روایت ها درج گردیده اند. امام تر مذی از عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما از رسول الله ﷺ روایت می نماید: (الْكُوثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ، حَافَتَاهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَمَجْرَاهُ عَلَى الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ، ثُرْبَتُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَمَاؤُهُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَأَبْيَضُ مِنَ التَّلَاجِ) 1 ترجمه: کوثر نهری است در بهشت کناره های آن از طلا و آبش بر روی مروارید روان می شود و خاک آن خوشبو تر از مسک است و آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از برف سفید تر است در حدیث مذکور رسول الله ﷺ کوثر را نهری در جنت تفسیر نموده در قسمت اوصاف آن نیز ارشاد دارد (کناره های آن از طلا و آب بروری مروارید روان می باشد) و او بر آن بخشش برگزیده شده است. همچنان مشابه به حدیث گذشته امام بخاری رحمه الله از انس رضی الله عنه روایت می نماید: (لَمَّا عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ، قَالَ: " أَتَيْتُ عَلَى نَهْرٍ، حَافَتَاهُ قَبَابُ اللَّوْلُؤِ مُجَوَّفَا، فَقُلْتُ: مَا هَذَا يَا جِبْرِيلُ؟ قَالَ: هَذَا الْكُوثَرُ) 2 ترجمه: انس رضی الله عنه می گوید: بعد از اینکه نبی اکرم ﷺ بسوی آسمان به معراج برده شد، فرمود: « به نهری رسیدم که دو طرف آن، خیمه های ساخته شده از مروارید تهی، وجود داشت. پرسیدم: ای جبریل! این چیست؟ گفت: این، کوثر است امام بخاری در تفسیر سوره کوثر آیه اول سوره از عایشه رضی الله روایت می نماید ابو عبیده از عایشه سوال می نماید از قول الله متعال: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ) عایشه رضی الله عنها جواب می دهد: (هو نهر أعطيه نبيكم ﷺ شاطنأه عليه در مجوف آنیته كعدد النجوم) 3 نهری است که به پیامبر شما عطا شده است و در دو طرف آن، مروارید های میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است.

این قول اکثر صحابه کرام رضوان الله علیهم می باشد امام ابن حجر عسقلانی می فرماید: کوثر بر وزن فوعل می باشد از کثره برای این به کوثر مسمی شده است از جهت کثرت آب، گلاس، و بزرگی

1 سنن الترمذی ج 5 ص 449 امام ترمذی حدیث مذکور را حسن و صحیح خوانده است البانی حکم به صحت نموده

2 صحیح البخاری سوره کوثر ج 4 ص 1900

3 صحیح البخاری ج 6 ص 179

آن و خیر اش 1 این یکی از سه قول عمده که در راستای معنی کوثر شده می باشد و قول مرجوح از نص حدیثی همین قول است اما امام بدرالدین عینی یکی از شراح بخاری اقوال دیگری را نیز در راستای معنی کوثر که فراتر از پنج معنی می باشد نقل می نماید که عبارت از ؛ حوض، خیر کثیر، نهری از بهشت، قرآن و نبوت، هر آنچه خیر باشد، نور قلب، شفاعت، معجزات، کلمه توحید 2 قول دوم : معنی کوثر خیر کثیر می باشد: سخن ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر کوثر می باشد امام بخاری رحمه الله از ابن عباس روایت می نماید: ابن عباس میگوید در راستای کوثر: (هُوَ الْخَيْرُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ"، قَالَ أَبُو بَشِيرٍ: قُلْتُ لِسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ: فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ سَعِيدٌ: النَّهْرُ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ) 3 ترجمه: کوثر عبارت از خیر کثیری می باشد که الله متعال برای پیامبر بخشیده است، ابو بشیر می فرماید برای سعید ابن جبیر گفتم، مردم گمان و یا برداشت دارند، کوثر جوی آبی در بهشت می باشد، سعید گفت، نهری که در بهشت می باشد از خیر آن نهری است که برای پیامبر بخشیده شده است، این نظر ابن عباس و سعید ابن جبیر رضی الله عنهما بود که عده نیز در همین باور اند البته جمهور از مفسرین.

قول سوم: هدف از کوثر حوض می باشد: علما بخاطر گفته اند از جهت حدیثی که در این باب می آید: (عن أنس قال بيّن رسول الله ﷺ ذات يوم بين أظهرنا إذ أغفى إغفاءة ثم رفع رأسه متبسما فقلنا ما أضحكك يا رسول الله قال أنزلت علي أنفا سورة فقرأ بسم الله الرحمن الرحيم (إنا أعطيناك الكوثر فصل لربك وانحر إن شانئك هو الأبتر) ثم قال أتدرون ما الكوثر فقلنا الله ورسوله أعلم قال فإنه نهر وعدنيه ربي عز وجل عليه خير كثير هو حوض ترد عليه أمتي يوم القيامة آنيته عدد النجوم فيختلج العبد منهم فأقول رب إنه من أمتي فيقول ما تدري ما أحدثت بعدك) 4 ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که گفت: یکی از روزها، هنگامی که پیامبر ﷺ در میان ما بود، ناگاه به خوابی سبک رفت و سپس بعد از مدتی با تبسم سرش را بلند کرد؛ عرض کردیم: ای پیامبر خدا! چه چیزی تو را به خنده واداشته است؟ فرمودند: «لحظه ای پیش، این سوره بر من نازل شد: (به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ما به تو کوثر (خیر بی نهایتی) را بخشیدیم حال که چنین است تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی کن. بدون شک دشمن کینه توز تو بی خیر و برکت و بی نام و نشان خواهد بود» سپس فرمودند: آیا می دانید که کوثر چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش آگاه ترند؛

1 فتح الباری شرح صحیح البخاری ج 8 ص 732 أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني یکی از علمای اعلام امت ناشر: دار المعرفة - بیروت،

1379 به تحقیق محمد فواد عبد الباقي عدد اجزاء: 13

2 عمده القاری شرح صحیح البخاری ج 20 ص 3 - أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابی الحنفی بدر الدین العینی مؤرخ، علامه، من كبار المحدثين (متوفی: 855هـ) ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت (ب ت) عدد أجزاء: 25

3 صحیح البخاری سوره کوثر ج 4 ص 1900

4 صحیح المسلم - عبد الباقي ج 1 ص 300

فرمودند: کوثر نهری است در بهشت که پروردگار مرا به آن وعده داده است، ظروفش (جام هایش) از تعداد ستارگان بیشتر است، اتم در آن جا بر من وارد می شوند.

در میان آن ها جلو یکی به شدت گرفته می شود (مانع آمدن او به آنجا می شوند) و من می گویم: خدایا! او نیز از امت من است، خداوند می فرماید: تو نمی دانی که او بعد از تو چه کارهایی کرد این سه قول مشهوری بود، که در قسمت معنی کوثر شده است اما معنی اول (جوی آبی در بهشت) نزدیک به صواب و صحیح می باشد به وجود نص حدیثی و حدیث های که در باب نهر در مورد آمده است اما قول دوم مخالفتی در قول اول ندارد ولی معنی عام را افاده می نماید

اما احادیث معنی خاص "نهر" را افاده می نماید اما آنچه در معنی سوم آمده این است که حوض آب خود از اهمیت نهر می گیرد این ویژگی و این بخشش تنها مختص رسول الله ﷺ می باشد که در روز گار سخت قیامت برای او نصیب شده است و هیچ احدی از انبیا را چنین منزلتی، شرافتی و بزرگی نصیب شان نگردیده است. ﷺ و آله و صحبه.

مطلب سوم: آنچه از ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ برای امت شان در دنیا

لازم بباد آوری است در تقسیمات گفتیم از ویژگی های که تنها به رسول الله ﷺ اختصاص یافته به چهار دسته تقسیم می شود ویژگی های رسول الله ﷺ در دنیا، در آخرت و ویژگی های امت آن در دنیا و ویژگی های امت آن آخرت در واقع این دونوع آخری تکمیل و ویژگی ها و تقسیم اولی می باشد. دیگر هیچ احدی از انبیا چنین ویژگی را ندارد. یکی از آن موارد عنوان موضوع است که در صدد تبیین آن می باشیم مثال آن اگر مدینه مدینه است به سبب هجرت رسول الله ﷺ و اقامت شان در آن سرزمین می باشد و یا شرافت غار ثور در نزول قرآن و حضور رسول الله ﷺ در آنجا می باشد اگر ویژگی برای امت است آن از سبب رسول الله ﷺ می باشد. الله متعال امت محمد را فضیلت برتری داده نسبت به سایر امت های دیگری پیامبران "کرامت، بخشش های "زیادی را در دنیا برای شان بخشیده است، که برای دیگران چنین بخشش ها و اعطا های نشده و این همه را الله متعال بخاطر اکرام و تشریف رسول الله ﷺ می نماید. اگر امت محمد به این درجه از اکرام و بزرگی، بخشش ها رسیده است در پیروی از رسول الله ﷺ و شریعت آن بوده است، از جمله ویژگی های امت: خیرالامم، حلال گردیدن غنیمت، زمین برای شان مسجد گردید، صف های شان در نماز مثل صف های ملائکه می باشد و موارد دیگر که در ضمن بحث خواهد آمد ان شاء الله تعالی

الف: خیر الامم

امت را الله متعال شرف، عزت، و بزرگی بخشیده است، که هیچ امتی چنین ویژگی ها و برتری های را ندارد الله متعال در قرآن کریم سوره آل عمران مهربانی می نماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾¹ ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می نمائید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که برآیند. ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند.

آیه مذکور پیام واضح و یک ویژگی ویژه ای را تبارز می دهد، البته متمسک بودن امت محمد به آن ویژگی از برای این امت، موقف خاص، حساب، و دور خاص می باشد "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ" برای همین آیه هم که هست لازم می باشد این امت باید قیمت و ارزش خود را بداند، بداند که این امت برای مشعل داری برگزیده شده است برای دیگران! و این امت لابد؛ قیادت رهبری را در دست گیرد برای اینکه اینها بهترین امت ها اند انتخاب شده از بین امم می باشند. باید لوای خیر در دست اینها باشد و نه لوای شر لازم است باید از آنچه از خیر به دست دارد برای دیگران ارزانی نماید، بخل نورزد، کاستی و تنبلی را ننماید، تصور درست از دین بدهد، از عقیده و باور صحیح، اخلاق صحیح، علم درست حسابی، امروزه بخشی از مشکلات بزرگی مسلمانان بر می گردد به باور های غلط و خشکی که از دین برای شان داده می شود یا از باور های بیرونی که می گیرند و این برای عام امت درد سر ساز شده است. از واجبات امت است که امر به معروف نمایند: ای امت محمد شما بهترین امت هستید و بهترین امم و خیر رسان ترین مردم امر به معروف نمایید. امر به معروف که عبارت: از شی شناخته شده باشد حسن آن شرعا و عقلا و منع نمایید از منکر آن عبارت: از شی که شناخته شود بدی اش شرعا و عقلا و ایمان بیاورید به الله ایمان جازم که تایید نماید عمل شما 2

این پیام از امت میخواهد که مشعل دار باشند، قیادت مرکزی در دست شان باشد از هر بعد که بنگریم شایسته قیادت و رهبری امت خیر می باشد بر ماست تا بر مقتضیات زمان خود را آراسته، آماده بسازیم به علوم معاصر، به عمران های زمین که بحق سزاوار چنین جامعه مسلمانان اند تا در برابر هر آنچه حیات بشر را در خطر می اندازد مثل "فساد" قد علم نمایند این خصوصیت میراثی نمی

1 سوره آل عمران آیه 110

2 تفسیر المیسر ج 1 ص 64

باشد مثل که دیگران ادهای از پیش خود نموده اند بلکه این ویژگی به اساس عمل برحیات بشر که منع از منکرات امر به معروف همراه با ایمان که هردو را محدد می سازد می باشد 1 طور که در ابتدا یاد آوری نمودم اگر این امت به این درجه از تشریف و تکریم رسیده به سبب نبی علیه السلام می باشد او ﷺ مکرم ترین انبیا، و با عزت ترین خلق خدا می باشد. الله متعال او را با شریعت کامل فرستاده که قبل از او چنین چیزی را به احدی اعطا ننموده است و این امت، امت وسط، امت بر گزیده شده و امت شاهد بر دیگران می باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴾ 2 ترجمه: و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس امّاره است، پیروز گردد) خدا شما را (از میان مردم برای یاری دین خود) برگزیده است (و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است) و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظائفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است این دین همان) آئین پدرتان ابراهیم است خدا شما را قبلاً (در کتابهای پیشین) و در این (واپسین کتاب) مسلمین نامیده است (و افتخار تسلیم در برابر فرمانهای الهی را به شما داده است و شما را الگو و اسوه حسنه ملتّهای دیگر کرده است) تا پیغمبر (با شهادت عملی خود) گواه بر شما باشد (و در روز قیامت رفتار و کردارش مقیاس سنجش اعمال شما مسلمانان گردد) و شما هم (با شهادت عملی خود) گواه بر مردمان باشید (و رفتار و کردارتان به عنوان امت نمونه، محک سنجش اعمال سایرین، و الگوی بارز خداپرستان راستین گردد) پس (برای حصول این منظور) نماز را بخوانید و زکات مال به در کنید و به خدا چنگ زنید که سرپرست و یاور شما او است، و چه سرور و یاور نیک و چه مددکار و کمک کننده خوبی است

در آیه مذکور الله متعال به صراحت بیان می دارد که (هُوَ اجْتَبَاكُمْ) او شما را برگزیده و انتخاب کرده است در دین حرجی و تکلیف بر شما نیست ... احادیث زیادی در این موضوع از رسول الله ﷺ روایت شده فقط به ذکر چند مورد اکتفا می نمایم. از بهز پسر حکیم روایت است او از رسول الله ﷺ شنیده که در قسمت این قول الله متعال ﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ﴾ قَالَ: (أَنْتُمْ تُتِمُّونَ سَبْعِينَ أُمَّةً أَنْتُمْ

1 خصائص الرسول ﷺ ص 128 / خصائص الكبرى ج 2 ص 361

2 سوره حج آیه 78

خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ¹ ترجمه: شما تمام کننده هفتاد امت هستید که از همه آن ها بهتر، و گرامی ترین آن ها نزد خداوند می باشید

چنانچه امام احمد رحمه الله روایت می نماید: (أَعْطَيْتَ مَا لَمْ يُعْطِ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ"، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هُوَ؟ قَالَ: "نَصَرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأَعْطَيْتَ مَفَاتِيحَ الْأَرْضِ، وَاسْمَيْتَ أَحْمَدَ، وَجَعَلْتَ التُّرَابَ لِي طَهُورًا، وَجَعَلْتَ أُمَّتِي خَيْرَ الْأُمَمِ) 2 ترجمه: به من چیزهایی داده شده است که به هیچیک از پیامبران داده نشده است، گفتیم: ای رسول خدا، آنها چه هستند؟ فرمود: خدا رُعب و هراس از مرا در دل دشمنانم انداخت و با آن یاریم کرد و به من کلیدهای زمین داده شده، به اسم احمد نام گذاری شدم، خاک برایم وسیله پاک کننده قرار داده شده و امتم بهترین امتها قرار داده شده است. در مورد بهترین امت بودن این امت و عناصر وجود آن کتاب های زیادی نوشته و آثار زیادی هم نقل شده که از حیطه بحث بیرون است در موارد ذکر شده اکتفا نموده امید وارم که حق مطلب در ذکر مطالب ادا شده باشد.

ب: حلال گردیدن غنیمت به امت محمد ﷺ

ویژگی دیگری که روی آن موضوع بحث می شود، حلال گردیدن غنیمت برای امت خاتم المرسلین می باشد امت های قبل از امت آخرین به دونه بودند: امت که اصلا جهاد مبارزه نداشته اند و فرض نگردیده بود برای شان و غنیمت هم طبعی نداشتند، قسم دوم: امت های بودند که اذن جهاد برای شان شده بود ولی غنیمت برای شان حلال نبود. از نشانه های قبولیت جهاد، مبارزه شان این بود که مال را جمع می نمودند و آتشی از آسمان آمده او را می بلعید و اگر قبول نمی شد چنین واقعه از آسمان نمی آمد از عمده ترین موارد عدم قبولیت دزدی و خیانت در مال غنیمت بود³ اما الله متعال بر این امت رحم نمود، ضعف هایش را نیز پر نمود و این یکی از ویژگی های امت محمد ﷺ می باشد که به سبب رسول الله ﷺ این ویژگی ها برای این امت داده شده است. الله متعال در سوره انفال می فرماید: ﴿كُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾⁴ ترجمه: اکنون از آن چیزی که (از فدیة اسیران) فراچنگ آورده اید حلال و پاکیزه بخورید و (دغدغه ای به خود راه ندهید و در همه کارهایتان) از خدا بترسید . بیگمان یزدان (سبحان نسبت به بندگان که به درگاه او برگردند) بسیار آمرزنده و مهربان است. از جابر پسر عبد الله روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: (أعطيت خمسا لم يعطهن أحد قبلي: نصرت بالرعب مسيرة شهر، وجعلت لي الأرض مسجدا وطهورا، وأيما رجل من

1 سنن ترمذی باب ومن سوره العمران ج 5 ص 226 امام البانی حکم به حسن بودن می نماید

2 مسند احمد - مسند علی ابن ابی طالب رضی الله عنه ج 2 ص 156 شعیب ارنؤوط اسناد حدیث حسن است

3 خصائص الرسول ﷺ ص 148

4 سوره انفال آیه 69

أمتي أدركته الصلاة فليصل، وأحلت لي الغنائم، ولم تحل لأحد قبلي، وأعطيت الشفاعة، وكان النبي يبعث إلى قومه خاصة، وبعثت إلى الناس عامة(1) ترجمه: پنج چیز به من داده شده که قبل از من به هیچ کس نداده اند هر پیامبری فقط برای قوم خود مبعوث می شد ولی من برای هرسرخ و سیاهی یعنی برای تمام مخلوقات (انس و جن) مبعوث شده ام. غنائم جنگی برای من حلال است درحالیکه برای هیچکدام از پیامبران قبل از من حلال نبود، زمین برای من پاک، پاک کننده و جای سجده قرار داده شد. هر جا نماز فرا رسید، هر فردی هنگام نماز می تواند هر جا که باشد نماز خود را به جای آورد (ولی برای پیغمبران قبل اینگونه نبود فقط می توانستند در عبادتگاه های مخصوصی نماز بخوانند). بوسیله ترس نیز تا فاصله يك (ماه) از دشمن یاری شده ام. (یعنی دشمن در فاصله يك ماه از دیدن من می ترسد)، به من شفاعت داده شده (منظور شفاعت عظمی) است

ج: برداشتن حرج از زندگی (در عبادت، در خوراکي ها...)

الله متعال برای این امت رحم و کرمی بیش از حد نموده است از جمله: برداشتن سختی ها، مشقت ها و حرج از امت محمد ﷺ می باشد. برای همه ما واضح و روشن است امت های قبل از امت محمد ﷺ وضعیت عبادی، اجتماعی شان چگونه بوده است و از امت محمد ﷺ چگونه است؟! به مشقت های عبادی، اجتماعی که گرفتار بودند و تکلیف هایکه بر آنها وضع شده بود ولی هیچ یکی از آن مشقت ها بر امت محمد نیست. موارد زیادی از نعمت هایش را الله متعال بر این امت حلال گردانیده که به امت های سابق حلال نبود مثل: در باب مال غنیمت یاد آور شدیم، بر این امت شدت، سختی نیست، تکلیف و حرجی وجود ندارد بقدر وسع بشری عبادت می نماید و به اندازه توانش مکلف گردیده است. الله متعال مهربانی می نماید: ﴿جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾2 ترجمه: و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس اماره است ، پیروز گردید) خدا شما را (از میان مردم برای یاری دین خود) برگزیده است (و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است) و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظائفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است. این دین همان)

1 صحیح البخاری - کتاب التیمم ج 1 ص 128

2 سوره حج آیه 78

آئین پدرتان ابراهیم است. خدا شما را قبلاً (در کتابهای پیشین) و در این (واپسین کتاب) مسلمین نامیده است (و افتخار تسلیم در برابر فرمانهای الهی را به شما داده است و شما را الگو و اسوه حسنه ملت‌های دیگر کرده است) تا پیغمبر (با شهادت عملی خود) گواه بر شما باشد (و در روز قیامت رفتار و کردارش مقیاس سنجش اعمال شما مسلمانان گردد) و شما هم (با شهادت عملی خود) گواه بر مردمان باشید (و رفتار و کردارتان به عنوان امت نمونه، محک سنجش اعمال سایرین و الگوی بارز خداپرستان راستین گردد) پس (برای حصول این منظور) نماز را بخوانید و زکات مال به در کنید و به خدا چنگ زنید که سرپرست و یاور شما او است، و چه سرور و یاور نیک و چه مددکار و کمک کننده خوبی است. در آیه مذکور چند ویژگی برجسته این امت ذکر شده است که گفته می‌توانیم در باره بیشتر تعمق نماییم باید کتاب‌ها نوشته شود جهاد، برگزیدن الله متعال این امت را، عدم حرج در دین، اسم این قوم مسلمان می‌باشد چه جای افتخاری است که اسم این امت از فوق آسمانها گذاشته شده است شهادت پیامبر براین و شهادت این قوم بر سایر امت‌ها ... طور که یاد آور شدم در باره هر یکی موضوعات کتابها نوشته شده و می‌توان نوشت.

الله می‌فرماید: ﴿هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ او شما را برگزید قیمت این برگزیدن این است که ما اهل برگزیدن باشیم بعد می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ الله متعال مهربانی می‌نماید شما را برگزیدم، و با انخاب ننمودم که مشقت، تکالیف، و در تنگنا قرارتان دهم، تمام آسان گردانیده شده و عبادت به اندازه توان، از شما حرج، تنگی، دور گردانیده شده و مقداری تخفیف، رخصت از برای شما کرده است کسی مثلاً اگر استاده نماز خوانده نمی‌تواند نشسته نماز بخواند و کسی مریض اگر است افطار نماید و برای فقیر زکات، حج نیست 1 امام قرطبی رحمه الله می‌فرماید: و این آیه داخل می‌شود بر موارد زیادی از احکام و این از جمله ویژگی‌های است که الله متعال بر این امت داده است 2 چنانچه الله متعال در جای دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ و لکن برای تان ای امت محمد مشقت، تنگی و سختی در عبادت، اجتماع و اقتصاد گذاشته نشده است و مکلف نشده اید مگر به چیزی که توان دارید الله متعال در سوره مائده مهربانی می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ

1 تفسیر الشعراوی ج 16 ص 9950

2 تفسیر قرطبی ج 10 ص 100

اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿1﴾ ترجمه: ای مؤمنان
 هنگامی که برای نماز بپا خاستید (و وضو نداشتید) صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشوئید
 و سرهای خود (همه یا قسمتی از آنها) را مسح کنید، و پاهای خود را همراه با قوزکهای آنها بشوئید.
 و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید، همه بدن) خود را بشوئید. و اگر بیمار بودید (و بیماری
 مانع از استعمال آب بود) یا این که مسافر باشید (و یافتن آب برایتان دشوار بود) یا این که یکی از
 شما از پیشاب برگشت، یا با زنان مجامعه کردید، و (در همه این صورتها، آب برای غسل یا
 وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید، (بدین شکل که دو بار کف دست بر خاک زده و) با آن بر
 صورتها و دستهای خود (تا مچ یا آرنج) بکشید. خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت
 اندازد و بلکه می خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت
 خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را به جای آورید.
 الله متعال بعد از ذکر موارد تعبدی بیان می دارد که پروردگار اراده اینرا ندارد شما در مشقت تکلیف
 باشید واضح می سازد که برای شما امت محمد ﷺ تخفیف ها و رخصت های آمده وضع شده است در
 جای دیگری در سوره بقره الله متعال می فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ
 بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ
 يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ 2
 ترجمه: آن چند روز معین و اندک (ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است (و آغاز
 به نزول نموده است و در مدت 23 سال تدریجاً به دست مردم رسیده است) تا مردم را راهنمایی کند
 و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق و حقیقت) باشد و (میان حق و باطل در همه ادوار)
 جدائی افکند. پس هر که از شما (فرا رسیدن) این ماه را دریابد (چه خودش هلال را رؤیت کند و چه
 با دیدن دیگران فرا رسیدن رمضان ثابت شود) باید که آن را روزه بدارد. و اگر کسی بیمار یا مسافر
 باشد (می تواند از رخصت استفاده کند و روزه ندارد و) چندی از روزهای دیگر را (به اندازه آن
 روزها روزه بدارد) خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و (خداوند ماه
 رمضان و رخصت آن را برای شما روشن داشته است) تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید
 و خدا را بر این که شما را (به احکام دین که سعادتتان در آن است) هدایت کرده است، بزرگ دارید
 و تا این که (از همه نعمتهای او) سپاسگزاری کنید

1 سوره مائده آیه 6

2 سوره بقره آیه 185

الله متعال بعد از رخصت برای مریض و مسافر از گرفتن روزه در ایام سفر و مریضی می فرماید الله اراده آسانی سمح بر شما دارد و نه اراده سختی و مشقت این ویژگی تنها برای این امت می باشد و تنها این امت است به چنین ویژگی های نایل آمد است به سبب تکریم و تشریف رسول الله ﷺ می باشد همه آن انعام های منحصر به امت، آیات دیگری نیز در قرآن در دین اکراه نیست و الله هیچ نفسی را بیشتر از توان اش مکلف نمی سازد هست به همین موارد مذکور اکتفا می نمایم احادیث و آثار زیادی است که در ذکر چند مورد اشاره می شود.

حدیث اول : از عائشه رضی الله عنها روایت است که ایشان همراه دختران مصروف ساعت تیری بودند و نبی علیه الصلوة والسلام در محل می آیند، عروه ابن زبیر از خاله خویش ام المونین عایشه رضی الله عنها روایت می نماید که رسول الله ﷺ فرمودند: در این روز یهودی ها بدانند که در دین ما فراخی (تسامح، احترام به سایر ادیان، و تحمل دید گاه) وجود دارد و من فرستاده شدم به دین حنیف که در او فراخی و وسعت است¹ از ابوسعید بن ابی برد رضی الله عنه از پدرش روایت می کند که پیغمبر پدر بزرگ او (ابو موسی) و معاذ را به یمن فرستاد، به آنان دستور داد که: بر مردم سهل گیر باشید و از سخت گیری پرهیز نمایید، مردم را تشویق کنید، به آنان مژده سعادت و خوشبختی بدهید، از متفر ساختن افراد بر حذر بوده باهم متفق و در اطاعت هم باشید² مثل: روایت انس ابن مالک رضی الله عنه " پیغمبر ﷺ فرمود: بر مردم سهل گیر باشید، از سخت گیری پرهیز کنید، و مردم را تشویق و امیدوار نمایید و آنان را از دین متفر نکنید " 3 حدیث دیگری نیز از حذیفه رضی الله عنه مب فرماید: (بَلَّغَهُ أَنَّ أَبَا مُوسَى كَانَ يَبُولُ فِي قَارُورَةٍ وَيَقُولُ: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا (1) إِذَا أَصَابَ أَحَدُهُمُ الْبَوْلُ قَرَضَ مَكَانَهُ، قَالَ حَذِيفَةُ: وَدِدْتُ أَنَّ صَاحِبَكُمْ لَا يُشَدُّ هَذَا الشَّدِيدَ، لَقَدْ رَأَيْتُنِي نَتَمَاشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَنْتَهَيْنَا إِلَى سُبَّاطَةٍ، فَقَامَ يَبُولُ كَمَا يَبُولُ أَحَدُكُمْ، فَذَهَبْتُ أَتَنَحَّى عَنْهُ فَقَالَ: " ادْنُهُ "، فَذَنُوتُ مِنْهُ حَتَّى كُنْتُ عِنْدَ عَقِبِهِ) 4 ترجمه: پیامبر ﷺ به محل زباله دانی قومی رسید و ایستاده ادرار کرد و من دور شدم، سپس فرمود: «بیا جلو»، آنقدر به وی نزدیک شدم که کنار پاشنه های پایش ایستادم، آنوقت وضو گرفت و بر روی «خفین» مسح کرد]

در روایت دیگری انس ابن مالک رضی الله عنه می فرماید: {أَنَّ الْيَهُودَ كَانُوا إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ فِيهِمْ لَمْ يُوَاكِلُوها وَلَمْ يَجَامِعُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ فَسَأَلَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ ﷺ النَّبِيَّ ﷺ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى « وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ »! إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اصْنَعُوا كُلَّ

1 مسند احمد - مسند صدیقه ج 41 ص 349

2 صحيح البخارى باب بعث ابى موسى ومعاذ الى يمن ج 4 ص 1579

3 اللوء لوء والمرجان ج 2 ص 441

4 صحيح البخارى باب البول عند صاحبه ج 1 ص 90

شيء إلا النكاح فبلغ ذلك اليهود فقالوا ما يريد هذا الرجل أن يدع من أمرنا شيئاً إلا خالفنا فيه فجاء أسيد بن حضير وعباد بن بشر فقالا يا رسول الله إن اليهود تقول كذا وكذا فلا نجتمعن فتغير وجه رسول الله ﷺ....1 ترجمه: يهود بودند هنگام که خانم ها ماه واری شدند همراهی آنها خورد و نوش نمی نمودند در خانه همراهی شان یکجا نمی شدند اصحاب در مورد از پیامبر پرسان نمودند آیه (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ.....) نازل شد. پیامبر فرمود همه چیز همراهی شان (خورد نوش، لمس؛ بوسه) انجام دهید مگر همبستری (یکجای) ننماید این خبر به یهود رسید فرمودند این مرد چه می خواهد هیچ امری از ما نیست مگر اینکه مخالفت می نماید در آن امر، اسید پسر حضیر و عباد پسر بشر گفتند ای رسول خدا یهود چنین و چنان می گویند درباره ات پس ما هم در اجتماع یکجا نمی شویم، رسول الله ﷺ خشمگین شد از آیات و احادیث که ذکر شد و آثار که وجود دارد برای ما واضح می سازد که این ویژگی تنها مختص و شرف نصیب امت محمد ﷺ شده است.

مطلب چهارم: ویژگی های اختصاص یافته به رسول الله ﷺ در آخرت به امت شان

شهادت بر امت های سابق

طور که قبلاً بیان شد، ویژگی های را در بحث های خویش روی آن بحث می نماییم که در قرآن کریم بطور صریح و یا اشاروی ذکری رفته باشد و روی آن ویژگی ها تمرکز داشته در این رساله گنجانبه شده است در این مطلب نیز فقط یک عنوان (شهادت بر امت) های سابق مورد مذاقه قرار میگیرد. الله متعال امت محمد ﷺ را بهترین امت و افضل ترین امت بر گزیده و انتخاب نموده است امت که با بهترین و کامل ترین شریعت، اقوام ترین منهج، انتخاب شده از جانب الله متعال امت محمد ﷺ می باشد، امت وسط است، غلوی در دین این امت چنانچه امت های سابق در دین خویش غلو مینمودند دیده نمی شود و مثل یهود تفریط نکرده اند این دلایل و دلایل دیگری است که الله متعال این امت را شاهد بر امت های گذشته گردانیده است

امت هیچ نبی و رسولی نیست که انکار می نماید از ارسال پیام توسط آن نبی و رسول مگر امت رسول الله ﷺ بر او شهادت می دهد به رساندن و تبلیغ کردن آن انبیا پیام آسمانی و مسئولیت های که بدوش داشتند، مجرد شهادت؛ آن شهادت و قول پذیرفته می شود از جهت فضل و منزلت که این امت دارد. الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ

1 صحیح مسلم باب جواز غسل الحائض راس زوجها وكل و ترجمه ج 1 ص 246

وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ¹

ترجمه: و بی گمان شما را ملت میانه روی کرده ایم (نه در دین افراط و غلوی می ورزید، و نه در آن تفريط و تعطیلی می شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می دارید و آمیزه ای از حیوان و فرشته اید) تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفريط مادیگرایان لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته و بر افراط تارکان دنیا و ترك لذائذ جسمانی کرده ، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید) و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته ای از شما راه او گیرد ، و یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود ، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجت و گواه باشد) و ما قبله ای را که بر آن بوده ای (و تا کنون به سوی آن نماز خوانده ای و هم اینک فرمان روکردن به جهت کعبه صادره شده است) قبله ننموده بودیم مگر این که بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می نماید و چه کسی بر پاشنه های خود می چرخد (و به عقب بر می گردد تا صف ثابت قدمان بر ایمان ، و فرصت طلبان بی ایمان از هم روشن و جدا شود) و اگرچه (تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است بدان رو کند) بس بزرگ و دشوار است مگر بر کسانی که خدا ایشان را رهنمون کرده باشد (به احکام دین و راز قانونگذاری و بداند که هدف از روکردن به این سو یا آن سو اطاعت فرمان خدا است نه به خاطر تقدس خود جهات) و خدا ایمان شما را (که انگیزه پیروی از پیغمبر است) ضایع نمی گرداند (و اجر و پاداش عبادات قبلی شما را هدر نمی دهد چه) بی گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است.

امام عزالدین ابن عبد السلام رحمه الله می فرماید: از جمله ویژگی های این امت! الله متعال گردانیده امت محمد را بمنزله عادل از حکام، الله متعال هنگام که حکم نماید در بین بندگان، پس انکار می نمایند امت های گذشته، از تبلیغ و فرستادن نبی و رسول امت محمد ﷺ حاضر کرده می شود شاهی می دهند بر مردم بر اینکه رسول شان برای آنها (پیام آسمانی) را رسانده است و این ویژگی برای هیچ یکی از انبیا علیهم السلام ثابت نشده است² در آیه مذکور سه مسئله در بخش آیه مورد بحث می باشد امت وسط، شهدا بر امت های گذشته، تزکیه رسول الله ﷺ بر شهادت امت. مورد هدف مذاقه ما شهادت امت وسط در روز باز پسین بر امت های که از رسالت انبیاء و رساندن پیام آسمانی انکار می نمایند، این امتیازی است که برای هیچ نبی حتی داده نشده و مورد بحث ما همین موضوع می باشد لازم است بر وسط بودن امت وضاحتی داده شود، امت وسط: ؟ معنی امت وسط در این آیه چیست ؟ وسط بین دو طرف را میگویند مثل اینکه کسی بگوید مرا در وسط قرار قافله قرار دهید، تا درامن

1 سوره بقره آیه 143

2 بدایه السؤل فی خصائص الرسول ﷺ ص 69

باشم نه از قافله بمانم ونه هم پیشا پیش قافله بگردم، ضرر دار شوم 1 در ابتدا یکطرف بعد وسط بعد قسمت آخری یعنی بین دو طرف شی وسط می باشد، نصف یکی شی را هم وسط می گویند در اینجا هدف چیزی دیگری می باشد امت وسط را علمای لغت بمعنی عدل معنی نمودند و جمع کثیری دیگری از علمای تفسیر نیز بمعنی عدل تمرکز نمودنمودند در جایش اشاره می شود. شیخ شعرای رحمه الله می فرماید: معنی امت وسط؟ وسط در ایمان، در عقیده، هستند ویا بودند کسانی که وجود الله " اله " حق را انکار نمودند و کسانی هم در تعدد اله اسراف نمودند و هر دوی اینها مخطی بودند اسلام دین وسط در بین تنازع وتعدد اله والحاد می باشد.

اسلام دین وسط در بین روح وماده می باشد 2 در حدیثی از رسول الله ﷺ روایت شده در قسمت قول الله متعال: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ قال: "عدلا" 3 پیامبر ﷺ تصریح نمودند مراد از وسط عدل است. الله متعال بعد از جمله امت وسط مسئله شهادت این امت بر امت های گذشته را پیش کش می نماید به این دلیل که تمام منهج ها، تمام فکر و اندیشه ها نابود شدنی است بجز منهج اسلام و شریعت محمدی ﷺ این امتی است که برای شان همه خوبی ها جمع شده است، علم حلم، موارد زیادی را الله متعال بر این امت بخشیده که برای هیچ امتی در مقایسه نبخشیده است و برای همین است. الله متعال می فرماید ما شما را امت وسط عادل، کامل انتخاب نمودیم برای چه؟ ﴿الَّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ شمارا گردانیدیم امت برگزیده عدول، تا اینکه شهادت بدهید بر امت های گذشته در روز باز پسین، برای اینکه انبیاء، رسول های شان پیام پروردگار را رساندن ومی باشد رسول الله شاهد بر شما 4 شُهَدَاء: ؟ در قرآن کریم واحادیث گرانبهای رسول الله ﷺ آثار ، وفقه اسلامی به اصطلاحات شُهَدَاء ، شاهد، شهید، بر می خوریم لازم می دانم مقداری روشنی بیندازم در اینجا که مراد از شُهَدَاء در روز باز پسین آن روز سخت، چیست ودر معنی کلمات کدام تفاوت دیده می شود یا خیر؟ شُهَدَاء: آنکه در راه خدا کشته شده باشد، ویا بمعنی شاهد یا گواه، آنکه چیزی را فراموش نکند، آنکه در شهادت خود امانت را رعایت کند 5 در دو بخش کلمه شُهَدَاء را صاحب فرهنگ ابجد معنی نموده که یا برای کسی جان شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشته در اره اعلائی کلمه الله مبارزه می نماید و تا در آخرین رمق حیات جان فشانی می نماید نهلیت شهید می شود ویا بمعنی شاهد که که قضیه را در جریان بوده در وقت انکار مدعی علیه بر او شهادت، گواه می دهد و آن صحنه را از

1 لسان العرب ج 7 ص 426

2 تفسیر الشعراوی ج 1 ص 626

3 الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان ج 16 ص 199- محمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُيُوتِي (متوفى: 354هـ) ترتيب: امير علاء الدين علي بن بليان لفارسي (متوفى: 739 هـ) وشعيب ارنوط تخريج نموده است چاپ اول 1988 مؤسسة الرسالة، بيروت عدد أجزاء: 18

4 تفسیر الميسر ج 1 ص 22

5 فرهنگ ابجد عربی- فارسی نویسنده فواد افرام بستانی مترجم رضا مهیار نشر اسلامی - تهران 1376 ج 1 ص 1438

یاد نمی برد و بر آن گواهی می دهد و حق را اظهار می نماید که هدف از بحث مورد دومی مراد می باشد. امام راغب اصفهانی رحمه الله نیز در کتاب گرانسنگ مفردات قرآنی خویش در این باره سخن های دارند می فرمایند: شاهد و شهید و (شهداء)- هر سه در يك معنى گفته می شود 1 امام راغب با جمع آوری آیات زیادی از قرآن کریم که در آن کلمه شاهد، شهید، شهداء بکار رفته هریکی را معنى مقصود آنرا بیان نموده، تا حد ممکن واضح می سازد تفاوت زیادی نیست در بین کلمات معنى مشابه دارند مثل موارد ذیل: ﴿وَلَا يَأْبَى الشُّهَدَاءُ﴾ (از شهادت دادن دریغ نورزند) ﴿وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ﴾ شهدت کذا: حضور یافتن و بر آن شهادت دادم ﴿شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ﴾ (گوشهانشان علیه آنها گواهی می دهد) و گاهی هم شهادت بمعنی داوری می آید: ﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا﴾ (اشاره به داوری نمودن کسی است که می گوید: اگر پیراهن یوسف از جلو یا عقب پاره باشد چنین و چنان است که- شهد- در اینجا یعنی: داوری کرد). و همچنین واژه- شهادة- در معنى اقرار، در آیه: ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ﴾ 2 (مربوط به همسرانی است که به یکدیگر نسبت زنا دهند و در آیه می گوید: اگر گواهانی جز خودشان نداشتند پس اقرار هر يك از ایشان اینست که چهار بار به خدای سوگند یاد کند که او را راستگوست) این امر در آیه شهادت بر نفس خویش است. و در آیه هشتاد و یک سوره یوسف ﴿وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا﴾ یعنی خبری نداریم مگر آنچه آموختیم. خدای تعالی گوید: ﴿شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ﴾ یعنی: (علیه خویش و اثبات کفر خویش گواهانند) یعنی اقرار کنندگان و آیات: ﴿لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا﴾ (سخن مجرمین و مشرکین به اعضاء خودشان در قیامت است) ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾ شهادت خداوند به وحدانیتش ایجاد و آفریدن جهان آفرینش است و آنچه را که در عالم و در نفس ما 3 از موارد مذکور چنین برداشت می شود اصطلاحات مذکور معنى مشابه را دارد در موارد هم معنى بخصوص خویش را می داشته باشد در سطور گذشته واضح گردیده است.

الله متعال بعد از ذکر امت وسط، بیان می دارد این فضل برای اینکه شما گواهان بر امت های گذشته باشید برای همین قبله شما را از سوی بیت المقدس به مکه گردانیدیم به قبله ابراهیم علیه السلام و برای شما انتخاب اش نمودیم تا بگردانیم شمارا بهترین امت تا اینکه باشید در روز باز پسین شهدا بر امت های گذشته زیرا تمام آنها بر فضل، شرف، کرم، شما اعتراف دارند 4 در احادیث رسول اکرم ﷺ در جاه های متعددی، در باب شهادت این امت در روز قیامت : آثاری بما رسیده است بذکر چندی

1 ترجمه فارسی مفردات امام راغب اصفهانی ج 1 ص 1212

2 سوره نور آیه 6

3 ترجمه مفردات امام راغب اصفهانی ج 1 ص 1212

4 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 1 ص 454

پرداخته می شود تا موضوع بیشتر روشن گردد. امام بخاری رحمه الله در صحیح خویش حدیثی را روایت می نماید: (نُ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " يُدْعَى نُوحٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ: لَنَبِيِّكَ وَسَعْدَيْكَ يَا رَبِّ، فَيَقُولُ: هَلْ بَلَغْتَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقَالُ لِأُمَّتِهِ: هَلْ بَلَغَكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: مَا أَتَانَا مِنْ نَذِيرٍ، فَيَقُولُ: مَنْ يَشْهَدُ لَكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ وَأُمَّتُهُ، فَتَشْهَدُونَ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ: ﴿وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ فَذَلِكَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ وَالْوَسْطُ: الْعَدْلُ {1} ترجمه: ابوسعید خدری رضي الله عنه مي گوید: رسول الله ﷺ فرمود: روز قیامت، نوح فراخوانده مي شود. مي گوید: لبيك اي پروردگارم! آماده خدمت خداوند مي فرماید: ايا (آنچه را که به تو گفته بودم) ابلاغ کردی؟ مي گوید: بلي. سپس از امتش مي پرسند: ايا به شما ابلاغ کرد؟ مي گویند: هيچ ترساننده اي نزد ما نيامده است. خداوند به نوح مي گوید: چه کسي گواه تو است؟ مي گوید: محمد و امت اش. آنگاه شما گواهي مي دهيد که او ابلاغ نموده است و پيامبر نيز گواه شما است. اينجاست که خداوند بلند مرتبه مي فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ يعني شما را يك ملت ميانه رو قرار داديم تا روز قیامت، بر مردم، گواه باشيد. وپيامبر اکرم ﷺ بر شما گواه باشد

مبحث سوم: ویژگی های لازمه رسالت مخصوص پیامبر ﷺ

رسول الله ﷺ ویژگی های هم برای شان اعطا شده که در او امت شان مجزا از آن می باشد در تقسیم، قسم اول که ذکر نمودم در موارد ویژگی های برای رسول الله ﷺ داده شده بود که امت شان نیز دارا بودند البته در جای مخصوص خودش نه در همه که از مطالب ذکر شده همه واضح می باشد و این بخاطر بزرگی، عظمت، و شرف رسول الله ﷺ می باشد مگر در این ویژگی های در بعضی شان انبیا علیهم السلام مشارکت دارند و دارای ویژگی های مشابه بهم می باشند یعنی در این ویژگی های که ذکر می نمایم امت محمد ﷺ مشارکت ندارند ولی انبیا در تعدادی مشارکت دارند.

از جمله: حرام بودن تعلم شعر، خوردن مال صدقه، مباح بودن وصال در صوم، بیشتر از چهار زن، خانم های رسول الله ﷺ مادران مومنان اند، و دیدن اش در خواب حق می باشد ازین قبیل ویژگی ها و خصائص دیگری که من در سدد بیان یکایک آن ان شاء الله می باشم. علماویژگی های که در بعض آن انبیا علیهم السلام با رسول الله ﷺ مشارکت دارند را به چهار قسم تقسیم نموده اند¹

اول: آنچه بر پیامبر حرام می باشد نه به سائرین، بخاطر بزرگی رسول الله و مکرم بودن شان این ویژگی حمل شده بکارم اخلاق در موقع مفصل صحبت خواهیم نمود. دوم: آنچه بر پیامبر مباح گردانیده شده نه برای سائرین. سوم: آنچه بر رسول الله ﷺ واجب برای سائرین نه، حکمت در این ویژگی رفع درجات گفته شده. چهارم: فضایل و کرامات که بر رسول الله ﷺ اختصاص داده شده نه برای سائرین. و ما در سدد بیان هریکی از موارد ذکر شده می باشم ان شاء الله البته موارد را بحث می نمایم که با عنوان موضوع رساله من ربط همخوانی و در قرآن کریم ثابت شده باشد و تنها در احادیث آثار زمانی مراجعه می شود که عنوان موضوع به قرآن کریم به شکل صریح تلویحی ثابت شود و در غیر فقط بذکر اجمالی یاد آوری آن یا کلا منصرف می شویم

مطلب اول: موارد که نباید پیامبر ﷺ آنها را انجام دهد

از جمله موارد ویژگی های که برای رسول الله ﷺ حرام می باشد، اکل صدقه، امساک و نگاه کردن کسی را که بد می پندارد نکاح با او را، کشیدن لباس که برای جنگ بر تن نموده است، و توسط ایما و اشاره چشم برای کشتن کسی تصمیم بگیرد برای رسول الله ﷺ و سایر برادران اش انبیا حرامی می

1 خصائص الکبری ج 2 ص 396 الوفا ابن حوزی ص 378

باشد تعلم، و کتابت و تعلم شعر موارد مذکور بغیر از دوی اخیر در احادیث ثابت شده و ما در سدد ویژگی های هستیم که در قرآن کریم ثابت شود.

الف: تعلم و کتابت

این ویژگی مشهور و زبان زد عام خاص می باشد، عادی ترین فرد راهم که سوال شود حتما میگوید رسول الله علیه الصلوات والسلام امی بودند و کتابت نداشتند و کتابت نمی نمودند و این یکی از دلایل نبوه رسول الله ﷺ نیز می باشد الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَأَرْتَابَ الْمُبِطُلُونَ﴾¹ ترجمه: تو پیش از قرآن، کتابی نمی خواندی، و با دست راست خود چیزی نمی نوشتی که اگر چنین می شد (و تو مطالعه کتب می کردی و چیزی می نوشتی و بالاخره سواد می داشتی) باطلگرایان به شک و تردید می افتادند (و می گفتند: این قرآن حاصل مطالعه شخصی و یادداشتهای فردی تو است. الله متعال بیان می دارد به تحقیق در بین قومت زیاد درنگ نمودی، و قبل از اینکه قرآن بیاید عمری را سپری نموده ای خوانده نمی توانستی قرآن را و نه نوشته کرده می توانستی بلکه همه قومت و دیگران می دانند تو فردی امی که خوانده و نوشته کرده نمی توانی و این صفت تو در در کتب گذشته می باشد² و این چنین رسول الله ﷺ می باشد تا ابد و همیشه تا روز قیامت نه نوشته می کند حتی یک سطر را و حرفی را هم خط کش نمی نماید بلکه از برای او کاتبان وحی است که می نویسند زندگی رسول الله ﷺ در مدینه بیان گر این مدعی ماست. در تاریخ ثابت شده هزاران مطالب در رابطه هم ذکر است وعده از فقها که به روایت ضعیف چنگ زدند در قسمت کتابت رسول الله ﷺ روایت های ضعیف بی اساس می باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾³ در باب امی بودن رسول الله ﷺ موارد مطالب را ذکر نمودم قبلا که حالا نیاز دیده نمی شود برای ما واضح است این ویژگی دیگری رسول الله می باشد و تا آخر رمق حیات رسول الله تعلم ننمودند و هم ننوشتند همین است که الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو﴾ ای لا تقرأ خوانده نمی توانستی و لفظ ما برای نفی و نفی دوم "وَمَا كُنْتَ تَتْلُو" برای تاکید است جمله سوم ﴿إِذَا لَأَرْتَابَ الْمُبِطُلُونَ﴾ اگر تو نوشتن، و تعلم او را می نمودی، هر آینه موارد که میگوید از کتب گذشته آموخته به در خور مردم می دهد با وصف می دانستند که رسول الله ﷺ امی است⁴ با آنها به رسول الله موارد ناروای را نسبت دادند و اتهام بستند، گفتند قرآن کریم قسمت از موارد را که به

1 سوره عنکبوت آیه 48

2 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 6 ص 285

3 سوره اعراف آیه 157

4 تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) ج 6 ص 286

رسول الله ﷺ اتهام بستند را بما یاد آوری می نماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا* وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»¹

ترجمه: کافران می گویند: این (قرآن) دروغی بیش نیست که خود (محمد) آن را از پیش خود به هم بافته است و گروهی او را در این کار یاری داده اند. آنان واقعاً (با بیان این سخن) ستم و بهتان بزرگی را مرتکب شده اند.

درباره قرآن نیز می گویند: افسانه های پیشینیان است که (از دیگران) خواسته است آن را برایش بنویسند، و چنین افسانه هایی سحرگهان و شامگاهان بر او خوانده می شود (تا آنها را حفظ کند و به خاطر سپارد) «إِفْكٌ» بدترین دروغ «إِفْتَرَاهُ»: سرهم کرده است، ساخته و پرداخته نموده است «أَسَاطِيرُ» افسانه ها «اِكْتَتَبَهَا» درخواست نوشتن آنها را از دیگران کرده است. آنها را رونویس کرده است 2 الله متعال به رسول الله ﷺ می فرماید: قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا³ ترجمه: بگو: قرآن را کسی فرو فرستاده است که راز آسمانها و زمین را می داند (و گوشه ای از این راز را به عنوان معجزه در قرآن گنجانده است تا دلیل بر وحی الهی باشد و انسانها نتوانند حتی سوره ای همچون سوره های قرآن را بسازند و ارائه دهند) بی گمان خدا آمرزگار و مهربان است (و سرکشان و بزهکارانی را می بخشد که برگردند و از دروغگوئیها و پلشتیها دست بکشند)

ب: آموختن شعر

مورد دوم از ویژگی های که بر رسول الله ﷺ نهی می باشد آموختن شعر وبا تمام لوازمات آن می باشد. الله متعال در قرآن کریم می فرماید: «مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ»⁴ ترجمه: ما به پیغمبر ﷺ (اسلام سرودن) چکامه نیاموخته ایم و چامه سرائی او را نسزد. این (کتاب) هم که بر او نازل کرده ایم (جز یادآوری (عقلان به قانون و فرمان یزدان جهان) و کتاب خواندنی روشنگر (حقائق برای مؤمنان) نیست.

الله متعال از آنچه به رسول الله ﷺ نسبت می دادند واتهام می بستند رد می نماید ما " او را سرودن شعر، نیاموختیم و مناسب حال او نیز نمی باشد این بزرگترین دلیل بر حقانیت قرآن کریم می باشد گر چند شعر گفتن نیاز به سواد ندارد و خیلی انسان ها هستند از سواد محروم اند ولی شعر می سرایند در حال رسول الله ﷺ از همین نیز بدور است موارد ذکر شده که بدون قافیه وزن شعری می باشد. امام

1 سوره فرقان آیه 4

2 تفسیر نور ص 746

3 سوره فرقان آیه های 4- 5- 6

4 سوره یس آیه 69

احمد ابن حنبل رحمه الله در مسند خویش حدیثی را از ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت می نماید: (عَنْ أَبِي نُوفْلٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُتَسَامَعُ عِنْدَهُ الشَّعْرُ؟ فَقَالَتْ: «كَانَ أَبْغَضَ الْحَدِيثِ إِلَيْهِ»¹ ترجمه: از عایشه رضی الله عنها سوال نمودم آیا رسول الله ﷺ از شعرا می شنید (دو طرفه از هم شنیدند) عایشه گفت نه تنها که نمی شنید بدترین سخن در نزد پیامبر نیز بوده است

در احادیث دیگری آمده است که گاهی رسول الله ﷺ شعری را خوانده اند البته طور که یاد آوری گردید، آن شعری بی قافیه وبدون وزن بوده است، همه آن موارد (اشعار بی قافیه، بی وزن) البته از روی عمد وقصد نبوده است واین مورد از برای رسول الله ﷺ صحیح، مناسب نبود در سیره رسول الله ﷺ میتوانیم که حتی درموسم حج وآمدن حجاج مشرکین مکه یکی از تبلیغات زهر آگین تصمیم به نشر آن نمودند علیه پیامبر باید به شعر گفتن متهم اش می کردند، ولی چون می دانستند زود اتهام شان آشکار می شود ازین کار دست بردار شدند واین یکی از نشانه ها ودلائل نبوه رسول الله می باشد در صحیح بخاری مورد آمده که در نبرد بدر رسول الله ﷺ در برابر اوسفیان چیزی را گفته است. عن جندب بن سفیان: أن رسول الله ﷺ كان في بعض المشاهد وقد دميت إصبعة فقال (هل أنت إلا إصبع دميت وفي سبيل الله ما لقيت)² ترجمه: جندب بن سفیان رضی الله عنه گوید: انگشت پیغمبر ﷺ در بعضی از جنگها و محللای شهادت زخمی گشت و خون از آن جاری شد، پیغمبر ﷺ خطاب به انگشت خود گفت: تو انگشت خون آلودی هستی که در راه خدا دچار اذیت و ناراحتی شده ای در حدیث ذیل از برا بن عازب روایت است: أن رجلا من قيس قال للبراء بن عازب: أفررت من رسول الله ﷺ يوم حنين؟ قال البراء: لكن رسول الله ﷺ يفر إن هوازن كانوا قوما رماة فلقد رأيت رسول الله ﷺ على بغلة بيضاء وإن أبا سفیان بن الحارث أخذ بلجامها وهو يقول ﷺ (أنا النبي لا كذب أنا ابن عبد المطلب)³ ترجمه: يك نفر از قبیله قیس از براء - رضی الله عنه - پرسید: آیا شما در روز جنگ حنین فرار کردید و پیغمبر ﷺ را تنها گذاشتید؟ براء گفت: ولی پیغمبر ﷺ فرار نکرد، هوازن جماعت تیراندازی بودند، وقتی ما به ایشان حمله کردیم فرار کردند و ما سرگرم جمع آوری غنائم بودیم، که با تیراندازان آنان روبه رو شدیم در این حال پیغمبر را دیدم که سوار بر قاطر سفیدش بود و ابوسفیان افسار آن را می کشید، پیغمبر ﷺ می گفت: من پیغمبر خدا هستم و در این امر هیچ دروغی نیست

1 مسند احمد مسند صدیقه ج 43 ص 76 محمد فواد اسناد حدیث صحیح است متنا وسندا

2 صحیح البخاری ج 3 ص 1031 باب من ینکب فی رسول الله ﷺ

3 صحیح ابن حبان باب الخروج وکیفیه الجهاد ابن حبان ج 11 ص 90 شعيب ارننوط اسناد صحیح است بر شرط شیخین

مطلب دوم: موارد که بر پیامبر ﷺ مباح است نه بر غیر

در این مطلب نیز به موارد ویژگی های رسول الله ﷺ پرداخته می شود که بر او مباح است نه برای امت اش، از جمله تواصل صوم، اضافه از چهار خانم، ساعات چندی شهر حرام برایش اجازه ورود در مکه و جنگ داده می شود، ازدواج بدون ولی و شاهد از موارد فوق تنها یک مورد است که باید روی آن مذاقه صورت گیرد، سایر موارد در احادیث ثابت اند.

اضافه از چهار زن

یکی از موارد ویژگی های که برای رسول الله ﷺ اعطا شده است، جمع بین بیشتر از چهار زن می باشد که برای رسول الله ﷺ مباح بر امت شان حرام گردانیده شده است. الله متعال به تشکیل اسره (فامیل) انسان ها، اعتنای بخصوص خود را داشته است از همین رو برای بندگان خویش نکاح را مشروع گردانیده که هر احدی خواسته باشد از فواید و مزایای این نعمت بر خوردار شود باید رویا ورد به نکاح، زیرا از برای نکاح فواید زیادی است از جمله: باقی ماندن نسل انسانی، عقیق و پاک ماندن از زنا، وسواس های شیطان، کسر شهوت، دفع شهوت، حفظ چشم، فرج، راحت گردانیدن نفس به آنچه الله متعال بر انسان حلال گردانیده است ریاضت تزکیه نفس..... از حکمت ها و اسرار های که مجال ذکر همه آنها در اینجا نیست.

الله متعال در قرآن کریم از حلال بودن حد تعیین شده از برای احاد «افراد» امت را بیان می دارد در سوره نساء مهربانی می نماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾¹ ترجمه: و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید (و دچار گناه بزرگ شوید، از این هم بترسید که نتوانید میان زنان متعدّد خود دادگری کنید و از این بابت هم دچار گناه بزرگ شوید . ولی وقتی که به خود اطمینان داشتید که می توانید میان زنان دادگری کنید و شرائط و ظروف خاصّ تعدّد ازواج مهیا بود) با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید ، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید . اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید ، به يك زن اكتفاء کنید یا با كنیزان خود (که هزینه کمتری و تكلفات سبکتری دارند) ازدواج نمائید. این (کار، یعنی اكتفاء به يك زن، یا ازدواج با كنیزان) سبب می شود که کمتر دچار كجروي و ستم شوید و فرزندان کمتری داشته باشید امام ابن کثیر رحمه الله از ابن عباس و جمهور علما نقل می نماید: مقام و مکان مقام امتنان و اباحه می باشد اگر اضافه از چهار زن جواز می داشت هر آینه ذکر می نمود.

1 سوره نساء آیه 3

امام شافعی رحمه الله می فرماید: به تحقیق سنت رسول الله ﷺ واضح دلالت می نماید جایز نیست برای هیچ احدی غیر از رسول الله ﷺ اینکه جمع نماید بیشتر از چهار زن 1 حصر چهار در احادیث رسول الله ﷺ واضح، روشن می باشد، در حدیثی از سالم و او از پدر اش روایت می نماید: أن غیلان بن سلمة الثقفي أسلم وتحتة عشر نسوة، فقال له رسول الله ﷺ: "اختر منهن أربعا" 2 ترجمه: غیلان پسر سلمه ثقفی اسلام آورد و زیر دست او ده خانم بود رسول الله ﷺ برایش گفت از بین آن ده خانم، فقط چهار او را انتخاب کن و این یکی از ویژگی های منحصر به رسول الله ﷺ می باشد که هیچ احدی از امت آن به او مشارکت ندارد و هیچ اختلافی بین امت نمی باشد زمانیکه رسول الله ﷺ وفات نمودند دارای نه خانم بودند، این ویژگی از ویژگی های رسول الله ﷺ است برای پیامبر مباح می باشد نه برای دیگران.

مطلب سوم: ویژگی های که خاص به رسول الله ﷺ می باشد و امت در او مشارکتی ندارد

در مبحث سوم یاد آور شدم که ویژگی های را روی آن بحث خواهم نمود در بعضی از آنها انبیای کرام مشارکت دارند یعنی دارای چنین ویژگی می باشند ولی امت محمد صلی الله علیه وسلم را شامل نمی شود انبیاء در او مشارکت می داشته باشند.

الف: معصوم بودن در اقوال و افعال

رسول الله ﷺ در اقوال و افعال خویش معصوم بودن، درست نیست بر ای شان خطا، در امر رسالت در موارد اگر لغزش شده وحی به تصحیح آن نازل شده است در قرآن کریم موارد زیادی داریم که در آن موارد رسول الله ﷺ تنبیه شده اند الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ 3 ترجمه: سوگند به ستاره در آن زمان که دارد غروب می کند! یار شما (محمد) گمراه و منحرف نشده است، و راه خطا نپوئیده است و به کژراهه نرفته است. و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید، آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می گردد.

«النَّجْمُ»: جنس نجم مراد است و شامل همه ستارگان آسمان می گردد. «هوی»: غروب کرد. مراد غروب ستارگان در همه اوقات، یا غروب و فرو افتادن آنها در پایان جهان است «مَا غَوَى»: به باطل نگرویده است. به خطا نرفته و به کژراهه نیفتاده است ترجمه «عَنِ الْهَوَى» از روی هوا و

1 تفسیر ابن کثیر ج 2 ص 209

2 صحیح ابن حبان ج 9 ص 469 شعب ابی نعیم حدیث حسن است

3 سوره نجم آیه 1-4

هوس . دل بخواه و خودسرانه . یعنی آنچه می گوید ، به فرمان خدا می گوید و نه به فرمان دل ، و از سوی خدا می گوید ؛ نه از سوی خود¹ این مورد است که نبی علیه السلام با سایر برادران شان مشارکت دارند، انبیا چیزی از پیش خود به در خور مردم نمی دهند ولی در این ویژگی امت رسول الله مشارکت ندارند به هریکی شان بطور انفرادی صادق می آید و می تواند کسی از نزد خویش چیز های را بگوید و یا مدعی شود اما بعموم امت درست نیست. به ارشاد رسول الله ﷺ عبد الله ابن عمرو رضی الله عنهما روایت می نماید: (كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُريدُ حِفْظَهُ، فَهَنْتَنِي قُرَيْشٌ، فَقَالُوا: إِنَّكَ تَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ تَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَشَرٌ يَتَكَلَّمُ فِي الْغَضَبِ وَالرَّضَا، فَأَمْسَكْتُ عَنِ الْكِتَابِ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ ؟ فَقَالَ: «اَكْتُبْ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّي إِلَّا حَقٌّ»² ترجمه: من هر آنچه را که از رسول الله ﷺ می شنیدم، می نوشتم، و می خواستم آنها را حفظ کنم، ولی قریش مرا از این کار منع کردند و گفتند: رسول الله ﷺ نیز بشری است که (مثل ما گاهاً) در حالت خشم و خوشحالی سخن می گوید، بعد گفت: من نیز از نوشتن پرهیز کردم، سپس این موضوع را به رسول خدا ﷺ بازگو کردم و ایشان فرمود: «بنویس، سوگند به آنکسی که نفس من در دست اوست، هیچ چیزی بجز حق از زبان من خارج نشده است

ب: کوچک شمردن پیامبر ﷺ و اهانت او کفر

الله متعال پیامبر خویش را تکریم، تشریف نموده، جایگاه و بزرگی رسول الله ﷺ را در تمام ابعاد حفظ داشته است، از جمله موارد که این بزرگی را بیشتر، واضح می سازد، دلائل زیادی از قرآن ، سنت و اجماع امت وجود دارد بر اینکه اذیت رسول الله ﷺ موازی با اذیت الله متعال می باشد، و حرمت شکنی بارسول الله ﷺ را حرام گردانیده است دلائل زیادی است که برای ما حقوق رسول الله ﷺ را تعیین می نماید و تعیین می نماید، از برای ما احترام، اکرام، محبت و بزرگ دانستن رسول الله ﷺ را بر ما واجب گردانیده است. از همین جهت است که الله متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُهِيناً﴾³ ترجمه : کسانی که خدا و پیغمبرش را (با کفر و الحاد و سخنان ناروا) آزار می رسانند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می کند (و از رحمت خود بی نصیب می گرداند) و عذاب خوارکننده ای برای ایشان تهیه می بیند . «يُؤْذُونَ اللَّهَ» مراد از آزار رساندن به خدا، بر سر خشم آوردن خدا به سبب کفر و الحاد است یا این که اذیت و آزار رساندن به پیغمبر و مؤمنان مراد است و ذکر خدا برای نشان دادن اهمیّت و تأکید

1 تفسیر نور ص 1121

2 مسند احمد ج 11 ص 57 مسند عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما ، حدیث صحیح است بر شرط شیخین شعیب ارنؤوط

3 سوره احزاب آیه 57

مطلب است 1 ایذا در حق الله متعال هدف اغضاب الله تعالی می باشد در قول سخن های که غضب پروردگار را ببار می آورد مثل الله فقیر وما غنی هستیم؟! مثل ید الله مغلوله، عزیر ابن الله، و بعضی شان زمان را دشنام دادند در حدیثی قدسی می آید " بنده ام مرا اذیت می نماید، و آنچه از او مرا اذیت می نماید، اینکه دشنام می دهد زمانه را و من زمانه ام در دست بلا کیف من می باشد امر ویم گردانم شب وروز را " 2 اینها تمام موارد بود که غضب پروردگار و اذیت الله متعال را در پی دارد و اذیت رسول الله ﷺ می تواند توسط قول، و فعل باشد مثل: کاهن، شاعر، مجنون، ساحر، مشرکین بعد از ایذای قولی به ایذای فعلی شروع نمودند، آیا با سنگ رسول الله ﷺ را نزدند که حتی از کفش های مبارک شان خون جریان نمود؟ آیا در پشت رسول الله شکم شتر را نگذاشتند؟ آیا دندان های رسول الله را در احد نشکستند و خون رسول الله جریان داشت؟ برای رسول الله اذیت های قولی رسید بعد اذیت های فعلی اذیت دیگری که به رسول الله رساندند آنچه از اتهام های بود که در حریم خانواده و خانم محبوب شان برچسب زدند 3 ازین قبیل موارد زیادی در زندگی رسول الله ﷺ وجود دارد که مورد اذیت قرار گرفتند هم اذیت فعلی و هم اذیت قولی برای همین الله متعال اذیت رسول الله را حرام و موازی با اذیت الله متعال می داند حرمت هر نوع اذیت رسول الله حرام می باشد و فاعل آن به سبب استهتان، و سبب کشته می شود الله متعال مهربانی می نماید: ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُنْذُنٌ قُلْ أُنْذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ 4 اذیت رسول الله ﷺ بعد از بعثت شان شروع شد گرچند در آیه مذکور اذیت از جانب منافقین می باشد چنانچه آیه مابعد مشعر است اما اگر یک نظر گذرا هم داشته باشیم در می یابیم انواع اذیت های که طی بیست و سه سال بعثت رسول الله ﷺ دیده اند از مکه شروع الی مدینه منوره تمام آن اذیت هارا الله متعال حرام قلم داد می نماید و موازی با اذیت خویش می پندارد این ویژگی دیگری رسول الله ﷺ می باشد در قسمت اخیر آیه صراحت عذاب بر آن مردم موهن و آذی بیان شده است که کسی رسول الله ﷺ را اذیت می نماید برایش عذاب دردناک می باشد.

هر کسی اهانت نماید به رسول الله ﷺ یا دشنام دهد و یا عیب گیری نماید و یا ملحق نماید عیبی در نفس، نسب و دین اش و یا خصال از خصلت ها ویژگی هایش و یا تشبیه نماید بیک شی (کارکاتور) بر طریق

1 تفسیر نور ص 890

2 تفسیر الشعراوی ج 19 ص 12149

3 تفسیر الشعراوی ج 19 ص 12153

4سوره توبه 61

دشنام، اذیت و کوچک نشان دادن رسول الله ﷺ در تمام موارد فاعل چنین کاری از بین برده می شود در حال کفر 1 در احادیث زیادی در باب سب و قتل فاعل آن داریم که موارد را ذکر خواهیم کرد از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است: (أن أعمى كانت له أم ولد تشتم النبي ﷺ وتقع فيه فينهاها، فلا تنتهي، ويزجرها فلا تنزجر، قال: فلما كانت ذات ليلة جعلت تقع في النبي ﷺ وتشتمه، فأخذ المغول فوضعه في بطنها، واتكأ عليها فقتلها، فوقع بين رجلها طفلاً، فلطخت ما هناك بالدم، فلما أصبح ذكر ذلك لرسول الله ﷺ فجمع الناس، فقال: "أنشد الله رجلاً فعل ما فعل لي عليه حق إلا قام" فقام الأعمى يتخطى الناس وهو يتزلزل حتى قعد بين يدي النبي ﷺ فقال: يا رسول الله، أنا صاحبها، كانت تشتمك وتقع فيك، فأنهاها فلا تنتهي، وأزجرها، فلا تنزجر، ولي منها ابنان مثل اللؤلؤتين، وكانت بي رفيقة، فلما كان البارحة جعلت تشتمك وتقع فيك، فأخذت المغول فوضعت في بطنها، واتكأت عليها حتى قتلها، فقال النبي ﷺ "ألا اشهدوا أن دمها هدر") 2 همچنان از علی رضی الله عنه روایت است: یهودی رسول الله ﷺ را دشنام می داد و به همین منوال ادامه داشت تا اینکه مردی او را کشت رسول الله ﷺ خون اش را باطل نمود 3 از ابی برزه روایت است میگوید که من نزد ابی بکر صدیق بودم بالای مردی خشمگین شد گفتم اجازه بتی ای خلیفه رسول خدا گردنش را بزنم و یا سر اش را از تنش جدا نمایم، میگوید این کلمه ام غضب ابوبکر را از بین برد: و ابوبکر استاد و رفت به حجره ای و مرا خواست گفت الان چه گفتی؟ گفتم اجازه بتی گردنش را بزنم، گفت اگر اجازه می دادم انجام می دادی؟ گفتم بلی گفت نه قسم بخدا از برای هیچ بشری بعد از محمد ﷺ این اجازه نیست و این کار نیست 4 قاضی عیاض بر کتاب نفیس خویش "الشفاء" اجماع علما را بعد از یک مقدمه کوتاه بیان می دارد که سب نبی کفر و فاعل آن کشته می شود به این عبارت: ابوبکر ابن منذر می فرماید اجماع نموده اند اهل علم بر اینکه کسی که رسول الله ﷺ را دشنام دهد کشته می شود از جمله قائلین این سخن: مالک ابن انس، لیث، احمد ابن حنبل، اسحاق و مذهب شافعی نیز همین می باشد 5 در ادامه اجکاع نظر موافق جمع غفیری از سلف و خلف را بیان می دارد البته این نظر مبتنی بر قرآن، سنت، و عمل کرد صحابه رضوان الله علیهم اجمعین می باشد نظرات زیادی را قاضی عیاض در کتاب خویش روایت نموده و درج کرده است نظر دیگری را از ان کتاب نقل می نمایم: نظر محمد ابن سحنون می باشد که می فرماید "أجمع العلماء أن شاتم النبي ﷺ المتنقص له كافر والوعيد جار عليه بعذاب الله له وحكمه

1 خصائص الرسول ﷺ ص 217

2 سنن ابی داود باب الحكم فيمن سب النبي ﷺ ج 6 ص 416 ارنوط حدیث صحیح است

3 سنن ابی داود باب الحكم فيمن سب النبي ﷺ ج 6 ص 417 ارنوط حدیث صحیح حسن لغیره

4 سنن ابی داود باب الحكم فيمن سب النبي ﷺ ج 6 ص 417

5 الشفاء بتعريف حقوق المصطفى ﷺ ج 2 ص 214

عند الأمة قتلَ وَمِنْ شَكِّ فِي كُفْرِهِ وَعَذَابِهِ كَفَرٌ" 1 در این باب می شود به کتاب شفای قاضی عیاض مراجعه نمود تمام مطالب را در باب حکم سب النبی خواند .

خاتم های رسول الله ﷺ مادران مومنان

الله متعال طور که این امت را بخاطر بهترین بنده خویش ﷺ اکرام، وتوقیر، بزرگی بخشیده است خانواده رسول الله ﷺ را نیز ویژگی های بخشیده که سایر زنان از آن ویژگی ها برخوردار نمی باشند تنها در جنس انوئیت باهم مشارکت دارند ولی در ویژگی های که به خانم های رسول الله ﷺ داده شده بخاطر بزرگی، شرف، اکرام رسول الله ﷺ سایرین چنین ویژگی های را نمی داشته باشند همه این بزرگی ها بخاطر بهترین عالم، بهترین بنده الله رسول الله ﷺ می باشد از جمله ویژگی های اعطا شده به خانم های رسول الله اینکه مادران مومنان اند الله متعال در سوره احزاب مهربانی می نماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ 2 ترجمه: پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد (و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، مقدم بر اراده و خواست ایشان است) و همسران پیغمبر، مادران مؤمنان محسوبند (و باید احترام مادری آنان را از نظر به دور نداشت، و یکایک ایشان را بزرگ و ارجمند شمرد) و خویشاوندان نسبت به همدیگر (از نظر ارث بردن بعضی از بعضی) از مؤمنان و مهاجران، در کتاب یزدان (قرآن) از اولویت بیشتری برخوردارند (و پیمان مواخات و برادری موجب ارث نمی باشد)، مگر این که بخواهید در حق دوستان خود کار نیکی انجام دهید (و از طریق وصیت مقداری برای آنان به ارث بگذارید و بدیشان خوبی کنید، که این عمل مانعی ندارد) این (حکم توارث خویشاوندان) در کتاب (قرآن) مکتوب و مقرر است (و تغییر و تبدیلی نمی شناسد)

امام طبری رحمه الله در تفسیر بخش ﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ آیه می فرماید: حرمت خانم های رسول الله حرمت مادران امت بر ایشان می باشد مثل که نکاح مادر درست نیست حرام می باشد حرام است نکاح خانم های رسول الله بعد از وفات شان 3 خانم های رسول الله مادران مومنان اند و نکاح بعد از وفات رسول الله با ایشان حرام گردانیده شده است این امومت بمعنی احترام، تکریم، تشرف و بزرگ دانستن، خانم های رسول الله می باشد خلوه با ایشان جواز ندارد و همچنان موارد منسوب به اهل بیت رسول الله ﷺ چنانچه که نکاح شان نیز حرام می باشد. الله متعال در سوره احزاب مهربانی می نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءَهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ

1 الشفا بتعريف حقوق المصطفى ﷺ ج 2 ص 214

2 سوره احزاب آیه 6

3 تفسیر طبری ج 20 ص 209

فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا¹ امام سیو طی در کتاب خصائص کبری خویشتن بعد از باب بندی چنین بیان می دارد و این (امومت) در تحریم نکاح، و وجوب احترام تبجیل، و فرمان برداری از خانواده رسول الله ﷺ می باشد² و یکی از حرمت های این حرمت بخاطر که زنان رسول الله ﷺ در آخرت همراه با او می باشد گفته شده امام ابن ملقن در کتاب خویشتن اثری را از قاضی حسین روایت می نماید: در بین عایشه و فاطمه رضی الله عنهما مذاقه در مورد تفضل شد و فاطمه گفت من قسمت از رسول الله ﷺ می باشم عایشه گفت این درست ولی در آخرت من با رسول الله ﷺ می باشم و شما با علی مقام رسول الله ﷺ را بین و فاطمه بعد از شنیدن این مکالمه سکوت نمود، عایشه سر فاطمه را بوسه زد و گفت کاش من موی سر تو می بودم³

مطلب چهارم: ویژگی های که به رسول الله ﷺ لازم و برای غیر (امت) لازم نمی باشد

هدف از این ویژگی ها و یا حکمت در این ویژگی ها رفعت درجات و بلندی، تقرب الی الله خوانده شده است موارد زیادی است که در کتب حدیثی وجود دارد و دلالت می نماید که رسول الله بر آن موارد ملزم شده بودند و گذشتگان برای در کتاب های ویژگی درج نموده اند که در ذکر آنها می پردازم و برای ماریسید است ه دلالت می نماید این ویژگی ها مختص رسول الله می باشد نه برای امت علمای امت که کتاب های در این باب نوشتند مثالهای را ذکر نمودند مثل: مسواک، قربانی، وتر، دو رکعت نماز صبح، مشوره با اصحاب، نماز چاشت، قیام شب اما مثال های این نوع اکثر شان بخاطر تعدد دلائل مثبت و نفی اتفاق علما بر یک نظر حاصل نشده است. ضمناً بحث بنده بحث تفسیر موضوعی نیازمند ثبوت وجود مطلب در قرآن کریم بود بخاطر هدم اتفاق نظر علمای از آوردن موضوعی و مذاقه یک عنوان زیر مطلب مذکور خود داری نمودم و در موارد ازین باب که مشارکت در بحث های قبلی داشته است. مورد بحث قرار گرفته است مثل نماز تهجد.. ازین رو از بحث صرف نظر نمودم اگر عزیزی خواهان خواندن داشته به کتاب های خصایص الکبری، خصایص سید المرسلین، الوفا ی ابن جوزی⁴ مراجعه نماید. امید وارم خوانندگان محترم از مطالب مباحث رساله هذا استفاده اعظمی نماید و مایه محبت نزدیکی بیشتر با رسول الله ﷺ گردد.

1 سوره احزاب آیه 53

2 خصائص الکبری ج 2 ص 437

3 غایه السؤل فی خصائص الرسول ج ص 148

4 خصائص الکبری ج 2 ص 396 الی 404 بحث واجبات لازم بر رسول الله ﷺ خصایص سید العالمین ص 508 فضایل افضل المخلوقین ابن ملقن ص ص 102 – 158 الفصول ابن کثیر 307 - 311

نتیجه گیری

حمد و ثنا باد الله متعال را که توفیق ترتیب و نوشتن پایان نامه کارشناسی ارشد را نصیب گردانید اگر توفیق اوپاری نمی کرد با مصروفیت های بیش حدی کاری گمان نمی بردم که موفق شوم و توان چنین کاری مهیا نبود. و درود بی کران بر اختر تابناک بشریت رسول الله ﷺ و اصحاب جان نثار شان. بعد از حمد و درود لازم می بینم بعنوان نتیجه گیری روی نکات چندی پرداخته شود.

1 - در مبحث اول این پایان نامه روی کلیات موضوع بحث شده است از جمله مفهوم ویژگی های رسول الله ﷺ که در لغت بمعنی انتخاب کردن و برگزیدن است و یا " آنچه ویژه کسی باشد " در اصطلاح : عبارت: از فضایل و امور که در او رسول الله ﷺ از انبیا و غیر انبیا متمایز شدند. از دید علمای که در باب واژه ها قلم زدند و هم از دید کسانی که در باب ویژگی ها کتاب نوشتند و تا کنون تالیات در موضوع داشتند. به این نتیجه رسیدم که ویژگی به مواردی که خاصه یک شخص می باشد و افراد دیگری در او مشارکت ندارند و یا اون برجستگی در وجود دیگران نبوده و یا نصیب غیر نشده است. و در مطلب دومی مبحث اول به معرفی ذاتی رسول الله ﷺ که شامل: نسب، صفات خلقی و خلقی و بعثت آن حضرت ﷺ می باشد بحث شده است. که این موضوع نیز بخشی از برجستگی های ویژگی رسول الله ﷺ را برای ما واضح می سازد و در مطلب سومی، مبحث اول فواید شناخت ویژگی های رسول الله ﷺ ترکیز صورت گرفته است که به این نتیجه می رسیدم شناخت ویژگی ها دور از مفاد نیست و دارای مفاد در زندگی انسان مسلمان می باشد.

2 - در مبحث دوم اقسام ویژگی های رسول الله ﷺ که رول مهم را برای تسهیل موضوع ویژگی های پیامبر دارند که بدو قسم کلی تشریعی و فضیلتی تقسیم نموده ام و هر یکی ازین دو نیز بدو قسم تقسیم می گردد. که موضوع مورد نظر ما موضوع ویژگی های فضیلتی است که مختص به ویژگی های می گردد که در قرآن کریم بشکل صریح و یا ضمنی وجود داشته باشد. این موضوع را به چهار مطلب تقسیم بندی نمودم در مطلب اول بیست ویژگی رسول الله ﷺ را گرد آوری نمودم. در مطلب اول که تحت عنوان ویژگی های رسول الله در دنیا می باشد بیست مورد ویژگی گرد آوری شده است مثل: رسالت عامه، خاتم انبیا، مامن اصحاب، تا برای ما واضح شود موضوع ویژگی ها موضوع ثابت است و رسول الله ﷺ برتری های دارند که دیگران فاقد آن اند. قابل یاد آوری است در مبحث دوم در مورد از ویژگی ها امت نیز در جاه های از ویژگی ها با رسول الله ﷺ مشارکت دارند. برای همین

در تقسیم بندی این بحث ویژگی های امت در دنیا و ویژگی امت در آخرت تقسیم بندی گردیده است و ویژگی هایکه وسیله آن رسول الله ﷺ می باشد که هر یکی ماتحت خود موضوعاتی را دارا اند. مطلب دوم ویژگی های رسول الله ﷺ در آخرت که دو مورد را در قرآن کریم در یافته گرد آوردم که مقام محمود و کوثر است. طور که از نام موضوع پیداست بحث ما همان طور که ویژگی های فضیلتی است ولی مقداری بخاطر تفسیر موضوعی اش محدود گردیده تنها به موارد به رساله گنجائیده شده که در قرآن کریم وجود داشته است. در مطلب سوم ویژگی های که در او امت مشارکت دارند مثل: خیرالامم، حلال گردیدن مال غنیمت، و برداشتن حرج است که در واقع ویژگی های پیامبر ﷺ است در مطلب چهارم ویژگی های اختصاص یافته به امت پیامبر در آخرت. مثل شهداء بر امت های سابق که یک مورد را گرد آوردم. به این نتیجه می رسیم که این ویژگی ها در قرآن کریم برای رسول الله ﷺ تذکر رفته است و تا کنون چنین بحث موضوعی در رابطه نگردیده است

3 - در مبحث سوم نیز روی ویژگی های لازمه رسالت پیامبر ﷺ بحث صورت گرفته است که نیز دارای چهار مطلب و موضوعات زیر مطالب می باشد در این مبحث بر عکس مبحث دومی ویژگی های امت که امت در او مشارکت ندارند ولی در بعضی از ویژگی ها انبیا مشارکت دارند فرقی همین است در مطلب اول: ویژگی های که رسول الله ﷺ نباید انجام بدهد مثل: تعلم کتابت و آموختن موارد که زمینه های کج بحثی و کج فهمی و گمراهی های دیگری را بوجود می آورد بحث شده است به این نتیجه می رسیم این ویژگی های مختص رسول الله ﷺ دارای حکمت های اند و این ویژگی ها برای رسول الله ﷺ شان مقامی داده شده است که برای دیگران حتی انبیاء داده نشده است در مطلب دوم ویژگی های که به پیامبر ﷺ مباح است مثل اضافه از چهار خانم که برای دیگران مجاز نیست در مطلب سوم ویژگی های مخصوص پیامبر ﷺ که در او می تواند انبیا مشارکت داشته باشد مثل معصوم بودن در اقوال، افعال، کوچک شمردن پیامبر کفر، و خانم های شان مادران مومنان اند. لازم بیاد دهانی است در مبحث سوم در موارد انبیاء علیهم السلام هم در جاه های در ویژگی ها مشارکت داشته می باشند امید که در جای اگر مختص ذکر رفته موضوع خلط نگردد. در مطلب چهارم آخرین مطلب از رساله به ویژگی های که به رسول الله ﷺ الزامی است اما منبع ثبوتی آن احادیث نبوی است هیچ عنوانی موضوعی زیر این مطلب نداریم.

پیشنهادهات

در این رساله طور که از نام آن پیداست در مورد ویژگی های رسول الله ﷺ در قرآن کریم بحث شد طور که نیاز دیده می شد چنین موارد بیشتر روشن گردد و مورد نیاز جامعه و مردم نیز می باشد لذا بنده پیشنهاد می نمایم بخاطر روشن شدن جامعه و به در خور مردم دادن چنین موارد به عناصر ذیل نیاز داریم.

- 1 - برای یک جامعه درست و محب واقعی پیامبر ﷺ و اینکه چنین ویژگی های از پیامبر ﷺ را دانسته و این سبب ازدیاد محبت و نزدیکی با پیامبر شان گردد لازم است سیمینار های علمی و تحقیقی دایر گردد.
- 2 - وجود مضمونی در سیستم نظام آموزشی که فرزندان مسلمان باید بشکل مقایسوی در مورد پیامبر خویش و برتری های او بدانند و این می شود در ضمن سیره پیامبر گنجانیده شود.
- 3 - دعوتگران مسلمان باید توجه جدی روی این ملحوظ داشته باشند تا فرزندان مسلمان از پیامبر خویش شناخت کامل را نمایند این خود در حیات دنیا و آخرت شان موثر است
- 4 - در خانواده می شود بعنوان ویژگی های رسول الله ﷺ در درس های خانوادگی تدریس گردد.

فهرست آیات قرآنکریم

آیات

- 83.....أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ.....
- 82.....أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.....
- 64.....إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ.....
- 58.....إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ.....
- 73.....إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.....
- 48.....اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عِندَنَا.....
- 73.....أَلَا تَتَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَتُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ.....
- 87.....الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ.....
- 110.....الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ.....
- 86.....الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ.....
- 30.....أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا.....
- 39.....أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ.....
- 75.....أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ.....
- 17.....أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى.....
- 80.....النَّبِيِّ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُ أَمْهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ.....
- 83.....أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ.....
- 84.....أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ.....
- 83.....أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَبُّبِ الْمُنُونِ.....
- 78.....إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ.....
- 115.....إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ.....
- 60.....إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا.....
- 114.....إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى.....
- 29.....إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ.....
- 3.....أَنَا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا.....
- 93.....إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ.....
- 79.....إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ.....
- 85.....إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ.....
- 64.....إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا.....
- 78.....إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ.....
- 76.....أَنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا.....
- 1.....تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ.....
- 29.....ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ.....
- 100.....جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ.....
- 45.....رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ.....
- 71.....رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ.....

- 71.....رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً.....
- 107.....شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ.....
- 102.....شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ.....
- 48.....فَأَسْقُطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ.....
- 43.....فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ.....
- 83.....فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ.....
- 99.....فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ.....
- 81.....فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ.....
- 84.....فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.....
- 25.....فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.....
- 73.....فَاتَّبِعُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصَرِّكُمُ عَلَيْهِمْ.....
- 83.....قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي.....
- 82.....قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.....
- 83.....قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ.....
- 82.....قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ.....
- 58.....قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي.....
- 2.....قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ.....
- 83.....قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْزَبِينَ.....
- 79.....قُلْ لَنْ أَجْتِمِعَ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ.....
- 68.....قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ.....
- 68.....قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ.....
- 32.....قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.....
- 91.....فَمُ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا.....
- 58.....قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ.....
- 97.....كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.....
- 61.....لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ.....
- 78.....لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ.....
- 52.....لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ.....
- 27.....لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ.....
- 43.....لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ.....
- 18.....لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لَ.....
- 2.....لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ.....
- 45.....لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا.....
- 64.....لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَمُتَّ نِعْمَتَهُ.....
- 114.....مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى.....
- 111.....مَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ.....
- 57.....مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولٌ.....
- 36.....مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ.....
- 57.....مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ.....
- 59.....مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.....
- 22.....وَ هَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ.....

- 91.....نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ
- 107.....وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ
- 11.....وَأَتَقُوا فِتْنَتَهُ لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ
- 24.....وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ
- 85.....وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ
- 33.....وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ
- 88.....وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ
- 47.....وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ
- 71.....وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ
- 3.....وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ
- 60.....وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ
- 114.....وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ
- 28.....وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
- 27, 83.....وَإِلَىٰ عَادَ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
- 28.....وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
- 57.....وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ
- 113.....وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَمَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَتًى
- 74.....وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ
- 14.....وَأَنَّكَ لَ عَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ
- 98.....وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ
- 63.....وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا
- 85.....وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ
- 111.....وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا
- 111.....وَقَالُوا أُسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
- 48.....وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَّنَا قِطْعًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ
- 57.....وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا
- 104.....وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ
- 108.....وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ
- 63.....وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ
- 28.....وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا
- 28.....وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ
- 70.....وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا
- 39.....وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
- 31.....وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا
- 49.....وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ
- 110.....وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ
- 87.....وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذَا
- 49.....وَمَا لَهُمْ إِلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ
- 57.....وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
- 59.....وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ
- 114.....وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

- 90.....وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ
- 73.....وَمَن يَرْغَبْ عَنِ مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ
- 45.....وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ.....
- 116.....وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
- 73.....وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
- 73.....وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ
- 47.....وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۖ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى
- 58.....يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ
- 75.....يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْأَنفِ وَالْعُدْوَانِ
- 101.....يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
- 118.....يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءُ وَلَكِنْ
- 54.....يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ
- 67.....يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
- 53.....يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا
- 56.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ
- 55.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا
- 55.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ
- 55.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ
- 57.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَرْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
- 56.....يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَن فِي آيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرِ إِن يَعلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ
- 62.....يَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ
- 62.....يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا
- 91.....يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ
- 62.....يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ
- 62.....يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ آأَنْتَ
- 62.....يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ
- 11.....يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ
- 74.....يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا
- 47.....يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ

فهرست احاديث نبوی ﷺ

احاديث

- 21.....أُعْطِيَتْ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةً.....
- 99.....**أُعْطِيَتْ خَمْسًا** لم يعطهن أحد قبلي: نصرت بالرعب مسيرة شهر.....
- 99.....أعطيت ما لم يعط أحد من الأنبياء"، فقلنا: يا رسول الله.....
- 112.....أفترتم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم حنين؟ قال البراء: لكن رسول الله صلى الله عليه وسلم لم يفر.....
- 94.....الكُوْثُرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ، حَاقَتْهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَمَجْرَاهُ عَلَى الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ.....
- 117.....أَنْ أَعْمَى كَانَتْ لَهُ أُمٌّ وَلِدَ تَشْتُمُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَتَقَعُ فِيهِ فَيَنْهَاهَا، فَلَا تَنْتَهِي.....
- 93.....إِنَّ الشَّمْسَ تَذُوُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرَقُ نِصْفَ الْأَذْنِ، فَيَبِينَا.....
- 14.....إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ بَنِي إِسْمَاعِيلَ،.....
- 92.....إِنَّ النَّاسَ يَصِيرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جُثًّا، كُلُّ أُمَّةٍ تَتَّبِعُ نَبِيَّهَا يَقُولُونَ: يَا فُلَانُ اشْفَعْ، يَا فُلَانُ اشْفَعْ.....
- 21.....أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَطُوفُ عَلَى نِسَائِهِ فِي اللَّيْلَةِ الْوَاحِدَةِ.....
- 103.....أَنَّ الْيَهُودَ كَانُوا إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ فِيهِمْ لَمْ.....
- 16.....إِنْ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا.....
- 103.....بَلَّغَهُ أَنَّ أَبَا مُوسَى كَانَ يَبُولُ فِي قَارُورَةٍ.....
- 95.....بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ بَيْنَ أَظْهَرِنَا.....
- 26.....جَاءَ عُمَرُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي مَرَرْتُ.....
- 15.....خَدِمْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ سَنِينَ فَمَا.....
- 94.....دهد: هو نهر أعطيه نبيكم صلى الله عليه وسلم شاطئاه عليه.....
- 108.....عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "يُدْعَى نُوحٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ.....
- 112.....عَنْ أَبِي تَوْفَلٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَامِعُ عِنْدَهُ الشَّعْرُ.....
- 112.....عن جندب بن سفيان: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان في بعض المشاهد وقد دميت.....
- 114.....غيلان بن سلمة الثقفي أسلم وتحتة عشر نسوة، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: اختر منهن أربعا.....
- 14.....قَالَ بُعِثْتُ مِنْ خَيْرِ قُرُونِ بَنِي آدَمَ.....
- 26.....قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسْأَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ عَنْ شَيْءٍ فَإِنَّهُمْ.....
- 15.....قال: لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم فاحشا ولا متفحشا.....
- 15.....كان خلقه القرآن أما تقرأ القرآن قول الله عز وجل.....
- 115.....كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ حِفْظَهُ، فَتَهَنَّتَنِي.....
- 98.....كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (قَالَ «: أَنْتُمْ تُتِمُّونَ.....
- 94.....لَمَّا عَرَجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّمَاءِ، قَالَ.....
- 16.....لي خمسة أسماء أنا محمد وأحمد وأنا الماحي الذي يمحو الله بي الكفر.....
- 25.....مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا أَخَذَ عَلَيْهِ الْمِيثَاقُ.....
- 19.....نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْوِصَالِ؛ رَحْمَةً لَهُمْ، فَقَالُوا.....
- 95.....هُوَ الْخَيْرُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ"، قَالَ أَبُو بَشِيرٍ.....
- 106.....وكذلك جعلناكم أمة وسطا قال: "عدلا.....

فہرست اعلام

- 1- ابن اثیر ص 35
- 2- ابن ابی حاتم، ص 25
- 3- ابن حجر عسقلانی ص 19
- 4- ابن حنبل، احمد ص 16
- 5- ابن کثیر، ص 19
- 6- ابن منظور، ص 10
- 7- البانی ص 19
- 8- الجزایری ص 25
- 9- بخاری ص 13
- 10- بغوی ص 39
- 11- ترمذی ص 36
- 12- خرم دل 56
- 13- راغب اصفہانی ص 11
- 14- سباعی ص 17
- 15- سرمری ص 16
- 16- سیوطی ص 22
- 17- شعراوی ص 36
- 18- طبری ص 49
- 19- طبرانی ص 35
- 20- عز الدین ابن عبد السلام ص 30
- 21- عینی ص 95
- 22- قاضی عیاض ص 43
- 23- قرطبی ص 37
- 24- قطب ص 44
- 25- ماوردی ص 76
- 26- مسلم ص 34
- 27- لاہوری ص 12

فهرست مصادر ومنابع

القرآن الكريم

1. ابن القيم ، محمد ابن ابو بكر بن ايوب بن سعد شمس الدين زاد المعاد ، نشر موسسه رساله، چاپ بيست هفتم سال (1415) ه ق
2. ابن الجوزي، محمد ابن ابو بكر بن ايوب بن سعد شمس الدين ابن القيم الجوزي (1396) ه ق الوفا باحوال المصطفى محقق محمد زهري النجار از علمای ازهر، مطبعه گيلان، موسسه سعديه- رياض
3. ابن الاثير، مجد الدين ابوالسعادات المبارك بن محمد الجزايري ابن الاثير (1969) جامع الاصول في احاديث الرسول صلى الله عليه وسلم، نشر نشر مكتبه حلواني چاپ اول
4. ابن حنبل، احمد ابو عبد الله احمد بن محمد ابن حنبل بن الشيباني (1421) ه ق مسند احمد، نشر موسسه رساله، بيروت - لبنان
5. ابن كثير، اسمعيل بن عمر بن كثير بن ضوء (1420) ه ق تفسير القرآن العظيم، نشر دارالطبيه، بيروت- لبنان- چاپ دوم
6. ابى حاتم، عبد الرحمن بن محمد ابى حاتم بن ادريس بن المنذر التميمي رازی (1419) تفسير ابن ابى حاتم، نشر، مكتبه نزار مصطفى الباز چاپ سوم
7. ابن عبدالسلام، عبد العزيز بن عبد السلام بن ابى القاسم شيخ الاسلام عز الدين ابو محمد الدمشقي (1401) ه ق بدایه السؤل في تفضيل الرسول صلى الله عليه وسلم، محقق علامه ناصر الدين الالباني، نشر، مكتب الاسلامي ، بيروت
8. ابن منظور، محمد ابن مكرم بن منظور افريقي (1414) ه لسان العرب ق نشر دار صادر - بيروت - لبنان
9. الباني، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين الباني (1402) ه ق مختصر شمائل المحمدي، نشر مكتبه اسلاميه، عمان - اردن
10. الباني، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين الباني (1422) ه ق مختصر صحيح امام البخاري، نشر مكتبه المعارف - رياض - چاپ اول

11. الجزائري، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري (1424هـ/2003م) إيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، نشر، مكتبة العلوم والحكم، -مدينة المنورة _ سعودی چاپ سوم
12. الحسنی ، محمد ابن اسماعيل بن صلاح بن محمد محمد الحسنی (1432) التنوير شرح جامع الصغير، نشر مكتبة دار اسلام ، رياض- سعودی، چاپ اول
13. الخطيب، شيخ صالح بن عبد الله الخطيب (1425) هـ ق نضره النعيم في مكارم اخلاق الرسول الكريم، نشر دار الوسيله، چاپ چهارم
14. المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية با القاهرة (ب ت) نشر، دار الدعوه ، چاپ اول
15. الميسر، جمعی از دانشمندان بخش تفسير دانشگاه ملك فهد (1430) تفسير الميسر، نشر، مجمع الملك فهد، چاپ دوم
16. بخاری، محمد ابن اسماعيل بن ابراهيم بخاری (1407) هـ ق صحيح البخاری، نشر دار ابن كثير - بيروت - لبنان چاپ سوم
17. ابن ملقن، سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري مشهور به ابن الملقن (ب ت) غاية السؤل في خصائص الرسول ﷺ **محقق:** عبد الله بحر الدين عبد الله **ناشر:** دار البشائر الإسلامية - بيروت - لبنان
18. بستی، نعمد ابن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد التیمی ابو حاتم الدارمی (1408) الاحسان في تقريب صحيح ابن حبان، نشر مؤسسه رساله
19. بستانی فواد افرام بستانی (1381) فرهنگ الابدی عربی - فارسی مترجم مهیار، رضا نشر نی - تهران- ایران
20. بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود بن محمد ابن الفراء البغوی الشافعی (1420) معالم التنزيل في تفسير القرآن- تفسير بغوی، نشر دار احياء التراث العربی، بيروت، چاپ اول
21. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن ضحاک ترمذی (1395 هـ ق سنن الترمذی، محقق احمد شاکر، نشر، مكتبة مصطفى البای الحلبي، چاپ دوم
22. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن ضحاک ترمذی (1413) هـ ق الشمائل المحمدی والخصایل المصطفویه، محقق سید عباس الجلیمی، نشر المكتبة التجاریه مصطفى الباز، مکه المکرمه،- سعودی، چاپ اول

23. حومد، اسعد حومد (2009) ايسر التفاسير - تفسير اسباب النزول، چاپ چهارم pdf
24. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسين بن محمد مشهور به راغب اصفهانی (1412) ه ق تفسير الراغب الاصفهانی نشر، دارالقلم بيروت - لبنان ، چاپ اول
25. سباعی ، د مصطفى سباعی (1393) زندگی نامه پیامبر ﷺ مترجم مسعوده جامی، نشر شاهراه معرفت، چاپ سوم
26. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین سیوطی (ب ت) خصائص الكبرى، نشر دارالكتاب العلمیه -بیروت_ لبنان
27. سجستانی، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني(1430 هـ - 2009 م) سنن أبي داود، محقق: شعيب الأرناؤوط، نشر: دار الرسالة العالمية، چاپ اول
28. شبلی، علامه شبلی نعمانی و علامه سید ندوی (1381) سیرت النبی ﷺ (فروغ جاویدان) مترجم ابوالحسین عبدالمجید مراد زهی خاشی
29. شعراوی، محمد متولی الشعراوی (1997) تفسير الشعراوی- الخواطر نشر مطابع اخبار اليوم
30. شهود، علی بن نایف (1430) خصائص الرسول ﷺ چاپ اول
31. صادق، محمد بن ابراهیم صادق (1415) ه ق خصائص المصطفى بين الغلو والجفاء، رساله ماستری دانشگاه مدینه منوره
32. طبرانی ، سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير اللخمي ابوالقاسم الطبرانی (1415) ه ق المعجم الكبير ، نشر مكتبه ابن تيميه قاهره - مصر_ چاپ اول
33. طبری، محمد ابن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب ابو جعفر الطبری (1420) جامع البيان في تاويل القرآن " الطبري" نشر موسسه رساله، چاپ اول
34. عبدالباقی، محمد فؤاد عبدالباقی(1386 هـ) ترجمه فارسی اللواء والمرجان ترجمه مترجم: ابوبکر حسن زاده ، نشر احسان، تهران، چاپ چهارم
35. عسقلانی، احمد بن علی بن محمد ابن حجر ابو الفضل العسقلانی (1379) ه ق فتح الباری شرح صحيح البخاری، نشر دارالمعرفه - بيروت

36. عیاض، ابوالفضل القاضی عیاض بن موسی (1409) الشفایا بتعریف حقوق المصطفی، نشر دارالفکر الطباعه والنشر والتوزیع
37. فیروزی، حامد فیروزی (ب ت) سیرت رسول اکرم ﷺ ترجمه الرحیق المختوم
38. قضاعی، ابو عبد الله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون القضاعی المصری (1407) مسند الشهاب القضاعی ، نشر موسسه الرساله، بیروت، چاپ دوم
39. قطب، سید قطب فرزند حاجی قطب، فرزند ابراهیم (1384) فی ظلال القرآن، مترجم استاد مصطفی خرم دل ، نشر احسان - تهران ، چاپ اول
40. لاهوری، علامه محمد اقبال لاهوری (1382) ه ش کلیات علامه اقبال راهوری، نشر پیمان، تهران ، ایران
41. نووی، ابو زکریا یحی بن شرف النووی (1385) ه ریاض الصالحین، نشر انتشارات کردستان- ایران
42. نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری نیشابوری (المتوفی: 261هـ) المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربی - بیروت
43. مبارکپوری، صفی الرحمن بن عبد الله بن محمد اکبرین مبارکپوری (1381) ه ش الرحیق المختوم ترجمه فارسی (خورشید نبوت) مترجم دکتر محمد علی لسانی
44. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البصری بغدادی مشهور به ماوردی (ب ت) تفسیر الماوردی " النکت والعیون " نشر دارالکتب العلمیه، بیروت _ لبنان
45. هیثمی، ابو الحسن نورالدین علی بن ابی بکر سلیمان الهیثمی (1414) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، نشر مکتبه القدسی، القاهره - مصر

Abstract;

The summary of the mentioned dissertation, which is written under the title of the characteristics /features of the Messenger of God (PBUH) in the Holy Quran, is as follows.

At first, features are discussed in the word and the term that feature in the word means (characteristic) to have a unique prominence or characteristic and to be chosen or to be chosen. They are distinguished from other prophets or from other human beings, from those who wrote books on attributes and from the commentators who interpreted the verses of guidance on the subject of attributes.

Also, some information has been provided in the personal part of the Messenger of God so that the reader knows in the part of the Messenger of God (PBUH) before going about the characteristics. Then I have divided the characteristics of the Messenger of God, which I have divided into two parts. It has been taken and no case has been mentioned that is consistent with the attributes of the Messenger of God. Features Distinctive cases that have a spiritual aspect in the popularity of the Prophet (PBUH) because the love of the Prophet is an obligation.

Like their obedience, therefore, knowing the beloved and the extent of that love is more necessary. For this reason, this issue has been discussed in the light of the Holy Quran in this treatise. Such knowledge of the characteristics of the Messenger of God (PBUH) provides the basis for how to love and that one should love such a prophet and follow his way and save our Prophet from excesses in the field of love. The issue of the characteristics of the Messenger of God is a proof of what is in the Qur'an and the Sunnah and it is proven to be relevant, not to attribute whatever our hearts desire. Bold books have bequeathed to future generations that heritage is valuable.

In the last part of the treatise, the virtues and virtues of the Messenger of God (PBUH) are mentioned. The cases that are mentioned to the Messenger of God, which are not permissible and the cases that are forbidden, are summarized. Remembrance of their ummah is essentially the unique characteristics of the Messenger of God in this world. The characteristics of the Messenger in the Hereafter The characteristics that are reminded of their ummah are essentially the characteristics of the Messenger of God. The ummah lacked these characteristics. This was the summary of this treatise.



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education
DM of Academic Affairs

Features of prophet Mohammad (PBUH) in Holy Quran

A Master's thesis

Student: Mazullah (Akif)

Supervisor: Professor Dr. Mohammad Ismail Labib (Balkhi)

Year: 2021



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education
DM of Academic Affairs

Features of prophet Mohammad (PBUH) in Holy Quran

A Master's thesis

Student: Mazullah (Akif)

Supervisor: Professor Dr. Mohammad Ismail Labib (Balkhi)

Year: 2021